



مذاکرات هسته‌ای؛ راهبرد یا تاکتیک

ارتش ژاپن تهاجمی شد

راهبرد نظامی جدید آمریکا

گفتگو با مشاور دولت‌های ریگان و کلینتون

مرگ سرکرده طالبان

نیلوفر



۵. ائتلاف واقعی اسرائیل، سعودی و ترکیه علیه پرونده هسته‌ای ایران
۷. گفتگو با «سیاست‌سن کورتز» وزیر خارجه اتریش
۸. گفتگو با «متیو بان» مشاور وزیر انرژی آمریکا
۹. خروش دانوب به افتخار ۱۲ سال مقاومت هسته‌ای ایران

خاورمیانه و شمال آفریقا



- سعود الفیصل که بود؟
- گفتگو با «امین حطیط» سرهنگ بازنشسته ارتش لبنان
- مصر و تکرار سناریوی سوریه و عراق
- آمریکا، عربستان و قطر منابع ارتزاق داعش

از



- ۳۵ تأثیر هیئت رئیسه پارلمان ترکیه بر تشکیل دولت ائتلافی
- ۳۷ تبعات متقابل خروج احتمالی یونان از حوزه پولی یورو
- ۳۸ جاسوسی آمریکا از مرکل، شرودر و کهل
- ۳۹ سرمقاله فارسی: گاردین درباره توافق هسته ای ایران

]



- ۳۱..... اوپاما لایحه تجارت آزاد را امضا کرد
- ۳۲..... گفتگو با «گالالی اکبری» نماینده مجلس سنا افغانستان
- ۳۳..... حضور ژاین در رزمایش مشترک آمریکا و استرالیا
- ۳۴..... توسعه سازمان همکاری شانگهای کلید خورد
- ۳۵..... مرگ ملا عمر سرکرده طالبان

一



- ۳۸ بررسی و ارزیابی استراتژی اوباما در قبال داعش در عراق
- ۴۰ اهداف پنهان آمریکا در عراق
- ۴۵ تلاش آمریکا برای مصادره پیروزی های نیروهای کرد سوریه



□ مدیر مسئول: علی عسگری

■ شورای سردبیری: سید امیر حسن دهقانی، محمد قادری، خنیف غفاری، جواد حیران نیا

□ دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

همکاران این شماره: امید شمیزی، عبدالکریم پهلوانی، محمد مظهری، محسن عزیز، مهدی رهبر گنج

□ مدیر هنری: محبوبه عزیزی

□ شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰

پست الکترونیک: world@mehrnews.com

آدرس: ایران، تهرآن، خیابان استاد نجات الہی،
کوچہ بیمہ، پلاک ۱۸

علاقه‌مندان می‌توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.

راهبرد کلان سیاست خارجی ایران تغییری نکرده است



روبروی یکدیگر قرار گرفته و پیرامون موضوعی به گفت و گو پردازند. لذا موضوع هسته ای از معدود دفعتی بوده که طرف غربی به این موضوع تن داده و قاعدتا جمهوری اسلامی ایران هم مذاکره را پذیرفته است.

سوم اینکه؛ هر مذاکره ای موضوع خاص و دستور جلسه ویژه خود را دارد، بنابراین القاء این نکته که مذاکره در یک موضوع و حتی جمع بندی درباره آن به معنای فراموش کردن دیگر اختلاف نظرها و عبور از خطوط قرمز است، از اساس وجهی ندارد، بلکه تنها به معنای بکارگیری «حکیمانه» یک تاکتیک مقطعی بنابر «مصلحت» است.

چهارم اینکه؛ راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقشه راهی که معمار بزرگ انقلاب ترسیم کرد و امروز نیز بر همان ریل حرکت می کند، از ابتدا اصولی روشن، قطعی و حول محور استکبار ستیزی و حمایت از مظلومین و مستضعفین عالم داشته است، لذا القاء عدول از این اصول راهبردی تنها به آدرس غلطی می ماند که جاهلانه یا مغرضانه اهدافی ناصواب را دنبال می کنند.

در پایان ذکر این نکته لازم است که بر خلاف آنچه برخی می پندارند، انقلابی گری و آرمان خواهی الزاماً در تقابل با مصلحت سنجی و اتخاذ تاکتیک های منعطفانه قرار نمی گیرد بلکه گاهی این انعطاف های تاکتیکی، مسیر را برای رسیدن به هدف نهایی هموارتر کرده و سرعت را بیشتر می کند. به بیان دقیق تر، «ترمش قهرمانانه» اولاً سازش و کوتاه آمدن نیست و ثانیاً نتیجه نهایی در پس گذر از این پیچ حساس تاریخی، انشاءالله پیروزی و قهرمانی است.

قانون اساسی - برگرفته از متن قرآن و روایات - روشن بوده و نه تنها تغییری نکرده که بر قوت آن افزوده شده است. این مطلب آنگاه بهتر تبیین می شود که بدانیم بر اساس آنچه رهبری معظم انقلاب تعیین کردند، موضوع مذاکرات هسته ای به عنوان یک تاکتیک آن هم به دلیل درخواست های مکرر شخص رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا از دولت جمهوری اسلامی ایران و با توجه به برخی مصالح کلان در دستور کار قرار گرفت.

در این باره ذکر چند نکته ضروری به نظر می رسد:

اول اینکه؛ اصل «مذاکره» در قاموس انقلاب اسلامی و در نقشه راه جمهوری اسلامی ایران همواره مورد تایید بوده و این مسئله تنها در مورد رژیم های نامشروع سیاسی در نظام بین الملل نهی شده است، بر این اساس آنچه در مورد پرونده هسته ای کشورمان رخ داد نه تنها مصداق تغییر رفتار نبوده بلکه مهر تاییدی بر رویه همیشگی نظام بوده است.

دوم اینکه؛ بر اساس اصل «عزت»، مذاکره تنها زمانی معنا پیدا می کند که طرفین در موضعی برابر

اصل «مذاکره» در قاموس انقلاب اسلامی و در نقشه راه جمهوری اسلامی ایران همواره مورد تایید بوده و این مسئله تنها در مورد رژیم های نامشروع سیاسی در نظام بین الملل نهی شده است

محمد قادری - در جریان مذاکرات هسته ای ایران و گروه ۵+۱ که نهایتاً پس از ۲۲ ماه مذاکرات قشردر در تیرماه ۹۴ در وین جمع بندی و منجر به صدور قطعنامه شورای امنیت شد، بعضاً در برخی محافل سیاسی و خبری داخلی و خارجی اینگونه القا شد که راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی تغییری نداشته و نسبت به برخی خطوط قرمز تجدید نظرهایی صورت گرفته است.

از جمله مواردی که ادعا شده با مذاکرات هسته ای نسبت به آنها تجدید نظر صورت گرفته می توان به مواردی چون «تغییر نگاه جمهوری اسلامی ایران به مناسبات قدرت در عرصه بین المللی»، «کاهش حمایت از ملت های مظلوم و مستضعف منطقه و جهان»، «تغییر رویکرد نسبت به محور مقاومت» و... اشاره کرد.

این در حالی است که راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول متعدد



COBURG RESIDENZ

■ سیاه نمایی درباره ایران و تلاش برای ترغیب

اعراب به خرید تسلیحاتی

■ گفتگو با عضو مرکز مطالعات استراتژیک آمریکا

■ گفتگو با مشاور وزیر انرژی آمریکا

■ گفتگو با وزیر خارجه اتریش

■ گفتگو با مشاور دولت‌های ریگان و کلینتون

ایران در جهان

دبیران: پیمان یزدانی
فریدون ناعمی

E3/EU+3 – IRAN TALKS | 2015
VIENNA

توسط دیفنس وان انجام شد؛

سیاه نمایی درباره ایران و تلاش برای ترغیب اعراب به خرید تسلیحاتی



داد که در این روش باید دست به خرابکاری در برنامه موشکی ایران زد. دومین راهکاری که دیفنس وان در این رابطه ارائه می کند بدین شرح است: متحدان منطقه ای آمریکا در خاورمیانه باید توانایی خود را برای از بین بردن موشک های ایران در روی زمین (قبل از شلیک) افزایش دهند. حمله موشکی یمن به خوبی ارزش این کار را نشان می دهد. پس از شلیک موشک جنگنده های عربستان محل شلیک و همچنین سکوی شلیک آن را شناسایی کرده و آنها را از بین بردند تا از شلیک موشک های بعدی جلوگیری شود. اما نباید این نکته را فراموش کرد که معمولاً شناسایی محل های شلیک موشک کار آسانی نیستند. سومین راهکار آن است که توانایی خود را برای از بین بردن موشک ها پس از شلیک افزایش دهیم. عربستان سعودی، امارات، کویت، و قطر میلیاردها دلار را صرف خرید سیستم های موشکی پاتریوت و تاد کرده اند و البته هزینه های میلیاردری دیگری نیز برای شناسایی محل های شلیک موشک انجام داده اند و در نتیجه آن سپرهای موشکی در این کشورها نصب می شود که البته استقرار سپر موشکی مشترک در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز جزو این برنامه است.

دیفنس وان در پایان می نویسد: حتی اگر توافق هسته ای با ایران تمامی اهداف کاخ سفید را جامه عمل بپوشاند، این توانایی بصورت بالفعل برای ایران باقی می ماند که با برهم زدن توافق اقدام به افزایش توانایی هسته ای خود بکند و این یعنی آنکه آمریکا و متحدان منطقه ایش باید از قدرت بیشتری نسبت به ایران برخوردار باشند.

موشک توسط انقلابیون یمنی به عربستان ربط داده شده و سپس راهکارهایی برای افزایش قدرت تدافعی کشورهای عربی به آنها ارائه شده است. این سایت نظامی در ارائه راهکارهای خود به کشورهای عربی می نویسد: اول آنکه باید تلاش شود تا بصورت غیر مستقیم توان موشکی ایران تنزل داده شود. این کار را می توان از طریق ادامه اعمال تحریم در حوزه فعالیت های موشکی انجام داد. البته می توان بطور مستقیم نیز برنامه موشکی ایران را تنزل

تسلیمات اعراب از آمریکاست می نویسد: آمریکا و همپیمانان منطقه ایش باید اقدامات بیشتری را برای ارتقای امنیت خود انجام دهند و این بدان دلیل است که موضوع فعالیت موشکی ایران از مذاکرات هسته ای کنار گذاشته شده است.

در ادامه این گزارش به مواردی همچون موشک های سجیل، شهاب ۳، موشک های کوتاه برد و موشک های بالستیک ایران اشاره شده و سپس تلاش شده تا توانایی موشکی ایران به شلیک

یک سایت نظامی آمریکایی با اشاره به کنار رفتن موضوع توان موشکی ایران از مذاکرات هسته ای و همچنین توان موشکی انقلابیون یمن، توصیه هایی را به اعراب درخصوص مقابله با این توانایی کرده است. دیفنس وان در گزارشی که نشان می دهد هدف اصلی آن افزایش نگرانی های بی مورد اعراب حاشیه خلیج فارس از توان موشکی ایران است می نویسد: آمریکا و متحدان منطقه ای آن مجبور هستند تا به شدت در مورد امنیت خود کار کنند چون موضوع فعالیت موشکی ایران از مذاکرات هسته ای کنار گذاشته شده است.

سطر سطر این گزارش به گونه ای هوشمندانه تنظیم شده تا در نظر خوانندگان اینطور القا شود که قدرت موشکی ایران یک تهدید بالقوه برای اعراب است و از همین رو آنها باید به سرعت توانایی های نظامی خود را افزایش دهند.

این سایت آمریکایی در ادامه با اشاره به واکنش موشکی انقلابیون یمنی به تجاوزات عربستان می نویسد: اگر به این نکته اشاره نشود ممکن است فراموش شود که در تاریخ ششم ژوئن عربستان مجبور به استفاده از موشک های پاتریوت برای رهگیری موشک اسکادی که توسط انقلابیون یمنی به سمت عربستان شلیک شده بود گردید.

این موضوع یعنی شلیک موشک به سمت عربستان توسط انقلابیون یمنی حاوی چند درس درباره نگرانی های مربوط به امنیت منطقه ای و بویژه توانایی موشکی ایران است.

دیفنس وان در ادامه پروژه ایران هراسی خود که هدف اصلی آن افزایش خریدهای

خبرگزاری لبنانی آسیا در تحلیلی عنوان کرد:

ائتلاف واقعی اسرائیل، سعودی و ترکیه علیه پرونده هسته ای ایران



های کنونی خاورمیانه ریشه در اختلافات دینی ندارد بلکه بیشتر ناشی از سلطه طلبی برخی از کشورهاست اما در این میان دین به بهانه ای برای توجیه سلطه طلبی ها تبدیل شده است. از نگاه اسپنتسروا نظام سیاسی حاکم بر عربستان و گروه تروریستی داعش از نظر ایدئولوژیک شباهت هایی با هم دارند. خبرگزاری آسیا در ادامه نوشت: «در تازه ترین گزارشی که شبکه دوم تلویزیون اسرائیل منتشر کرد حقایقی از روابط مثبت میان اسرائیل و سازمان دهندگان گروه های تندرو در سوریه فاش شده است. این روابط از طریق پیگیری معالجات اعضای گروه های تندرو و تروریستی مسلح در بیمارستان های اسرائیل خود را نشان داده است.»

کشور تاثیر منفی گذاشته است زیرا با وجود نفوذ گسترده اردوغان در میان افکار عمومی، آخرین نظرسنجی ها در ترکیه نشان می دهد فقط ۲۰ درصد مردم این کشور از خواسته اردوغان مبنی بر ضرورت سقوط نظام سیاسی سوریه حمایت می کنند. در این میان عربستان نیز به همراه اسرائیل تلاش می کند اینگونه وانمود کند که درگیری های منطقه ریشه در همان درگیری های تاریخی و چند صد ساله دارد در شرایطی که این کشور می داند تلاش برای برافروختن جنگ های دینی، آن هم جنگ هایی که پایان و نتیجه نامشخصی دارند به معنی گشودن درهای جهنم است. واقعیت این است که جنگ ها و درگیری

پشت پرده این اقدامات اسرائیل را دو سال قبل «مایکل اورین» سفیر تل آویو در آمریکا و از افراد نزدیک به بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل توضیح داده بود. او گفته بود: «خطر بزرگ برای اسرائیل در محور راهبردی تهران تا بیروت است، محوری که دمشق سنگ بنای آن است. به همین دلیل همواره خواستار سقوط نظام سوریه هستیم. در نتیجه در حال حاضر اسرائیل ترجیح می دهد پیروز درگیری های سوریه، داعش باشد.»

از نگاه روزنامه «لیتیرارنی نوفینی» محور عربستان، ترکیه و اسرائیل پس از انتخابات پارلمانی اخیر ترکیه ضربه سختی خورده است زیرا حزب رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه اکثریت را از دست داد و پس از آن شرایط میدانی در سوریه نیز به سمتی پیش رفت که شرایط را برای اردوغان که با حمایت از تندروها نشان داد خواستار تداوم جنگ در سوریه است دشوار کرد. روابط میان نظام سیاسی اردوغان و داعش تا حدی است که ترکیه برق مورد نیاز داعش را در منطقه تل ابیض به صورت رایگان تامین می کند. برنامه های تلویزیونی ترکیه نیز بر مردم این

«ترزا اسپنتسروا» در مقاله ای که در روزنامه «لیتیرارنی نوفینی» منتشر شد، نوشت: «گام هایی که اسرائیل همگام با محور سعودی - ترکیه علیه پرونده هسته ای ایران برداشته است به ائتلاف واقعی منجر شده است.» نویسنده اهل جمهوری چک از هماهنگی مواضع ضد ایرانی رژیم صهیونیستی با محور عربستان - ترکیه در منطقه خبر داد و نوشت: «این هماهنگی سبب شد تا شاهد شکل گیری ائتلافی واقعی میان این سه باشیم.» خبرگزاری لبنانی آسیا گزارش داد که «ترزا اسپنتسروا» در مقاله ای که در روزنامه «لیتیرارنی نوفینی» منتشر شد، نوشت: «گام هایی که اسرائیل همگام با محور سعودی - ترکیه علیه پرونده هسته ای ایران برداشته است به ائتلاف واقعی منجر شده است.» ترزا اسپنتسروا نوشت: «اسرائیل از حمله نظامی عربستان علیه یمن و همچنین از گروه های مسلح تندرو در سوریه حمایت می کند، چنانچه عربستان و ترکیه چنین سیاست هایی را اجرا می کنند. اسرائیل پیگیر معالجات اعضای جبهه النصره است و بارها مواضعی را در سوریه بمباران کرده است.»

عضو مرکز مطالعات استراتژیک آمریکا:

بازرسی از مراکز نظامی غیر مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای مجاز نیست

گفتگو: پیمان یزدانی

دکتر «سیندی وسترگارد» کارشناس امنیت و خلع سلاح بین المللی تصریح کرد: بر اساس پروتکل الحاقی NPT بازرسان آژانس نمی‌توانند به مراکز نظامی بی‌ارتباط به فعالیت‌های هسته‌ای دسترسی داشته باشند.

با نزدیک شدن به ۱۱ تیر ماه ضرب الاجل، مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ که از چهارشنبه گذشته در سطح معاونان در وین آغاز شده با سفر روز دوشنبه معاونان وزیر امور خارجه همراه با محمد جواد ظریف به لو کز امبورگ و ملاقات با فدریکا موکرینی و وزیران اروپایی عضو ۵+۱ وارد مرحله جدیدی خواهد شد.

گفته می‌شود ظریف پس از آن تا پایان هفته در وین و در کنار مذاکره کنندگان خواهد ماند و تاکنون ملاقات ظریف و فابوس در لو کز امبورگ قطعی شده است. از موضوعات مورد اختلاف در این دور از مذاکرات اصرار طرف آمریکایی برای بازدید از مراکز نظامی ایران در قالب امضاء پروتکل الحاقی NPT از سوی ایران است. امری که ایران مخالفت خود را با آن اعلام داشته است.

اگرچه بر اساس پروتکل الحاقی امکان بازرسی از سایت‌های نظامی هم می‌تواند میان آن کشور و آژانس مورد توافق قرار گیرد اما رویه آژانس نشان دهنده این بوده که مسائل فنی از رهگذر فیلتر سیاسی نگریسته شده است.



دکتر «سیندی وسترگارد» کارشناس امنیت بین الملل و خلع سلاح مرکز مطالعات استراتژیک بین الملل آمریکا و عضو موسسه مطالعات بین الملل دانا مارک در خصوص این موضوع که ایران بازرسی بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی از مراکز نظامی خود را رد کرده است و آیا این درخواست از ایران تعهدی فراتر از پروتکل الحاقی را بر ایران تحمیل نمی‌کند گفت: پروتکل الحاقی حدود ۲۰ سال است که به وجود آمده و در سال ۱۹۹۷ تصویب شده است. پروتکل الحاقی، متممی است بر توافق کشورها درباره نظام جامع نظارتی (CSA) با آژانس بین المللی انرژی اتمی. آژانس فقط می‌تواند صلاح امیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای را تایید کند که پروتکل الحاقی و توافق نظام جامع نظارتی را اجرا کنند. برای تایید صحت و کامل بودن برنامه‌های هسته‌ای اعلامی کشورها توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی و برای حل و فصل برخی موضوعات بازرسی بازرسان آژانس از مراکز نظامی کشورها به عنوان دسترسی تکمیلی مستثنی نشده است.

وسترگارد در توضیح روند فنی نظام بازرسی‌ها بر اساس پروتکل الحاقی و بدون لحاظ کردن نوع نگاه سیاسی آژانس در خصوص نظام بازرسی‌ها گفت: این مسئله به

پیشنهادی هر یک از آنها با بقیه متفاوت است.

وسترگارد افزود: آمریکا بطور داوطلبانه با آژانس درباره تمامی تاسیسات هسته‌ای غیر نظامی خود که واجد شرایط نظام حراستی هستند به توافق رسیده است به استثناء آنهایی که از نظر امنیت ملی دارای اهمیت مستقیم است. انگلستان و فرانسه هم توافقات مشابهی با آژانس بین المللی انرژی اتمی و آژانس اتمی اروپا داشته‌اند. مثلاً انگلستان نظام نظارتی اروپا را درباره تمامی مراکز هسته‌ای غیر نظامی خود از جمله آن مراکزی که از نظر تاریخی بعضاً برای اهداف نظامی هم بکار گرفته شده‌اند، اجرا می‌کند مثلاً مرکز «اسپرینگ فیلد».

وی در خصوص این موضوع که آیا پروتکل الحاقی مد نظر آمریکا که در تلاش است به ایران تحمیل کند یک رژیم حقوقی جدید نیست

وی در ادامه تصریح کرد: بر اساس NPT کشورهای مثل ایران که دارای سلاح اتمی نمی‌باشند تصویب توافق جامع نظارتی برای آنها ضروری است در صورتیکه این مسئله برای کشورهای دارای سلاح هسته‌ای ضروری نیست مگر اینکه خود آنها بطور داوطلبانه آن را درباره برخی از تاسیسات خود بطور گزینشی پذیرفته باشند. هر یک از ۵ کشور دارای سلاح هسته‌ای یعنی آمریکا، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه پیشنهادهای داوطلبانه‌ای درباره نظام حراستی و پروتکل الحاقی داشته‌اند که حوزه



اوباما:

انتقاد جمهوری خواهان از توافق هسته‌ای ارزش شنیدن ندارد

کروز، سناتور ایالت تگزاس نیز اشاره کرده و با انتقاد از آن گفت که «هیران حزب جمهوری خواه اینها هستند».

تد کروز در آستانه دستیابی طرف‌های مذاکره به توافق هسته‌ای وین گفته بود که «اوباما رهبر حمایت از تروریسم است نه ایران».

پیش از این نیز باراک اوباما مخالفان توافق جامع هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های جهانی را با طرفداران جنگ عراق یکی کرده و گفته بود که در میان مخالفان این توافق، کسانی هستند که اعتقاد داشتند جنگ عراق فقط چند ماه طول می‌شد و برای جنگ شتاب داشتند.

توافق با ایران، ممکن است باعث شود که از شدت مطرح شدن «دونالد ترامپ» در عناوین رسانه‌ای کاسته شود اما «این شیوه رهبری» امور سیاسی نیست. دونالد ترامپ، ثروتمند آمریکایی و از نامزدهای جمهوری خواه برای انتخابات ریاست جمهوری است که پشتیبانی از او در نظرسنجی‌ها رو به افزایش است اما به خاطر اظهارات تندش در خصوص مهاجران به ایالات متحده و دیگر موضوعات با انتقادهای زیادی روبرو شده است.

رئیس جمهوری آمریکا در بخشی دیگر از سخنانش در اتیوپی به اظهارات «تد

رئیس جمهور آمریکا در سفر به اتیوپی بار دیگر از توافق هسته‌ای حاصل شده میان ایران و کشورهای ۵+۱ دفاع کرد. «باراک اوباما» در این رابطه گفت که هنوز «استدلالی قوی» علیه حصول توافق هسته‌ای با ایران که شایسته بررسی‌های دقیق باشد نشنیده است. اوباما که در سفر خود در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی، سخن می‌گفت در ادامه از اظهارات اعضای حزب جمهوری خواه آمریکا علیه توافق هسته‌ای با ایران انتقاد کرد.

رئیس جمهور آمریکا در ادامه گفت که «فاصله‌های» جمهوری خواهان در مورد

فارس برای تردد ناورها و در برخی مناطق برای تردد هواپیماهای آمریکایی مناسب نیست ولی سپاه پاسداران ایران قایق‌هایی سریع برای هدف قرار دادن کشتی‌ها و هواپیماهای آمریکایی دارد.

نباید از نظر دور داشت که ایران کشوری بزرگ و مساحت آن از مجموع مساحت کشورهای فرانسه، آلمان، هلند، بلژیک، اسپانیا و پرتغال بزرگتر است. برنامه دفاعی ایران این امکان را فراهم می‌کند که از ارتش منظم و یگان‌های زرهی، نیروی زمینی، نیروهای سپاه پاسداران در کنار ارتش استفاده کند و در کنار آن از گروه‌های مقاومت مردمی نیز استفاده خواهد کرد از این رو آمریکا در انتخاب گزینه نظامی در مواجهه با ایران با مشکل مواجه خواهد شد.

«فلینت لورت» و «هیلاریمان لورت» دو تحلیلگر آمریکایی می‌گویند: ایران دارای جایگاه برجسته‌ای در خاورمیانه است و آمریکا چنین جایگاهی در منطقه ندارد، از این رو بهترین راه حل برای آمریکایی بهبود روابط با ایران است و با توجه به اینکه طرح‌های نظامی واشنگتن شکست خورده جایگاه استراتژیک آمریکا نیز در منطقه به شدت آسیب دیده است و همچنین اقتصاد آمریکا از تأمین منابع انسانی و مالی جنگ‌ها ناتوان است.

این دو تحلیلگر آمریکایی افزودند: استراتژی جدید آمریکا نیازمند ایجاد توازن قوا در خاورمیانه است و این امر نیازمند تعامل آمریکا با بازیگران بزرگ در خاورمیانه است و ایران نیز در خاورمیانه قدرتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و قدرت این کشور ناشی از نفوذ گرفته از استقلال، نظام منسجم اسلامی و مشارکت ملت این کشور در حکومت است و واشنگتن باید بداند که عملکرد عربستان سعودی و اسرائیل جایگاه آمریکا را در منطقه تضعیف کرده است.



نشال اینترست: ایران در درگیری با آمریکا پیروز خواهد شد

برای حمله به ایران استفاده کنند، چرا که روابط میان این دو کشور بسیار محکم است از این رو آمریکا مجبور است از طریق دریایی عمان و خلیج فارس به ایران حمله کند و از اینجاست که متوجه می‌شویم ایران آماده رخ دادن چنین سناریوهایی است و برای ممانعت آمریکایی از حمله دریایی دارای توانایی‌های استراتژیکی است، ایران مقادیر زیادی موشک، قایق‌های جنگی، هواپیماهای بدون سرنشین، زیر دریایی‌ها و مین‌های دریایی دارد، ایران جزیره‌هایی دارد که می‌تواند از آنها به عنوان پایگاه حرکت قایق‌های سریع و پایگاهی برای پنهان کردن موشک استفاده کند. «مایکل ناکل» مدیر برنامه مطالعات ایران در مرکز «سی‌ان‌ای» می‌گوید: خلیج

و از طریق یکی از کشورهای همسایه به ایران حمله کنند، همانطور که در سال ۲۰۰۳ در عراق چنین کردند و به نظر می‌رسد که آنها ترجیح می‌دهند از افغانستان به ایران حمله کنند، ولی این گزینه همانند کابوس است چرا که ورود به ایران از طریق این منطقه نیازمند عبور از کویر لوت است و عبور از این مناطق به خاطر شن‌های متحرک موجود در آن بسیار دشوار است، مرزهای غربی ایران نیز به خاطر وجود رشته کوه‌های زاگرس از شمال غرب مناسب نیست در سمت شمال غرب نیز ترکیه قرار دارد که به آمریکایی‌ها اجازه نداد از اراضی اش برای حمله به عراق استفاده کنند. آمریکایی نمی‌توانند از اراضی عراق نیز

در کنار توان نظامی قدرت ایران در دفاع از خود از طبیعت جغرافیایی این کشور شروع می‌شود، بطوریکه ایران همانند یک قلعه از سه طرف توسط کوه‌ها و از یک طرف دیگر توسط دریا حفاظت می‌شود.

مجله نشنال اینترست آمریکا مقاله‌ای به قلم «ژاکاری کیک» منتشر کرده و به نقل از اتاق‌های فکر آمریکا در مطلبی با عنوان «استراتژی بزرگ ایران برای شکست آمریکا در جنگ» نوشته است: علی‌رغم اعلام رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه تمام گزینه‌ها به منظور ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای روی میز است، ایران می‌تواند هزینه‌های سنگینی را به ارتش آمریکا تحمیل کند. این مجله آمریکایی در مورد دلایل برتری ایران بر آمریکا به موارد ذیل اشاره کرده است: آمریکایی‌ها معتقدند تنها راه مقابله با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای حمله نظامی و اشغال این کشور و روی کار آوردن رژیم طرفدار آمریکا است، ولی ناظران آمریکایی این موضوع را به خاطر فرسایش آمریکا در افغانستان و عراق جدی نمی‌گیرند و به رغم اینکه سطح ارتش آمریکا بالاتر از سطح ارتش ایران است ولی آمریکایی‌ها هرگز نخواهند توانست ایران را به سرعت و با هزینه‌ای پایین‌تر از جنگ افغانستان و عراق شکست دهند.

قدرت ایران در دفاع از خود از طبیعت جغرافیایی این کشور شروع می‌شود، به گونه‌ای که شرکت امنیتی «استراتفور» بر این باور است که ایران همانند یک قلعه از سه طرف توسط کوه‌ها و از یک طرف دیگر توسط دریا حفاظت شده است، مناطق کویری در مرکز ایران وجود دارد از این رو شکست این کشور از لحاظ طبیعت جغرافیایی بسیار دشوار است. آمریکایی‌ها تمایل دارند به صورت زمینی

گفتگو با وزیر خارجه اتریش:

مهیای گسترش روابط اقتصادی با ایران هستیم



وزیر خارجه اتریش گفت: «قطعاً پس از این توافق فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود را با ایران گسترش خواهیم داد.» «سباستین کورتز» گفت: «ما علاقه بسیار زیادی برای گسترش روابط دو جانبه با جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌ها داریم و چنانچه پیش از این هم اعلام آمادگی کرده ایم، بسیار به تقویت این روابط تمایل داریم.»

وی در پاسخ به این سوال که آینده روابط تجاری و اقتصادی اروپا با ایران را پس از این توافق چگونه ارزیابی می‌کنید، گفت: «در شرایطی که این توافق بین ایران و قدرت‌های بزرگ دنیا اتفاق افتاده و بر طبق مفاد آن تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه ایران برداشته خواهد شد، به طور خاص شرایط بهتری برای گسترش مناسبات اقتصادی فراهم خواهد آمد که ما سعی خواهیم کرد

امیدواری کرد که در پایتخت کشورش به دیپلمات‌ها و خبرنگارانی که برای این موضوع به وین آمده بودند خوش گذشته باشد.

بهترین استفاده را از آن ببریم.» وی در پایان از اینکه کشورش میزبان مذاکراتی در این سطح و با اهمیت فراوان بوده ابراز خشنودی کرد و ابراز

اقدام بر ایران و آمریکا چگونه خواهد بود؟ یک قطعنامه جدید می تواند به لغو تحریم های اعمال شده از سوی سازمان ملل متحد منجر شود و در عوض ممکن است در چارچوب قانون، ایران را به اتخاذ برخی اقدامات ملزم کند که در توافق قید می شود در مذاکره بین ایران و کشورهای ۵+۱ درباره ویژگی های چنین قطعنامه ای به طور مفصل بحث شده است.

اگر کنگره آمریکا توافق هسته ای را لغو کند، چه آینده ای در انتظار این توافق خواهد بود؟

کنگره ممکن است علیه توافق هسته ای ایران رای دهد اما اوپاما هم احتمالاً رای کنگره را و تو خواهد کرد چنانچه مخالفین توافق نتوانند دو سوم آراء لازم برای لغو حق وتوی اوپاما را به دست آورند در نتیجه مراحل اجرای توافق طبق مذاکره پیش خواهد رفت. اما، اگر مخالفان در اخذ دو سوم آراء مورد نیاز موفق شوند، در این صورت ایالات متحده آمریکا دیگر قادر به حضور در مذاکره نخواهد بود و به سختی می توان از شکست توافق جلوگیری کرد.

در واقع، سوآلی که در بلند مدت ممکن است مطرح شود به رئیس جمهور آتی آمریکا مربوط می شود حتی اگر رئیس جمهور بعدی از حزب جمهوری خواه باشد عقب نشینی از توافق برای وی امری دشوار خواهد بود اما تصور کنید که اختلافات زیاد شود و آمریکا ادعا کند که ایران به همه تعهداتش عمل نمی کند یا مثلاً رهبران ایران و ایالات متحده به بی اعتمادی نسبت به یکدیگر ادامه دهند چنین اختلاف هایی اغلب در دیگر توافق های هسته ای رخ می دهد بنابراین، هر دو طرف باید به سختی تلاش کنند تا اختلافات موجود را حل کرده و توافق را حفظ کنند اما چنانچه در آینده طرفی از در مخالفت با توافق درآید امکان چنین تلاشی به نظر بعید است و توافق به مرور زمان لغو می شود.

در مجموع، فکر می کنم که این در جهت حفظ منافع ملی ایران است که به یک توافق محکم رضایت دهد و آن را اجرا کند تا به این ترتیب از لغو وسیع تحریم های آمریکا و اروپا و البته دیگر تحریم های مشابه برخوردار شود.

این ادعای فابیوس در حالی صورت می گیرد که کمترین شاهد و نشانه ای دال بر اثبات این ادعای عجیب و البته خلاف واقع وجود ندارد. چنانچه در حوزه های مربوط به تحقیق و توسعه، تعیین نیازهای اساسی ایران، فعالیت آب سنگین اراک، خروج مواد غنی سازی شده از کشور، بازرسی های سرزده آژانس، حل ابعاد احتمالی نظامی گذشته برنامه هسته ای ایران و... شاهد سنگ اندازی های مکرر وزیر امور خارجه فرانسه و دولت متبوعش در مذاکرات بوده ایم.

بالتر از همه، ماجرای بر هم خوردن توافق هسته ای موقت ژنو در آبان ماه سال ۱۳۹۲ و نقش مخرب و مستقیم پاریس در آن هنوز از یادها نرفته است. در چنین شرایطی ادعای فابیوس در خصوص عدم نقش آفرینی سلبی کشورش در مذاکرات هسته ای را می توان ادعایی فراتر و غیر قابل باور تر از ادعاهای «گوبلز» سخنگوی آلمان نازی در جنگ جهانی دوم دانست که به گفتن دروغ های شاخ دار مشهور بود!



مشاور وزیر انرژی آمریکا:

عقب نشینی رئیس جمهور آتی آمریکا از توافق هسته ای دشوار است

گفتگو: جواد حیران نیا - مریم خرمائی

پروفسور «میتو بان» مشاور وزیر انرژی آمریکا و استاد دانشگاه هاروارد معتقد است رئیس جمهوری آینده آمریکا نیز نمی تواند توافق هسته ای احتمالی را نادیده بگیرد.

کنگره آمریکا با تصویب طرح بازنگری در توافق هسته ای ایران ۳۰ روز فرصت دارد تا آن را مورد بررسی قرار دهد. پس از آن کنگره آمریکا این اختیار را دارد که این توافق را لغو کند. اگر کنگره بتواند این توافق را با آرای دو سوم (یا بیشتر) رد کند در این صورت رئیس جهوری این کشور نیز نمی تواند آن را و تو کند.

امابه تو چه به اینکه دمو کراتها احتمالاً از توافق حمایت خواهند کرد اما کن و تو ای کنگره هنوز متصور است. در گفتگو با پروفسور «میتو بان» مشاور وزیر انرژی آمریکا (ارنست مونیز) و استاد دانشگاه هاروارد احتمال رد توافق هسته ای ایران توسط کنگره را مورد بررسی قرار داده ایم که از نظر می گذرد.

هستند و آن را نشانه ای از ضعف سیاست خارجی اوپاما می دانند اما اگر توافق پیش از آغاز دوره زمامداری رئیس جمهور آتی آمریکا تکمیل شده و به مرحله اجرا درآید - که البته این شامل قطعنامه شورای امنیت مبنی بر لغو تحریم های ایران هم می شود - رئیس جمهور آینده آمریکا، جدای از دموکرات یا جمهوری خواه بودن (اگرچه ناممکن نیست) به سختی می تواند آن را لغو کند.

توافق هسته ای ایران به عنوان قطعنامه ای بر اساس فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد مصوب خواهد شد پیامدهای حقوقی این توافق به دست آوردن دو سوم آراء لازم برای لغو وتوی اوپاما را نداشته باشند.

توانایی به دست آوردن دو سوم آراء لازم برای لغو وتوی اوپاما را نداشته باشند.

لغو احتمالی توافق هسته ای از سوی کنگره آمریکا چه واکنش هایی را در داخل و خارج این کشور در پی خواهد داشت؟ این اقدام احتمالی چه تأثیری بر نامزدهای جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ دارد؟

نامزدهای جمهوری خواه ریاست جمهوری آمریکا مخالف توافق هسته ای با ایران

ایا امکان ابطال توافق احتمالی هسته ای ایران از سوی کنگره آمریکا وجود دارد؟

وقتی متن توافق با ایران به کنگره آمریکا ارائه می شود، مجالس سنا و نمایندگان (که البته در هر دو آنها اکثریت با جمهوری خواهان است) ممکن است علیه آن رای بدهند. در این صورت، «پاراک اوپاما» رئیس جمهور آمریکا رای منفی آنها را و تو خواهد کرد. کاخ سفید امیدوار است تا ایران را مجاب به پذیرش توافقی کند که از استحکام کافی برخوردار است به گونه ای که مخالفان آمریکایی

وقتی الیزه نقش منفی خود را در مذاکرات منکر می شود؛

حیرت «گوبلز» از ادعای «فابیوس»!

لوران فابیوس در نشست خبری امروز مدعی شد: «هدف من در جریان مذاکرات هسته ای رسیدن به توافقی محکم و خوب بوده است. اگر کسی تصور می کند رویکرد فرانسه در جریان مذاکرات با ایران منفی بوده در اشتباه است.»

لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه امروز در کنفرانس خبری خود در تهران سعی کرد چهره مخبوش خود در جریان دو سال مذاکرات هسته ای مستمر با ایران را در عرض چند دقیقه اصلاح کرده و



مدعی شود که وی و کشورش اساساً رویکرد منفی و بازدارنده ای در جریان مذاکرات هسته ای ایران و ۵+۱ نداشته اند

لوران فابیوس در این خصوص مدعی شده است: «هدف من در جریان مذاکرات هسته ای رسیدن به توافقی محکم و خوب بوده است. اگر کسی تصور می کند رویکرد فرانسه در جریان مذاکرات با ایران منفی بوده در اشتباه است.»

خروش دانوب به افتخار ۱۲ سال مقاومت هسته ای ایران



۳/۱ را از سر گرفته، و در راستای اجرای مفاد پروتکل الحاقی، به آژانس اجازه نظارت بر مراکز تغلیظ اورانیوم به مدت ۲۵ سال و نظارت بر تولید لوله روتور و بیلور سانتریفیوژهای خود را برای ۲۰ سال خواهد داد.

همچنین ایران مطابق با قوانین خود و وفق مفاد موافقتنامه جامع پادمان، تسهیلات بیشتری برای کار آژانس قائل شده و به آژانس اجازه خواهد داد از برخی فن های جدید راستی آزمایی که به صورت متعارف در سایر کشورها نیز مورد بهره برداری و صحنه گذاری قرار گرفته، به طور مشخص دستگاه اندازه گیری میزان غنا و پلمب های الکترونیکی استفاده کند.

بر اساس همین توافق، ایران در چارچوب پروتکل الحاقی اجازه رسیدگی آژانس به اطلاعات مربوط به انجام فعالیت های هسته ای در مراکز اعلام نشده را خواهد داد. هر گونه اختلاف نظر احتمالی بین ایران و آژانس در زمینه نحوه رسیدگی شامل دسترسی مدیریت شده به مراکز مظنون به فعالیت های اعلام نشده هسته ای در یک بازه زمانی منطقی از طریق کمیسیون مشترک متشکل از ایران و اعضای ۵+۱ حل و فصل خواهد شد. با این حال نه به آژانس و نه به هیچ فرد و نهاد دیگری اجازه اقدامات خارج از رویه های معمول، قوانین و مقررات پروتکل های بین المللی و بازرسی از مراکز نظامی ایران داده نخواهد شد. همچنین نه به آژانس و نه به هیچ فرد و نهاد دیگری اجازه دسترسی به مراکز یا سیستم های موشکی ایران داده نخواهد شد.

در خصوص اجرایی شدن حدود و ثغور حقوقی این توافق، لازم است موارد زیر را مدنظر قرار دهیم:

۱- میان "اعلام" و "اجرای توافق" به لحاظ زمانی فاصله و شکاف وجود دارد. طرف مقابل در مرحله اعلام توافق (مرحله فعلی) نیز بسیاری از تعهدات اولیه حقوقی خود را پای میز مذاکره نقض کرده و یا بر سر مفاد تبصره های آن دبه در آورده است. از این رو باید در نگاه حقوقی و سخت گیرانه خود، مراقب دبه در آورندهای حقوقی دوباره طرف مقابل باشیم. ۲- سوء برداشت عاقدان حقوقی نسبت به توافق های اعلامی، اقدام دیگری است که واشنگتن قبلا صورت داده و در قبال جمع بندی مشترک اخیر صورت گرفته نیز صورت خواهد داد. ۳- مکانیزم نظارتی آژانس بین المللی انرژی اتمی در جمع بندی مشترک اخیر تا حدود زیادی تبیین شده است اما با این وجود باید مراقب خلط دغدغه های حقوقی و سیاسی آژانس در شیفت اعلامی - اجرایی این جمع بندی مشترک باشیم. در نظر گرفتن آژانس به عنوان یک متغیر حقوقی مستقل، نقطه آسیب بزرگی در اجرایی شدن توافق نهایی محسوب می شود که باید از آن اجتناب کرد.

۴- به لحاظ حقوقی، مخاطب ما در هر دو مرحله اعلام و اجرای جمع بندی و توافق نهایی مشترک، دولت ایالات متحده آمریکا است. بر هم زدن بازی دولت آمریکا توسط مجلس نمایندگان یا سنای آمریکا و حتی اعمال برخی تغییرات جزئی در مفاد توافق شده، به معنای بر هم خوردن کل پازل حقوقی پیچیده شده در وین خواهد بود. در اینجا اصل

برنامه هسته ای ایران وضع شده است) در ابتدای اجرای توافق، لغو ممنوعیت مطلق فعالیت موشکی کشورها در حوزه موشک های بالستیک، لغو تحریم های تسلیحاتی ایران و جایگزینی آن با برخی محدودیت ها، لغو ممنوعیت خرید اقلام حساس با کاربرد دوماظوره، لغو کامل تحریم تحصیل دانشجویان ایرانی در رشته های مرتبط با انرژی هسته ای، مرتفع گردیدن ممنوعیت خرید هواپیمای مسافربری، آزادسازی ده ها میلیارد دلار از درآمدهای مسدود شده ایران در خارج از کشور، خروج بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، کشتیرانی جمهوری اسلامی، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش و شرکت های تابعه، ایران ایر و بسیاری از دیگر نهادها، بانک ها و موسسات کشورمان (در مجموع حدود ۸۰۰ شخص حقیقی و حقوقی)، دسترسی بیشتر ایران به حوزه های تجاری، فناوری، مالی و انرژی، رفع ممنوعیت یا محدودیت همکاری های اقتصادی با ایران در تمامی عرصه ها از جمله سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی تعهدات غرب را تشکیل می دهد.

تعهدات ایران

در قبال این موارد، طرف ایرانی نیز تکالیفی را در خصوص محدود کردن فعالیت های هسته ای خود پذیرفته است. بر این اساس ایران ضمن محدود کردن فعالیت هسته ای خود به حدود ۶۱۰۰ سانتریفیوژ (مجموع سانتریفیوژهای مستقر در اراک و فردو)، پروتکل الحاقی را داوطلبانه اجراء کرده و متناسب با ایفای تعهدات طرف مقابل، در مراحل بعدی آن را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم خواهد کرد. بر همین اساس، ایران اجرای کد اصلاحی

در حوزه نگاه حقوقی، ما با واژگان، تعهدات، حقوق و تکالیفی مواجه هستیم که منظومه و دستور العمل ما را در اجرای توافق نهایی تشکیل می دهند.

بر اساس جمع بندی انجام شده در برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)، ایران به عنوان یک قدرت دارای فناوری هسته ای و برخوردار از برنامه هسته ای صلح آمیز، از جمله چرخه کامل سوخت و غنی سازی، توسط سازمان ملل متحد مورد شناسایی قرار می گیرد و قطعنامه های تحریمی ناعادلانه شورای امنیت سازمان ملل متحد، شامل کلیه تحریم های اقتصادی و مالی تحمیل شده علیه کشورمان، در قالب یک چارچوب مورد تفاهم و از طریق صدور یک قطعنامه جدید به یکباره لغو خواهند شد. همچنین با صدور قطعنامه جدید ذیل ماده ۲۵ منشور ملل متحد، ضمن اشاره به ماده ۴۱ منشور تنها در بندهای مربوط به لغو تحریم های گذشته، تحول ماهوی در نحوه برخورد شورای امنیت با ایران ایجاد خواهد شد.

دستاوردهای ایران

ادامه تحقیق و توسعه، بر روی کلیه سانتریفیوژهای کلیدی و پیشرفته ایران (از جمله IR-۴، IR-۵، IR-۶ و IR-۸)، ادامه فعالیت آب سنگین اراک، ورود ایران به بازارهای جهانی هسته ای مخصوصا در قبال فروش اورانیوم غنی شده و آب سنگین، بی اثر شدن تحریم ها و محدودیت ها علیه صادرات و واردات مواد هسته ای، لغو یکجای تحریم های اقتصادی و مالی در حوزه های بانکی، مالی، نفتی، گازی، پتروشیمی، تجاری، بیمه، حمل و نقل وضع شده توسط اتحادیه اروپایی و آمریکا (که به بهانه

فارغ از آنچه اکنون در وین می گذرد، لازم است نگاه واقع بینانه ای نسبت به معادله جاری داشته و احساس غرور مقدس دینی و ملی خود را در ذیل همین نگاه واقع بینانه هدایت کنیم.

۱۲ سال مقاومت و مذاکره، ۱۲ سال رد و بدل شدن اخبار ضد و نقیض با چاشنی دبه کردن آمریکایی ها، پوزخند انگلیسی ها و سکوت دیپلماتیک ژرمن ها، ۱۲ سال خط و نشان کشیدن های بازماندگان موشه دایان و مناخیم بگین، ۱۲ سال التماس آل سعود به فرزندان جرج واشنگتن، ۱۲ سال عشوه فرانسوی های ساکن کاخ الیزه و... خطرات و صحنه هایی هستند که همواره در ذهن و ضمیر ملت ما باقی خواهد ماند، گذشته ای که در آینده نیز قطعا تکرار خواهد شد و همین موضوع، باید به محکم تر شدن گارد بسته ما در مقابل دشمنان هسته ای این مرز و بوم بیانجامد.

امروز رود آرام دانوب برای نخستین بار در طول حیات تاریخی خود، به احترام شهدای ۱۲ سال مقاومت هسته ای ایران خروشید تا بر همگان اثبات شود، «مقاومت» در برابر دشمنان قسم خورده این مرز و بوم ثمره ای جز سربلندی کشور و خفت برای بدخواهان و دشمنان نظام و ملت ایران ندارد.

امروز ۶ قدرت هسته ای دنیا در مقابل عظمت ملت قهرمان و شهدای مظلوم هسته ای ایران سر تعظیم فرود آوردند. امروز همه در اینجا از ایران می گویند و روح جمله «هیچ گاه یک ایرانی را تهدید نکنید» بیش از هر زمان دیگری در کالبد پایتخت موسیقی اروپا حلول کرده است.

فارغ از آنچه اکنون در وین می گذرد، لازم است نگاه واقع بینانه ای نسبت به معادله جاری داشته و احساس غرور مقدس دینی و ملی خود را در ذیل همین نگاه واقع بینانه هدایت کنیم.

گفتگو با نماینده پارلمان ترکیه: توافق هسته‌ای ایران برای کل منطقه و جهان مثبت خواهد بود

گفتگو: پیمان یزدانی



«فاروق لوغ اوغلو» نماینده حزب جمهوری خلق ترکیه در پارلمان این کشور توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ را فرصتی نه تنها برای ایران در داخل و خارج دانست بلکه آن را به نفع کل منطقه و جهان دانست. توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در وین بعد از ۱۲ سال مذاکرات سخت و طاقت فرسا امروز حاصل شد. توافقی که تأثیرات گسترده‌ای را بر روند رشد و پیشرفت داخلی ایران و تحولات منطقه و جهان خواهد داشت. «عثمان فاروق لوغ اوغلو» نماینده حزب جمهوری خلق ترکیه در پارلمان این کشور در ارزیابی خود از تأثیرات این توافق بر ایران و منطقه گفت: توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ تحول و خبری خوب نه تنها برای ایران بلکه برای کل منطقه و جهان است.

وی در ادامه با اشاره به مذاکرات طولانی ایران و قدرت‌های جهانی برای دستیابی به این توافق تصریح کرد: این توافق بعد از مذاکرات و گفتگوهای طولانی مدت حاصل شد و ثابت کرد که اگر به دیپلماسی فرصت واقعی داده شود کارساز و موثر خواهد بود.

نماینده پارلمان ترکیه در خصوص تأثیرات توافق هسته‌ای در داخل ایران و همچنین

**توافق برای ایران هم
در داخل و هم در
خارج فرصت‌هایی
را ایجاد خواهد کرد
در داخل موجب
رشد و پیشرفت سریعتر
ایران خواهد شد و
در خارج به ایران این
امکان را خواهد داد تا
از جایگاه خود به نفع
برقراری ثبات و صلح
در منطقه استفاده کند**

همچنین لوغ اوغلو درباره تأثیر این توافق بر روابط ایران و دیگر کشورهای جهان به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس گفت: این توافق تأثیر بسیار مثبتی بر کل روابط ایران با غرب و شرق خواهد گذاشت. شاید ایران در اولین اقدامش از فرصت حاصل شده استفاده کند و دیدگاه‌ها و اهداف خود را برای عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس تبیین کند که این موضوع موجب ارسال پیام و سیگنال‌های مثبتی در کل منطقه خاورمیانه خواهد شد.

است، بلکه معلول قدرت واقعی ایران در معادلات جهانی و درک این قدرت از سوی طرف مقابل می‌باشد. احساس نیاز غرب به ایران قدرتمند نیز درست در چنین چارچوبی قابلیت تفسیر دارد.

۳- تضادهای آنتاگونیستی و بنیادین ایران و طرف غربی (اعم از آمریکا و تروییکای اروپایی) نباید در هیاهوی ناشی از جمع بندی مشترک اولیه صورت گرفته محو و یا حتی تعدیل شود. این تضادهای بنیادین خود را در مسائلی مانند حقوق بشر، حمایت از تروریسم ... نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران قویا و بر اساس شواهد و مستندات فراوان و غیر قابل انکار معتقد است غرب اصلی ترین مولد تروریسم در منطقه و نظام بین الملل محسوب شده و به رویکرد مخرب خود در این روند ادامه می‌دهد. از سوی دیگر، ضد ارزشهای غرب در حوزه حقوق بشر و نگاه ابزاری آمریکا و متحدانش نسبت به این مقوله جایی را برای مفاهیم در این مقوله و مقولات مشابه باقی نخواهد گذاشت.

۴- حتی تبدیل جمع بندی مشترک به توافق نهایی، نمی‌تواند حکم یک نقطه ثقل راهبردی و استراتژیک را در سیاست خارجی ما داشته باشد. یک نقطه ثقل باید به اندازه‌ای ثابت و محکم باشد که حتی امکان تغییر بالقوه آن نیز وجود نداشته باشد. این در حالیست که حتی در صورت امضای توافق نهایی و اجرایی شدن آن، کمترین اعتمادی نسبت به تعهد پذیری طرف مقابل و پایبندی ایالات متحده و بازیگران غربی در قبال توافقات صورت گرفته وجود ندارد. از این رو باید در ترسیم جایگاه توافق نهایی احتمالی در سیاست خارجی خود نهایت دقت و ظرافت ممکن را در نظر بگیریم.

۵- "ذوق زدگی" یا "تفریط" و اتخاذ رویکرد جناحی و احساسی نسبت به جمع بندی مشترک صورت گرفته و حتی توافق نهایی منبعث از آن، پاشنه آشیل ما در این معادله راهبردی محسوب می‌شود. رسانه‌های معاند انقلاب اسلامی ایران از جمله بی بی سی فارسی و صدای آمریکا از اکنون بازی هدفمندی را با هدف ایجاد شکافها و جدلهای زمزمه بر سر توافق نهایی احتمالی در ایران آغاز کرده‌اند. در چنین شرایطی واقع بینی تقادنه و در عین حال دوستانه، پیام وحدت ملت ایران در مقابل توطئه دشمنان قسم خورده انقلاب را به آن سوی مرزها مخابره خواهد کرد.

۶- "بی اعتمادی به اعضای دائمی شورای امنیت"، "تکیه بر ظرفیتهای داخلی" و "حفظ گارد بسته در مقابل غرب و افزایش ضریب احتیاط منطقه‌ای و بین المللی" سه گانه ثابتی هستند که باید در محاسبات راهبردی ما به صورت کامل و دقیق مدنظر قرار گیرد. جمع بندی مشترک اخیر و توافق نهایی برآمده از آن باید در دل همین مثلث (سه گانه راهبردی ترسیم شده) تعریف شود.

در نهایت اینکه هم اکنون زمان واقعی یعنی است! پیروزی ملت ایران چه در صورت تبدیل جمع بندی مشترک به توافق نهایی و چه در صورت عدم آن حاصل شده و هم اکنون زمان تحکیم این پیروزی است. پیروزی بزرگی که پرده‌ای دیگر از اقتدار و پیروزی انقلاب اسلامی و ملت ایران در قبال سالها زیاده خواهی و توطئه دشمنان مرز و بوم ماست ...

"تفکیک قوا" اصالت ندارد، بلکه اصل "مسئولت پذیری مطلق دولت" امریکا موضوعیت خواهد داشت.

۵- حدود و ثغور فعالیت کمیسیون نظارتی مشترک بر بری مفاد توافق نهایی (مخصوصا طی دو ماهه اخیر) باید به طور کامل، جزئی و مورد به مورد تبیین شود. کلی گویی در خصوص فعالیت این کمیسیون مشترک، می‌تواند منجر به سوء استفاده طرف مقابل و ایجاد تغییراتی بازدارنده در مکانیزم نظارتی توافق نهایی شود.

۶- در حوزه بازگشت فوری SNAP BACK مکان‌های اصلی ترین دغدغه کشور ما، متناظر بودن اجرای تعهدات طرفین است. بر این اساس مکانیزم حقوقی و نظارتی اجرای توافق نهایی باید متناسب با ضرباهنگ بازگشت فوری ما به مواضع اولیه هسته‌ای (مواضعی که قبل از اعلام جمع بندی مشترک یا هرگونه توافق موقت داشته ایم) صورت گیرد. ۷- بین "جمع بندی مشترک" و "توافق نهایی" به لحاظ حقوقی مرزی پررنگ و معین وجود دارد. مکانیزم حقوقی نظارتی کنگره ایالات متحده آمریکا نشان دهنده عمق این شکاف حقوقی است. تلقی کردن جمع بندی مشترک به عنوان توافق نهایی، خطی حقوقی محسوب می‌شود که می‌تواند در دقت و محاسبه راهبردی و تاکتیکی ما نسبت به این موضوع نیز اخلال ایجاد کند.

ملاحظات در خصوص خطوط قرمز راهبردی ما در قبال جمع بندی مشترک
در جریان امضای توافقنامه موقت ژنو یا قرائت بیانیه لوزان، همواره شاهد ترسیم ارتباطی مستقیم میان "متن" و "فرامتن" اسناد و توافقنامه‌ها بوده ایم. در برخی نگاهها، "فرامتن" نسبت به "متن" وزانت بیشتری داشته و در برخی تحلیلها و نگاههای دیگر، این معادله برعکس است. واقعیت امر این است که متن و فرامتن با نگاه حقوقی و راهبردی مرتب بر توافق نهایی احتمالی از یکدیگر تفکیک پذیر نیست. هر دوی این موارد باید در یک پازل و چارچوب واحد مورد بررسی قرار گیرد.

در خصوص مواجهه راهبردی با جمع بندی مشترک اخیر میان ایران و اعضای ۵+۱ در وین نیز لازم است نکاتی را مدنظر قرار دهیم: ۱- تاکنون بارها عنوان شده است که استراتژی "تبدیل آمریکا به دوست" در سیاست خارجی کشورمان محلی از اعراب ندارد. طی روزهای اخیر، بسیاری از رسانه‌های غربی و ضد انقلاب در صدای القای شیفت راهبردی ایران از "دشمنی با آمریکا" به سوی "دوستی با واشنگتن" هستند. اصلی ترین خط قرمز راهبردی ما در تحلیل راهبردی جمع بندی مشترک صورت گرفته میان ایران و اعضای ۵+۱، خروج از ذیل استراتژی "مدیریت رفتار دشمن" است.

۲- پذیرش ایران قدرتمند" کلید واژه ایست که در نگاه راهبردی یا فرامتنی ما نسبت به جمع بندی مشترک اخیر باید حکم یک مبنای ثابت و لا یتغیر را داشته باشد. پذیرش ایران قدرتمند "نه یک نقطه ایده آل" است و نه یک "تز انتزاعی"، بلکه ماهیتی کاملاً رئالیستی دارد. به عبارت بهتر، پذیرش ایران قدرتمند محصول وجود نگاههای ایده آل گرایانه در دستگاه سیاست خارجی واشنگتن و اروپای واحد نبوده



یادداشت؛

هفت کشور بزرگ و پیامدهای توافق هسته‌ای / بازندگان توافق کیستند

۵. جان گرفتن محور مقاومت در منطقه خاورمیانه، تقویت قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی آن در کنار توسعه جغرافیایی و اجتماعی و همچنین اذعان به رهبری این محور توسط ایران. این موضوع به حمایت ایران از حلقه‌های این محور در عراق، یمن، سوریه، لبنان و فلسطین مشروعت سیاسی در منطقه و جهان می‌بخشد. قدرت یافتن محور مقاومت موجب می‌شود تا بحران‌های موجود در کشورهای یاد شده به تدریج پایان یابند.

۶. افزایش قدرت محور مقاومت به رهبری ایران تأثیر بسیار مثبتی بر شیعیان در منطقه خاورمیانه به ویژه در عراق، عربستان، بحرین، یمن و لبنان دارد به طوری که بار بسیاری از فشارهای فرقه‌گرایی، اجتماعی، سیاسی، تبلیغاتی، تروریستی و فرهنگی را به تدریج از دوش آنها بر می‌دارد. قدرت محور مقاومت عامل بازدارندگی در مقابل کشورهای نظیر عربستان، قطر، ترکیه و اردن است که شیعیان را هدف قرار می‌دهند. محور مقاومت همچنین به عنوان تکیه گاه شیعیان در مقابل تهدیدات داعش و جبهه النصره به شمار می‌رود.

می‌توان گفت که هر هفت کشور شرکت کننده در مذاکرات هسته‌ای، راضی از این مذاکرات خارج شدند و توافق به دست آمده میان آنها تا حد زیادی عادلانه بود. اگر محور شرقی یعنی ایران، روسیه و چین را در این مذاکرات پیروز در نظر بگیریم، در آن سو محور غربی هم شکست نخورده است و با تحقق دستاوردهایی در زمینه امنیت منطقه ای و جهانی و همچنین دستاوردهای اقتصادی از مذاکرات خارج شد. تنها محوری که خود را بازنده اصلی این توافق جهانی می‌داند، محور نژادپرست فرقه گراست که با ایران دشمنی ایدئولوژیکی دارد و عربستان و رژیم صهیونیستی رهبری این محور را بر عهده دارند.

اعمال شده علیه ایران موجب می‌شود درآمدهای این کشور حدود بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال افزایش یافته و اقتصاد، صنعت و تکنولوژی آن را به صورت بی سابقه‌ای رونق می‌بخشد. ورود ایران به بازارهای اقتصادی جهانی می‌تواند این کشور را به مرکزی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی جهانی جدید و همچنین مرکزی برای همکاری‌ها در زمینه‌های صنعتی و تکنولوژی تبدیل کند. از همین رو کشورهای نظیر چین، روسیه، آلمان و فرانسه در جریان مذاکرات هسته‌ای با ایران منافع خود را در نظر گرفتند؛ آنها چشم به همکاری‌های صنعتی و تجاری گسترده با ایران دوخته‌اند.

۴. تبدیل شدن مجدد محور شرقی یعنی روسیه، ایران، چین و دیگر کشورها به یک قدرت جهانی سیاسی، اقتصادی و نظامی در مقابل محور غربی به رهبری آمریکا؛ موضوعی که به هیمنه و سیطره آمریکا بر تصمیمات کشورهای جهان عرب پایان داده و نوعی برابری قدرت میان دو محور ایجاد می‌کند. درست به همین دلیل است که روسیه و چین از هم‌پیمان خود یعنی ایران در طول مذاکرات حمایت کردند. روسیه و چین کاملاً بر این مسأله واقف بودند که پیروزی نسبی ایران در مذاکرات هسته‌ای، محور شانگهای را تقویت خواهد کرد و موجبات گسترش نفوذ پکن و مسکو را در بسیاری از زمینه‌ها فراهم می‌کند.

است. دستاوردی که به ایران هدیه نشد، بلکه ایران با مقاومت، صبر، هوش و توانایی‌های ذاتی خود توانست آن را محقق کند. این اذعان از یک سو تثبیت جایگاه ایران به عنوان یک شریک برابر با چین و روسیه در محور شانگهای را به دنبال خواهد داشت و از سوی دیگر مناطق نفوذ را دوباره میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران تقسیم می‌کند. زیرا نوعی تقاضای متقابل در خصوص منازعات میان دو طرف در خاورمیانه، حضور ایران در آسیای میانه، آفریقا و آمریکای لاتین وجود خواهد داشت. این موضوع موجب می‌شود تا تنش‌ها میان دو طرف به ویژه در مناطق ملتهب واقع در خاورمیانه از جمله افغانستان، بحرین، یمن، سوریه، لبنان و عراق کاهش پیدا کند.

۲. اذعان به اینکه ایران از نظر علمی، هسته‌ای و تکنولوژی در جهان، یک قدرت محسوب می‌شود. همکاری‌های بین‌المللی گسترده با ایران در این زمینه‌ها، پیشرفت علمی و روزافزون ایران در تمامی زمینه‌ها را به دنبال خواهد داشت. زیرا تکنولوژی هسته‌ای وارد بسیاری از زمینه‌ها در زندگی از جمله انرژی، پزشکی، مهندسی، آموزش عالی و صنعت خواهد شد. بدین ترتیب کشورهای واقع در مجاورت ایران هم به صورت مستقیم می‌توانند از تولیدات ایرانی‌ها در زمینه‌های ذکر شده استفاده کنند.

۳. ورود به بازار اقتصادی خاورمیانه، اروپا، شرق آسیا و روسیه؛ زیرا لغو تحریم‌های

غرب با امضای توافق هسته‌ای با ایران، صرف‌نظر از جزئیات فنی آن اذعان کرد که ایران در کنار شش کشور بزرگ، یک قدرت جهانی محسوب می‌شود. دکتر «علی المؤمنن» رئیس مرکز پژوهش‌های خاورمیانه در مطلبی اختصاصی به بررسی بیانه مشترک در پایان مذاکرات وین میان ایران و ۵+۱ پرداخته است که از نظر می‌گذرد.

هفت کشور بزرگ دنیا امروز به صورت رسمی از دستیابی به توافق درباره برنامه هسته‌ای ایران و لغو تمامی تحریم‌های اعمال شده علیه آن خبر دادند. تحریم‌های سیاسی که غرب از حدود چهار دهه پیش اعمال آنها بر ایران را در دستور کار خود قرار داده بود پس از این توافق که هفت کشور بزرگ (آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه، چین، آلمان و ایران) آن را امضا کردند، مارا تن سلسله مذاکرات سخت و نفسگیر میان دو طرف به پایان رسید. مذاکراتی که از ۱۲ سال پیش آغاز شده و در این دو سال اخیر به صورت فشرده ادامه پیدا کرد.

با وجود اینکه موضوع این توافقنامه «برنامه هسته‌ای ایران» است و صرف‌نظر از جزئیات فنی آن، اما دربردارنده چند نکته اساسی در زمینه تحولات منطقه‌ای و جهانی است که مهمترین آنها به شرح ذیل است:

۱. اذعان به اینکه ایران یک قدرت سیاسی جهانی در کنار شش کشور بزرگ یعنی آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلیس، چین و آلمان

گفتگو: پیمان یزدانی



گفتگو با رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای آمریکا: توافق نقطه عطفی در روابط ایران و غرب خواهد بود/تداوم مخالفت سعودی

«نادر انتصار» زمان را برای ارزیابی دقیق از توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ زود خوانده و گفت برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس که لابی گسترده ای علیه توافق کرده بودند به تدریج از آن استقبال خواهند کرد. ایران و گروه کشورهای ۵+۱ بعد از مذاکرات فشرده و نفس گیر روز سه شنبه ۲۳ تیرماه به جمع بندی در خصوص مذاکرات وین دست یافتند. جمع بندی حاصله باید در مجلس شورای اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد و به تصویب مجلس برسد تا به عنوان یک سند حقوقی بین المللی (معاهده) دارای ارزش حقوقی باشد. همچنین پارلمانهای دول دیگر متعاهد نیز باید توافق را امضا کنند تا الزام حقوقی داشته باشد. بررسی ابعاد مختلف جمع بندی حاصل شده را در گفتگو با پروفسور نادر انتصار رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی آمریکا مورد بررسی قرار داده ایم که از نظر می گذرد. کتاب «سیاست کردها در خاورمیانه» از جمله آثار دکتر انتصار است که در سطح بین المللی شناخته شده است.

تجاری ایران خواهد شد و با لغو تحریم ها شاهد رقابت های سالم تر اقتصادی در عرصه تجارت خارجی و اقتصادی ایران خواهیم بود. از تبعات این مسئله این خواهد بود که کشوری مثل چین که دست بازی در بازارهای ایران داشته است با رقابت رقیب مواجه شده و بخش های زیادی از بازار ایران را از دست خواهد داد. اما باید در نظر داشت که فعالیت های اقتصادی و تجاری بازی با حاصل جمع جبری صفر نیستند و هیچ یک از کشورهای آسیایی بازنده دوره پس توافق هسته ای نخواهند بود. رقابت برای کشورهای که در دوران تحریم ها دست بازی در بازار ایران داشتند سخت تر خواهد شد که نهایتا همه اینها به نفع ایران و شرکای تجاری فعلی و آینده اش خواهد بود.

ایران و آمریکا شاهد تغییرات زیادی نخواهد بود. چراکه هنوز مخالفت ها با ایران در آمریکا خیلی زیاد است به ویژه در میان جمهوری خواهان و کنگره. تک تک کاندیداهای جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مخالفت خود را در توافق هسته ای با ایران اعلام داشته اند. حتی هیلاری کلinton هم در گذشته مواضع تندی علیه ایران داشته است. دوران بعد از اوباما دوره پر چالشی برای ایران خواهد بود. از سوی دیگر توافق هسته ای موجب بهبود روابط ایران و اروپا و بسیاری از اصلاحات در این روابط خواهد شد.

آیا این توافق موجب خواهد شد تا روابط ایران و غرب وارد فاز جدیدی شود؟
توافق اخیر نقطه عطفی در روابط ایران و غرب خواهد بود. اما با این حال روابط

ایران و گروه ۵+۱ لابی کردند عربستان سعودی در این راستا محور غیر رسمی عربستان و اسرائیل را با هدف از بین بردن توافق ایجاد کرد. من معتقدم برخی کشورهای عربی نهایتا از این توافق استقبال خواهند کرد و روابطشان با تهران را بهبود خواهند بخشید. اما عربستان از سوی دیگر چون رویکرد غرب و ایران را تهدیدی برای سیاست های منطقه ای توسعه طلبانه خود می بیند به مخالفت های خود در این خصوص ادامه خواهد داد.

آیا این توافق موجب خواهد شد تا روابط ایران و غرب وارد فاز جدیدی شود؟
توافق اخیر نقطه عطفی در روابط ایران و غرب خواهد بود. اما با این حال روابط

ارزیابی شما از توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ چیست؟
برای ارزیابی تمامی ابعاد این توافق هنوز خیلی زود است اظهار نظری کرد. توافق با ضوابط آن به نظر می رسد که ۱۵۹ صفحه است. بخش هایی از این توافق بسیار خاص است و این در حالی است که بخشهایی دیگری هم جا را برای تفاسیر مختلف باقی گذاشته است. اما ارزیابی کلی من از توافق مثبت است. مذاکره و آن هم از نوع مستمر آن لازمه اش دادن چیزهایی و گرفتن چیزهایی است.

تاثیر این توافق بر روابط ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس چه خواهد بود؟
شماری از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس مرتباً علیه توافق هسته ای بین

فاکس نیوز مدعی شد:

داستان برکناری «بینر» جذابیت توافق هسته ای را تحت الشعاع قرار داد

به حمایت از جناح رقیب یعنی جمهوری خواهان بپردازند. برخی از نمایندگان جمهوری خواه در گفتگو با فاکس نیوز مدعی شدند که اتفاق اخیر بهترین فرصت برای اوباما است تا ذهن صاحب نظران را از مسائل مورد اختلافی چون توافق هسته ای ایران دور کند. یک منبع آگاه مدعی شد که با این اقدام، داستانی که از بینر بر سر زبان ها افتاده به جای توافق هسته ای ایران نقل محافل خواهد شد.

شدن به زمان انتخابات ریاست جمهوری خود را منسجم و متحد نشان دهد، بر ملا کرد. در این درخواست بینر به تضعیف جایگاه قوه مجریه و تحمیل عقاید شخص خود بر دیگر نمایندگان و تنبیه ایشان در صورت سرپیچی از دستورات وی متهم شده است. این درخواست حتی دموکرات های مجلس نمایندگان را نیز به چالش خواهد کشید چرا که مجبور خواهند شد تا برای رسیدن به آرزوی دیرینه خود مبنی بر خلاصی از دست بینر

نماینده ای جمهوری خواه در اقدامی بی سابقه برکناری یکی از قدرتمندترین هم حزبی های خود را از سمت ریاست مجلس نمایندگان خواستار شد. یکی از نمایندگان جمهوری خواه آمریکا در اقدامی بی سابقه درخواستی را علیه «جان بینر» سخنگوی کهنه کار مجلس نمایندگان این کشور مطرح کرد که از قضا وی نیز جمهوری خواه است. این مسئله بار دیگر مشکلات داخلی حزب راست گرا را که سعی می کند با نزدیک

گفتگو با عضو سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای آمریکا: اجرای توافق به نفع دموکراتها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است

عضو سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای آمریکا معتقد است اجرای توافق نتایج مثبتی برای دموکراتها در انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا خواهد داشت و نتیجه معکوس به نفع حزب جمهوری خواه است.

ایران و کشورهای ۵+۱ روز سه شنبه ۲۳ تیرماه توانستند به جمع بندی از مذاکرات وین دست یابند و بیانیه‌ای مشترک صادر



گفتگو از: مهدی ذوالفقاری

گفتگو با استاد دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا:

لغو توافق هسته‌ای توسط کنگره باعث انزوای آمریکامی شود

های اتمی نیز برنامه غنی سازی اورانیوم داشته و آمریکا هم در این باره هیچ گله و شکایتی را نداشته و ندارد. نظام بازرسی ها که در توافق وین درباره آن مذاکره و گفتگوهای زیادی انجام شد، باور نکردنی است؛ به نحوی که در مقایسه با بازرسی هایی که در هر کجای دیگر تا کنون انجام شده است دقیق تر است. استاد دانشگاه مینه سوتا در ادامه یادآور شدند: واقع بازرسی های ۲۴ ساعته ما به دنبال چیز خاصی نیست به جز اینکه توهم های ایجاد شده در تصاویر ویدئویی مورد ادعای لابی «آپیک» درباره ترس آمریکایی ها از بمباران هسته ای اسرائیل و نیویورک توسط ایران را پاسخ دهد. البته باید گفت این کار برای بازرسان تنها اشتغال زایی به همراه خواهد داشت؛ به گونه ای که ممکن است «دیوید آلبرایت» هم برای حضور در تیم بازرسی ها ثبت نام کند.

«ولیم بیمن» در ادامه گفت: در حال حاضر، سازمان بین المللی انرژی اتمی بازرسان خود در ایران را ۳ برابر خواهد کرد تا بتوانند بر اساس توافق کنونی وین از هر مکانی بازدید داشته باشند. لذا بازرسی های این توافق بسیار شدید خواهند بود. با توجه به اینکه بدون برهم زدن معاهدات بین المللی، نمی توان ایران را برای همیشه از کلیه فعالیت های هسته ای بازداشت، آمریکا تمامی تدابیر امنیتی در این توافق را لحاظ کرده است.

وی افزود: جمهوریخواهانی که کماکان با چنین توافقی مخالفت می کنند، مانع تراش بوده یا تممدا خود را به نفهمی می زنند.

استاد دانشگاه مینه سوتا در پایان در خصوص تبعات لغو توافق هسته ای از سوی کنگره آمریکا تصریح کرد: با کمال تأسف

می گویم، در صورتیکه جمهوریخواهان بتوانند این توافق را از بین ببرند، این آمریکا، شرافت و شهرتش است که به خطر خواهد افتاد؛ چرا که جهانیان منتظر نمی شوند تا ما این چنین اختلافات بی ارزشی را در داخل کشور خود حل و فصل نماییم. آن ها تحریم های ایران را لغو خواهند کرد و ما در انزوا به سوگ خواهیم نشست.

استاد دانشگاه مینه سوتای آمریکا معتقد است: جمهوریخواهانی که پس از توضیحات اوپاما بارهم با توافق هسته ای وین مخالف باشند باعث می شوند تا آمریکا در انزوا به سوگ بنشیند.

پروفیسور «ولیم بیمن» استاد دانشگاه مینه سوتای آمریکا در خصوص سخنرانی باراک اوپاما، رئیس جمهوری آمریکا، در خصوص توافق هسته ای با ایران گفت: هیچ کس نمی تواند مدعی عدم شفافیت رئیس جمهور اوپاما در این کنفرانس خبری بزرگ شود. وی نه تنها به هر سوالی پاسخ داد، بلکه زمان کنفرانس را نیز برای پاسخ گویی به سوالات بیشتر تمدید کرد. شاید برای متقاعد نمودن جمهوریخواهان در راستای درک واقعیت های آشکاری که رئیس جمهور آنها را مطرح کرد، تلاش بسیاری نیاز باشد؛ تلاشی که بتواند در نهایت موجب درک آن ها از حقیقت شده و گوش آن ها را برای شنیدن واقعیت ها باز کند.

وی تصریح کرد: توافق نامه ای که در وین منعقد گردید، درباره آزادی زندانیان، بدگویی از اسرائیل، رفع نگرانی از چگونگی هزینه کرد دارایی های مالی بلوکه شده ایرانیان پس از لغو تحریم ها، حمایت از فشار اسد یا حوثی ها و یا گفتگو پیرامون برنامه نوحافظه کاران در دوران بوش-چنی در خصوص تغییر نظام حاکم در ایران نبود. نه، این طور نیست.

وی افزود: توافق حاصله در مذاکرات وین تنها و تنها درباره برنامه هسته ای ایران بود. رئیس جمهور اوپاما در نهایت اذعان کرد که معاهده منع گسترش تسلیحات هسته ای (ان. پی. تی) حقوق ایران برای دست یابی به فعالیت های هسته ای صلح آمیز را تضمین نموده و بر آن تصریح داشته است.

رئیس پیشین بخش خاورمیانه انجمن مردم شناسی آمریکا در ادامه تأکید کرد: هیچگونه شواهدی درباره اینکه ایران در گذشته، حال و یا آینده برنامه ای برای تولید یا گسترش تسلیحات هسته ای داشته، دارد و یا خواهد داشت وجود ندارد. غنی سازی اورانیوم به خودی خود منجر به تولید سلاح هسته ای نمی شود؛ کما اینکه ۱۹ کشور فاقد سلاح

آیا امکان ابطال توافق احتمالی هسته ای ایران از سوی کنگره آمریکا وجود دارد؟

باید صبر کرد و دید چه پیش می آید. کنگره آمریکا توافق به دست آمده را به دقت بررسی خواهد کرد و این اعضای کنگره هستند که درباره حمایت و یا عدم حمایت از آن تصمیم گیری خواهند کرد.

لغو احتمالی توافق هسته ای از سوی کنگره آمریکا چه واکنش هایی را در داخل و خارج این کشور داشت؟ این اقدام احتمالی چه تاثیری بر نامزدهای جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ دارد؟

رد توافق از سوی کنگره در قالب قطعنامه عدم موافقت ارایه خواهد شد. این به آن معنا است که هر دو مجلس سنا و نمایندگان علیه آن رای خواهند داد. البته «باراک اوپاما» رئیس جمهور آمریکا می تواند این قطعنامه را وتو کند. در این صورت، رای دو سوم از نمایندگان کنگره برای لغو وتوی رئیس جمهور لازم است. با توجه به تعداد نمایندگان هم حزبی اوپاما (دموکرات ها) در کنگره آمریکا، کسب دو سوم آراء از سوی مخالفان توافق هسته ای امر مشکلی است.

به عقیده من تاثیر این توافق بر انتخابات آتی آمریکا از هم اکنون به اجرای صادقانه آن از سوی همه اعضا بستگی خواهد داشت. با نشان دادن صداقت، من فکر می کنم که این توافق نتایج مثبتی برای هم حزبی های اوپاما (دموکراتها) داشته باشد. در غیر این صورت، نتیجه معکوس به نفع حزب رقیب (جمهوری خواهان) تمام خواهد شد. توافق هسته ای ایران به عنوان قطعنامه ای بر اساس فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد مصوب خواهد شد. پیامدهای حقوقی این اقدام چیست؟

این به زبان و لحن به کار رفته در قطعنامه بستگی خواهد داشت. به طور قطع، تعهدات سیاسی برای هر دو طرف لحاظ خواهد شد. اگر قطعنامه لحن قانونمند و الزام آوری را در خود گنجانده باشد، هر دو طرف ناگزیر از عمل به همه الزامات خاص به همان نحوی که مشخص شده، هستند.

اگر کنگره آمریکا توافق هسته ای را لغو کند، چه آینده ای در انتظار این توافق خواهد بود؟

اگر کنگره رای به ابطال توافق هسته ای بدهد و حق وتوی رئیس جمهور را نیز لغو کند، در این صورت ایالات متحده آمریکا به لحاظ قانونی دیگر قادر به اجرای نقش خود در توافق نخواهد بود. گمان می رود که این حالت به شکست توافق بیانجامد چرا که شک دارم در صورت عدم کاهش تحریم ها، ایران هم بتواند نقش خود را در توافق به سرانجام برساند.

گفتگو: مهدی ذوالفقاری

گفتگو با استاد دانشگاه بردفورد:

رقبای ایران در جایگاه ضعف هستند/ عربستان و اسرائیل بازندگان توافق



عربستان سعودی به شمار آید. اگرچه تا کنون شواهدی مستدل برای اثبات تلاش عربستان در راستای به دست آوردن تسلیحات هسته ای از پاکستان مشهود نبوده است، لیکن گمانه زنی هایی نیز در این خصوص وجود دارد. با وجود اینکه ریاض به لحاظ اشتراک با اسرائیل در دشمنی با ایران تلاش می کند از نظر راهبردی به تل آویو نزدیک شود، اما اسرائیل هرگز تحمل پذیرش عربستان هسته ای را نخواهد داشت.

ریاض خود به خوبی آگاه است که به دست آوردن بمب اتم به هر شکل ممکن ناقض خط قرمزهای آمریکا و اسرائیل است. با این وجود، چشم پوشی از سلاح هسته ای هم گزینه آسانی برای عربستان نخواهد بود.

|| با توجه به توضیحات جنابعالی، علاوه بر عربستان اسرائیل نیز قاعدتا خیلی از توافقی ناخشنود خواهد بود؟

اسرائیل و بالاخص شخص نتانیاهو از دیگر بازندگان توافقی هسته ای جاری هستند. در جریان مذاکرات هسته ای، نتانیاهو از هر اقدامی برای از بین بردن این توافق فروگذاری نکرد. او در این راه حتی از مقابله با اوباما نیز نهراسید. وی تلاش کرد تا از یک طرف کنگره را در برابر کاخ سفید قرار داده و از طرف دیگر افکار عمومی جامعه این کشور را علیه رئیس جمهورشان تحریک نماید که البته شکست خورد. حتی برخی مخالفان نتانیاهو در اسرائیل استعفا او را فریاد می زدند. برخی نیز رویکردهای او را دارای تبعات منفی اعلام کرده و ساز مخالفت سری می دادند. استدلال آن ها این بود که او توانایی گرفتن کمترین امتیاز از اوباما را نیز نداشته و به دلیل اتخاذ سیاست های ناآب، منافع اسرائیل را نیز به مخاطره انداخته است.

در جمع بندی می گویم که در عصر حاضر ایران از موقعیت ممتازی برخوردار است. رقبای اصلی این کشور اکنون در ضعیف ترین جایگاه نسبت به سال های اخیر قرار دارند. جمهوری اسلامی ایران از یک فرصت طلایی برای تجدید موقعیت خود در نظام بین المللی برخوردار است تا از این رو نه تنها متحدین جدیدی را برای خود ایجاد نماید، بلکه به شکل بازیگر جهانی مهمی در مراکز قدرت اقتصادی منطقه ای عرض اندام کند. البته بدیهی انگاشتن همه تحولات نیز امری ساده لوحانه است؛ زیرا اگرچه افزایش چشمگیر فرصت ها وجود دارد، لیکن بهره برداری مدیرانه از آن ها از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. در حالیکه رسیدن به توافق موفقیتی بزرگ است، اما تلاشی بس عظیم تر پش روی سیاست گذاران ایرانی قرار دارد؛ به این معنی که تنها نوع تصمیم گیری و نحوه عملکرد آنان می تواند فصل جدیدی را در آینده ایران رقم زند.

بیشتر موقعیت آن ها خواهد بود. با ظهور افق های اقتصادی جدید در ایران، عربستان با مشکلات اقتصادی بیشتری در داخل کشور خود مواجه شده است. به عنوان مثال، برای برطرف نمودن کسری بودجه، ریاض مجبور شد تا ۶۵/۱ میلیارد دلار از خزانه عمومی پولی خود را در ۵ ماه نخست سال ۲۰۱۵ استخراج کرده و به مصرف برساند. این اقدام به تنش های موجود در منافع قدرت در ریاض افزوده است.

پیش از حصول توافق کنونی، عربستان تلاش های دیپلماتیک زیادی را برای تحت الشعاع قرار دادن مذاکرات به کار برد. این کشور برای رسیدن به مطامع خود، از محرک های اقتصادی برای موقعیت خود نیز بهره برد و حتی کوشش نمود تا از آمریکا امتیازاتی را اخذ نماید، اما شکست خورد. دست یابی به این توافق استدلال خوبی است تا به اثبات برساند، عربستان دیگر نمی تواند به اتحاد دیرینه خود با آمریکا به عنوان یک نقطه اتکاء نیرومند دلبستگی داشته باشد.

|| توافق حاصل عربستان را به تلاش برای ائتلاف سازی با کدام کشورهای سوق می دهد؟

این شواهد به وضوح مؤید این حقیقت است که در شرایط کنونی، دل مشغولی سعودی ها بیش از هر زمان دیگری در ۳ دهه گذشته به امنیت معطوف شده است. اکنون آن ها ناگزیرند تا پیمان های منطقه ای خود را بازتعریف نمایند. عربستان علاقه زیادی را برای تحکیم روابط امنیتی خود با ترکیه نیز نشان می دهد. به ویژه زمانی که نوبت به سوریه و احساسات ضد بشار اسد می شود، عربستان و ترکیه دارای نقاط مشترک زیادی با هم هستند، اما ترکیه به تقابل با ایران هیچ علاقه ای از خود نشان نمی دهد. از سوی دیگر، ریاض اخیراً تلاش می کند تا مناسبات خود با روسیه را گسترش دهد. مثلاً در جولای سال ۲۰۱۵، سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دلاری صندوق سرمایه گذاری عمومی عربستان برای مشارکت با صندوق سرمایه گذاری مستقیم روسیه در پروژه های این کشور موافقت خود را اعلام نمود.

مسکو به خاطر مسأله الحاق کریمه تحت تحریم های غرب قرار گرفته است. بنابراین جای تعجب نیست که این کشور برای کاهش اتکاء به اروپا و آمریکا، تمایل بیشتری را به شرق از خود نشان دهد. از آنجاییکه روسیه از روابط مستحکمی با ایران برخوردار است، اعتماد ریاض به مسکو به عنوان یک شریک امنیتی معتمد قطعی به نظر نمی رسد. از سوی دیگر، پاکستان با تصمیم به عدم مشارکت نظامی در ائتلاف تهاجم به یمن ثابت کرد که نمی تواند نقطه قابل اتکاء مهمی برای

استاد دانشگاه بردفورد انگلستان معتقد است: توافق هسته ای، ایران را به عنوان برنده بلامنازع و عربستان و اسرائیل را به عنوان بازندگان آن به منصفه ظهور رسانده است.

جمع بندی مذاکرات وین در روز ۲۳ تیرماه محقق شد. امری که برای تبدیل به قانون شدن باید به تصویب مجالس کشورهای متعدد برسد. در گفتگو با دکتر افشین شاهی استاد روابط بین الملل دانشگاه بردفورد انگلستان به بررسی جمع بندی مذاکرات وین و بازندگان این توافق پرداخته ایم که در ادامه از نظر می گذرد.

|| ارزیابی شما از جمع بندی مذاکرات وین میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ چیست؟

بالاخره ایران و کشورهای ۵+۱ توانستند به یک توافق تاریخی دست یابند. اگر به حدود ۳ سال پیش برگردیم، کامیابی کنونی برای همه طرف های حاضر، مقوله ای ناممکن به نظر می رسید. ایران تحت فشارها و تحریم های بی سابقه ای قرار گرفت تا اقتصاد ایران را فلج کنند. با این وجود، عوامل متعددی از قبیل ایستادگی دولت نوپای روحانی به همراه نقش تعیین کننده وزیر امور خارجه یعنی دکتر ظریف راه را برای به وجود آمدن نقطه عطف مهمی فراهم ساخت.

طرف های دیگر مذاکرات مانند دولت اوباما در این موفقیت بزرگ نیز نقش آفرینی کردند. اوباما توافقی هسته ای کنونی را یک موفقیت مهم در حوزه سیاست خارجی خود به حساب می آورد به گونه ای که برای حصول آن مجبور بود با جمهوریخواهان کنگره و سنا مواجه شده، به لابی های قدرتمندی مانند آپیک بی توجهی کرده و روابط گرمی را با متحدین دیرینه خود مانند رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی حفظ نماید. به نظر من می توان گفت، توجه اوباما در جهت تلاش برای دست یابی به این توافق، انگیزه ای برای تصمیم سازان سیاسی ایران محسوب می شد تا به مذاکرات ادامه دهند.

|| این توافق چه آثاری بر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران اعم از روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی خواهد داشت؟

اکنون توافقی حاصل شده است که همه طرف ها از آن به عنوان پیروزی یاد می کنند. از سویی ایرانی ها از این توافق برای بازتعریف جایگاه خود در منطقه و جهان بهره خواهند برد و از سوی دیگر و از بُعد جهانی، توافق کنونی

از توان بالقوه ای برای بسترسازی در راستای پیوستن ایران به اقتصاد بین الملل برخوردار است. توافق هسته ای به دست آمده می تواند زمینه های خوبی برای توسعه سرمایه گذاری، همکاری های فیما بین و تجارت را متبلور سازد. تصور اینکه ارتباطات اقتصادی عمیق تر تنها می تواند به شکوفایی اقتصادی بیانجامد، صحیح نیست. روابط اقتصادی بیشتر می تواند فواید امنیتی، سیاسی و راهبردی ویژه ای را نیز با خود به ارمغان بیاورد. به عبارت دیگر، کشورهایی که ارتباطات اقتصادی آنها از عمق بیشتری برخوردار است، می توانند از مناسبات سیاسی با ثبات تری نیز منتهم شوند؛ این درست همان چیزی است که ایران در نظام آشفته بین المللی کنونی نیازمند آن است. بر همین اساس، ایران نیز می تواند از فرصت ایجاد شده کنونی برای تعمیق هر چه بیشتر جایگاه خود در اقتصاد جهانی استفاده کند.

هم اکنون، ایران از موقعیت و جایگاه ممتازی در منطقه برخوردار است. آنچه برای عربستان سعودی بیش از ایران هسته ای خطرناک به نظر می رسد، ایرانی با اقتصاد توانمند و پویا است. عربستان از ارتقاء نفوذ ایران در منطقه به ویژه در حوزه سوریه، عراق و یمن بیمناک است. تهاجم ناموفق عربستان سعودی به یمن، جایگاه یابی آینده این کشور را در منطقه در معرض تهدید جدی قرار داده و برای سعودی ها به مثابه یک «بازی با حاصل جمع صفر» نمایان شده است. اکنون آن ها به این درک رسیده اند که جایگاه جدید ایران در اقتصاد جهانی و همچنین روابط نزدیکتر آن با شرکاء غربی به مفهوم تضعیف

گفتگو: جواد حیران نیا

پروفسور گراهام آلیسون مشاور ویژه وزارت دفاع دولت ریگان و رئیس مرکز امور بین الملل بلگر دانشگاه هاروارد گفت: کنگره آمریکا آرای کافی برای لغو توافق هسته ای ایران و ۵+۱ را ندارد.

طرح بازبینی توافق هسته ای با ایران مصوب کنگره آمریکا یکی از چالش های اصلی تحقق و اجرای توافق هسته ای قلمداد می شود.

یکی از این اقداماتی که می تواند تحقق توافق جامع و اجرایی شدن آن را با مشکل مواجه کند طرح بازبینی توافق هسته ای مصوب کنگره آمریکاست. این قانون به نمایندگان کنگره اجازه می دهد تا ظرف ۶۰ روز پس از امضای هر توافق نهایی بین ایران و گروه ۵+۱ متشکل از آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین و آلمان آن توافق را بررسی کرده و در صورت نارضایتی، آن را رد کند.

با توجه به اعلام رئیس جمهوری آمریکا در خصوص وتوی رأی منفی کنگره به توافق هسته ای، دو سوم رأی کنگره برای بی اثر کردن وتوی باراک اوباما نیاز است. تعدادی که تحقق آن سخت و دشوار به نظر می رسد. در این خصوص گفتگویی با پروفسور «گراهام آلیسون» انجام شده است که در ادامه می آید. گراهام آلیسون، رئیس مرکز امور بین الملل بلگر و استاد مدرسه جان اف کندی دانشگاه هاروارد است. او در دوران ریاست جمهور بیل کلینتون، رئیس جمهور سابق آمریکا، سمت معاون وزیر دفاع آمریکا در امور طرح ها و سیاست را برعهده داشت. آلیسون در این سمت به هماهنگی راهبرد و سیاست وزارت دفاع آمریکا در قبال جمهوری های شوروی سابق می پرداخت. آلیسون مشاور مخصوص وزارت دفاع دولت ریگان نیز بوده است.



گفتگو با مشاور دولت های ریگان و کلینتون:

کنگره آمریکا آرای لازم برای لغو توافق هسته ای ایران را ندارد

آیا توافق هسته ای میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ توسط کنگره لغو می شود؟

انتظار دارم که کنگره آمریکا توافق هسته ای صورت گرفته را قویا و به طور سازنده ای مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. همچنین این انتظار از مجلس ایران هم هست.

نهایتاً اگر گروه ۵+۱ و ایران توافق لوزان را به توافقی الزام آور از جنبه حقوقی تفسیر کنند، از جمله رویه های بازرسی، در این صورت بعید است که کنگره بتواند دو سوم آراء برای بی اثر کردن رأی رئیس جمهوری آمریکا را به دست آورد.

تصور کنید که کنگره دو سوم آراء برای بی اثر کردن وتوی اوباما را نیز به دست آورد و توافق را لغو کرد. در این صورت تبعات داخلی و خارجی چنین اقدامی چیست؟

رد شدن توافق هسته ای توسط کنگره احتمالاً منجر به تحریم های بیشتر ایران از سوی آمریکا می شود. اگر چنین اتفاقی بیافتد ایران نیز ممکن است در واکنش به این اقدام فعالیت های هسته ای خود را به رویه گذشته برگرداند و غنی سازی ۲۰ درصدی را شروع کند و زمان گریز هسته ای نیز کاهش خواهد یافت.

آیا این موضوع تأثیری بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دارد؟

اگر توافق توسط کنگره آمریکا و یا مجلس ایران رد شود در این صورت این موضوع بر انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا تأثیر گذار خواهد بود و کاندیداها باید در خصوص جایگزین های بدیل باندیشند و آن را صورت بندی کنند.

در خصوص انتخابات آینده ریاست جمهوری ایران نیز رد شدن این توافق تأثیر گذار خواهد بود.

قطعنامه صادر شده توسط شورای امنیت ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد چه الزامات حقوقی برای طرفین دارد؟

قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد تمام قطعنامه های قبلی در خصوص برنامه هسته ای ایران را بی اثر کرد.

قطعنامه تحریم های دیگر ایران از جمله تحریم های مرتبط با موشک های بالستیک-که مرتبط با مذاکرات و موضوعات هسته ای نبود-را حفظ خواهد کرد. قطعنامه همچنین کمیسیون ایجاد خواهد کرد که تحریم های ایران در صورت نقض توافق دوباره تحمیل شود.

توسط رژیم صهیونیستی انجام می گیرد؛

ارائه سند به کنگره برای تغییر توافق هسته ای با گزینه های اسرائیل

یک روزنامه چاپ سرزمین های اشغالی از اقدام رژیم صهیونیستی در تهیه سندی برای قانونگذاران آمریکایی جهت جایگزین کردن توافق هسته ای با گزینه های مورد نظر تل آویو خبر داد.

دفتر نخست وزیری اسرائیل تلاش های خود را برای متقاعد کردن کنگره آمریکا به رد توافق جامع هسته ای بدست آمده بین ایران و قدرت های جهانی، تشدید کرده و در این رابطه یک «سند» تهیه کرده است.

این سند اسرائیلی قرار است با ارائه به اعضای کنگره ایالات متحده، به پرسش ها و ابهامات آنها درباره توافق اخیر با ایران «پاسخ» بدهد. این سند اسرائیلی «راهکارهای جایگزین» را با هدف توقف فعالیت های هسته ای «هشکوک» ایران پیشنهاد کرده است.

به نوشته جروزالم پست، این سند به صورت پاسخ به شماری از پرسش هایی است که مخالفان این توافق در کنگره در روزهای اخیر مطرح کردند.

«سند اسرائیلی» بزودی در میان اعضای کنگره در واشنگتن توزیع خواهد شد؛ دولت آمریکا به این اقدام اسرائیل هنوز واکنش نشان نداده است.

این اقدام دفتر نتانیاهو در حالی انجام می شود که وزیران خارجه، انرژی و خزانه داری آمریکا پنجشنبه گذشته در نشست طولانی کمیته روابط خارجی مجلس سنا حضور یافتند و به پرسش های دشوار نمایندگان پاسخ دادند و قرار است در روزهای آینده نیز این تیم در نشست کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان حضور یابد.

جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در روزهای گذشته سلسله سخنرانی ها و نیز مصاحبه های متعددی با رسانه های کشورش و رسانه های بین المللی در راستای حمایت از توافق بدست آمده با ایران انجام داده و از جمله تأکید کرده که اگر کنگره توافق را رد کند اسرائیل «مقصر» شناخته خواهد شد و تل آویو «منزوی تر» خواهد شد.

باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا نیز در تلاش های اعضای دولت خود برای قانع کردن کنگره به تأیید این توافق به شدت فعال بوده است.

اما روزنامه نیویورک تایمز، روز شنبه به نقل از «یک مقام اسرائیلی» نوشته بود تل آویو «تسلیم فشار و تهدید» نخواهد شد و به تلاش خود علیه توافق بدست آمده با ایران ادامه خواهد داد.

اسرائیل از ۲۳ تیر که «برجام» (برنامه جامع اقدام

هسته ای) در نتیجه مذاکرات طولانی میان ایران و پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان بدست آمد، آن را «اشتباهی در ابعاد تاریخی» نامیده و نخست وزیر این کشور، همه دیدارهای خود با مقامات جهانی را به موضع گیری های تند علیه این توافق اختصاص داده است.

محتوای سند اسرائیل

به نوشته جروزالم پست، دفتر نخست وزیری اسرائیل در «سند» تهیه شده خود هشدار داده است که «زمان گریز هسته ای ایران» در پایان ۱۰ سال نظارت بر فعالیت های اتمی این کشور «به صفر» کاهش خواهد یافت.

این «سند» همچنین پیشنهاد کرده است که سامانه تحریم ها علیه ایران به صورت گام به گام، و به شرط اینکه ایران نیز مرحله به مرحله برنامه هسته ای «نظامی» خود را متوقف کند، لغو شود. سند اسرائیلی همچنین می خواهد که در صورت خودداری ایران از اجرای راهکار اول، محدودیت ها علیه ایران تشدید شود و زیر فشار شدید قرار گیرد تا بر تحرکات خود در «حمایت از تروریسم و اقدامات ضد اسرائیلی» نقطه پایان بگذارد.

این سند در مورد بسیاری از بندهای توافق



۱۵۹ صفحه ای ایران و قدرت های جهانی پرسش های انتقادی مطرح کرده و بویژه دامن مهلت ۲۴ روزه به ایران برای رفتن ناظران به ایران، و دادن امکان به ایران برای نمونه برداری توسط خودش از اماکنی مانند پارچین را مورد انتقاد شدید قرار داده است.

این سند می گوید اسرائیل در توافق بدست آمده با ایران نقشی نداشته و از این رو اکنون نیز خود را به آن ملزم نمی داند حتی اگر همه جامعه جهانی آن را تأیید کند.

در همین حال، سند اسرائیلی جزئیات بیشتری در مورد اقدامات بعدی این کشور مبنی بر عدم الزام به رعایت این توافق ارائه نمی کند.

اما جان کری وزیر خارجه آمریکا در روزهای گذشته گفت اگر اسرائیل بخواهد به تأسیسات هسته ای ایران حمله کند، مرتکب «اشتباه بسیار بزرگی» می شود.



عبدالحمید بیاتی

وزیر فرانسوی متهم پرونده «خونهای آلوده» در راه تهران

آنها به کشورهای دیگر توسط دولت فابیوس شش ماه بود؛ اما مشکلات آن برای مردم مصرف کننده سالها ادامه داشته است.

عامل ورود ایدز به ایران

آمارهای غیررسمی، بیماران هموفیلی قربانی فرآورده‌های خونی آلوده فرانسوی در ایران را ۳۰۰ نفر می‌دانند. براساس آمار رسمی وزارت بهداشت ایران تا کنون ۱۲۵ تن از بیماران هموفیلی، هپاتیتی و کلیوی در اثر استفاده از فرآورده‌های خونی آلوده به ویروس ایدز جان خود را از دست داده‌اند. درواقع این سهل انگاری دولت فابیوس بود که موجب شد اولین بیمار ایدزی در ایران شناسایی و ثبت شود.

هم اکنون حداقل ۱۸۰۰ ایرانی شناخته شده‌اند که در اثر خون‌های فرانسوی به هپاتیت و ایدز مبتلا هستند. ایران در اوایل دهه ۶۰ واردکنندگان فرآورده‌های خونی از انستیتو مریو فرانسه بود. در سال ۱۳۶۴ فرآورده‌های خونی آلوده وارداتی از فرانسه به بیماران هموفیلی ایرانی تزریق می‌شد.

واما این سفر

اکنون این فرد نام آشنا قصد سفر به ایران را دارد. سفری که بدون شک با اهدافی خاص و برای عقب نماندن فرانسه از رقیبان سنتی خود در بازار پررونق ایران انجام می‌شود. فراموش نکنیم که فرانسه با اعراب حاشیه خلیج فارس و صهیونیست‌ها روابط اقتصادی و نظامی گسترده‌ای دارد و حتی گفته می‌شود خود فابیوس اصالتاً یک یهودی است و مشخص است که پاریس در انتخاب میان ایران و اعراب و صهیونیست‌ها، آنها را انتخاب می‌کند.

نمونه این رفتار فرانسوی‌ها در سال‌های اخیر و پس از تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه تهران شاهد بوده ایم و اکنون که به موجب توافق هسته‌ای درهای اقتصاد ایران به روی سرمایه‌گذاران و شرکت‌های مختلف خارجی باز شده بهتر است مقامات ایرانی نیز به سابقه افراد و کشورهای که در روابط نیم نگاهی نیز به سابقه افراد و کشورهای که در ترافیک دیپلماتیک تهران گیر کرده‌اند داشته باشند.

فابیوس هیچگاه در خصوص موضوع «خونهای آلوده» از کشورمان عذرخواهی نکرده است. حداقل اقدام وی پیش از سفر به ایران عذرخواهی از قربانیان آن حادثه می‌تواند باشد. ایران حتی غرامت آن حادثه را نیز از فرانسه نگرفته است.

آشنایی به دوران نخست وزیری وی در فرانسه باز می‌گردد. در دوران ریاست جمهوری «فرانسوا میتران» (۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵) فابیوس نخست وزیر فرانسه بود و او دو رسوایی تاریخی را در دوران نخست‌وزیری در کارنامه اش به ثبت رسانده است. یکی از این رسوایی‌ها در جولای ۱۹۸۵ اتفاق افتاد که طی آن کشتی جنگجویان رنگین کمان، متعلق به سازمان غیر دولتی صلح سبز که علیه آزمایش‌های اتمی دولت فرانسه اعتراض می‌کرد، توسط سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه با برنامه‌ریزی و به عمد منفجر شد و در جریان آن یک عکاس نیز به قتل رسید. فابیوس در سمت نخست‌وزیری، ابتدا از دخالت دولتش در این عملیات اظهار بی‌اطلاعی کرد اما پس از انتشار گزارش تحقیقات مستقل مسئولیت این انفجار را پذیرفت و وزیر دفاع کابینه را مجبور به استعفا کرد. اما رسوایی دیگر فابیوس تبعات بسیار گسترده‌تری داشت که تا کنون نیز هم برای او و هم برای قربانیان ادامه داشته است. در دوران نخست‌وزیری او خون‌های آلوده به ویروس‌های خطرناک در فرانسه توزیع شد و انستیتو مریو فرانسه فرآورده فاکتورهای انعقاد خونی آلوده به ویروس HIV و هپاتیت را به برخی از کشورها مانند آلمان غربی، ایتالیا، آرژانتین، عربستان، عراق و ایران و ... صادر کرد. این فاکتور در کمک به انعقاد خون بیماران مبتلا به هموفیلی مصرف می‌شود و در نتیجه سبکسری انستیتوی فرانسوی تعدادی از بیماران هموفیلی کشورهای دریافت کننده به ویروس HIV و بیماری ایدز و هپاتیت مبتلا شدند.

متعاقب آن حادثه فرانسوا میتران در سخنرانی اش خواست که همه وزیرانش مسئولیت این اشتباه را بپذیرند و فابیوس از کسانی بود که مصونیت سیاسی اش نادیده گرفته شد و در دادگاه محاکمه شد.

فابیوس متهم بود که هرگونه تشریفات در زمینه انجام آزمایش‌ها از نمونه‌های خونی را لغو کرده و خونهای آلوده بدون اینکه مراحل آزمایش را پشت سر بگذارند، وارد بازار شدند. او دستور غربالگری را زمانی صادر کرد که محموله خون‌های آلوده، صادر شده بود.

هرچند که رای این دادگاه به دلیل ناکافی بودن مستندات دخالت او در این پرونده، تبرئه شدن فابیوس بود اما هنوز هم جناح رقیب این مسئله را نقطه تاریک پرونده او می‌داند.

هرچند بازه زمانی توزیع خون‌های آلوده در فرانسه و صدور

ایران بار دیگر صحنه حضور مقامات بلندپایه غربی شده و بعد از حضور معاون صدراعظم آلمان در تهران اکنون خبرهایی در مورد سفر «لوران فابیوس» و «فدریکا موگرینی» به کشورمان منتشر می‌شود.

ایران در دو سال اخیر در دو مقطع شاهد ترافیک سنگین مقامات غربی در تهران بوده است؛ یکی بعد از حصول توافق ژنو و دیگری بعد از توافق وین.

در همین رابطه «زیگمار گابریل» معاون صدراعظم و وزیر اقتصاد آلمان به همراه جمعی از بازرگانان و صاحبان صنایع این کشور به تهران سفر کرد و در دیدار با مقامات جمهوری اسلامی اظهاراتی ایراد کرد که ناشی از عدم آگاهی او به اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود.

و اکنون خبرهایی در مورد سفر «لوران فابیوس» وزیر خارجه فرانسه، و «فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و همچنین وزیران خارجه و اقتصاد ایتالیا به تهران منتشر می‌شود. هدف از این نوشتار توصیف چرایی انجام این سفرها و هدف مقامات غربی از عزیمت به ایران نیست بلکه توضیح مطلبی است که در هیاهوی آمد و رفت این مقامات نباید آنها را فراموش کرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در روز عید سعید فطر در اظهاراتی با اشاره به حصول توافق میان ایران و کشورهای ۵+۱ فرمودند که این توافق تغییری در مواضع جمهوری اسلامی نداده و موجب نمی‌شود که ایران حمایت از محور مقاومت را کنار بگذارد.

این مواضع در حالی مورد تأیید مجدد قرار گرفتند که برخی انتظار داشتند بعد از حصول توافق، ایران مواضع خود را تغییر داده و برای نزدیکی بیشتر به غرب سیاست‌های قبلی اش را به فراموشی بسپارد.

در این میان حضور فابیوس در ایران حاوی نکاتی است که یادآوری آنها می‌تواند موجب برخورد مناسب‌تر با وزیر امور خارجه فرانسه شود.

فابیوس، ایران و گذر زمان

لوران فابیوس، برای ایرانی‌ها نامی آشناست. این آشنایی فقط مربوط به مذاکرات دو سال اخیر با کشورهای ۵+۱ و چوب لای چرخ گذاشتن‌های فرانسه و خوش خدمتی وی به اعراب و صهیونیست‌ها در این گفتگوها نیست بلکه این

- اهمیت عملیات آزادسازی الزبدانی در سوریه
- زوایای جدید مرگ سعود الفیصل
- گفتگو با سرتیپ بازنشسته ارتش لبنان
- داعش در یک قدمی حامیان خود در اردن، بحرین و ترکیه

خاورمیانه و شمال آفریقا

دبیران: سمیه خمارباقی
رامین حسین آبادیان



اهمیت عملیات آزادسازی الزبدانی در سوریه/ جایگاه بالای استراتژیک



شهر الزبدانی در ۴۵ کیلومتری دمشق و ۱۱ کیلومتری مرز مشترک لبنان و سوریه قرار دارد و به لحاظ موقعیت راهبردی آن، عملیات کنونی ارتش برای پاکسازی این شهر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ارتش سوریه به همراهی نیروهای مقاومت ظهر روز شنبه عملیات گسترده ای را برای پاکسازی شهر الزبدانی در حومه دمشق آغاز کرد و در ساعات آغازین این عملیات توانست مسیر امدادسانی تروریست ها را در شمال این شهر مسدود کند. ارتش سوریه در ادامه این عملیات توانست از جبهه غربی وارد شهر الزبدانی شده و برخی مناطق این شهر را تحت کنترل خود در آورد. پس از عملیات القلمون هم اکنون همه نگاه ها متوجه الزبدانی در حومه دمشق

است. مساحت الزبدانی حدود سه هزار کیلومتر است و هم اکنون به عنوان دروازه ای برای انتقال تسلیحات و تروریست ها از لبنان به القلمون محسوب می شود. اهمیت الزبدانی به چند عامل بستگی دارد: یکی به دلیل نزدیکی این شهر به لبنان است، از آن رو که فاصله این شهر با مرزهای لبنان تنها ۱۱ کیلومتر است. دلیل دیگر اهمیت این شهر نزدیکی آن به پایتخت سوریه است. الزبدانی تنها ۴۵ کیلومتر با دمشق فاصله دارد. الزبدانی در مسیر میان دمشق، حمص و منطقه الساحل در شمال سوریه در جایگاه مرکزی قرار گرفته و جایگاه استراتژیک دارد. این شهر یکی از بزرگترین شهرهای سوریه است که تحت سیطره داعش درآمده بود. گزارش های تایید نشده از حضور حدود

۱۵۰۰ تروریست در این شهر حکایت دارد. بازپس گیری الزبدانی می تواند نقش گسترده و قابل توجهی در تامین امنیت مرزهای مشترک سوریه و لبنان داشته باشد و در ادامه عملیات القلمون صورت می گیرد که هم اکنون با شدت کمتری از گذشته با هدف مسدود ساختن مسیر امدادسانی به

تروریست ها و تامین امنیت حومه غربی دمشق در کوهستان های القلمون در جریان است. موفقیت ارتش سوریه در این عملیات همچنین این امکان را فراهم می کند که ارتش سوریه در شرایط بهتری اقدام به پاکسازی حومه دمشق از تروریست ها کند.

سعود الفیصل که بود؟

چهار دهه وزارت؛ حمایت از اسرائیل، دشمنی با ایران و تمجید غرب

عبدالحمید بیاتی



سعود در مقام وزیر خارجه، در ماه مارس و چند هفته پس از آغاز پادشاهی ملک سلمان صورت گرفت. سعود الفیصل در اکتبر ۱۹۷۵ و هفت ماه پس از آنکه پدرش ملک فیصل به دست یکی از برادرزاده های خود ترور شد از سوی پادشاه تازه به مقام وزارت خارجه منصوب شد. وی در پایان ماه آوریل سال جاری به دستور پادشاه فعلی عربستان از سمت خود برکنار شد. منابع مختلف مشترکا علت مرگ فیصل را ناراحتی قبیله عنوان کرده اند. سعود الفیصل در اواخر زندگی اش با مشکلات مختلف سلامتی، از جمله اشکال در تکلم و راه رفتن روبرو شد. او در ماه ژانویه در آمریکا از ناحیه کمر تحت عمل جراحی قرار گرفت.

سیاست خارجی

آشنایی سعود الفیصل با غرب به افزایش نفوذ دیپلماتیک عربستان سعودی در محافل غربی کمک کرد. وزیر سابق امور خارجه عربستان سعودی نقش مهمی برای دیپلماسی در مسایل جهان عرب قائل بود و تلاش فراوانی کرد تا طرح صلح با اسرائیل را به نتیجه برساند. بنا به طرح صلحی که در سال ۲۰۰۲ در نشست اتحادیه عرب و از سوی ملک عبدالله، ولیعهد وقت و پادشاه آینده، ارایه شد در صورت خروج اسرائیل از سرزمین های اشغالی و اجازه بازگشت آوارگان فلسطینی، کشورهای عربی با اسرائیل قرارداد صلح امضا می کنند.

همزمان با برگزاری نشست اتحادیه عرب در بیروت، سعود الفیصل با حضور زنده در شبکه های تلویزیونی آمریکایی به تشریح این طرح صلح پرداخت و گفت: با این طرح همه کشورهای عرب، موجودیت اسرائیل را به رسمیت خواهند

شناخت. اگر این طرح منجر به صلح با اسرائیل نشود، مطمئن باشید که هیچ سلاخی نمی تواند برای این کشور امنیت به ارمغان آورد. از سعود الفیصل به عنوان یکی از معتقدان به لزوم اصلاحات سیاسی و اجتماعی در عربستان نام برده می شود اما او اعتقاد داشت که اصلاحات باید تدریجی و مداوم از داخل صورت بگیرد. در سال ۲۰۰۴ سعود الفیصل از لزوم کاهش وابستگی عربستان سعودی به آمریکا در مسایل امنیتی سخن گفت.

همزمان با نا آرامی های بحرین در سال ۲۰۱۱، سعود الفیصل نقش مهمی در جلب حمایت از طرح مداخله نظامی سعودی در آن کشور و سرکوب معترضان ایفا کرد.

در ارتباط با ایران، سعود الفیصل حامی تحریم های بین المللی علیه فعالیت های اتمی تهران و منع سفر مقام های جمهوری اسلامی بود.

فیصل چندی پیش در کنفرانس خبری مشترک با «فیلیپ هاموند» وزیر خارجه انگلیس ایران را به اتخاذ سیاست خصمانه و مداخله جوانانه در امور کشورهای منطقه متهم کرد. وی در ادامه گفت: نباید اجازه دهیم ایران توافقی را پیش ببرد که شایسته آن نیست.

تمجید غرب

در پی مرگ سعود الفیصل که در آمریکا رخ داد، باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، بدون در نظر گرفتن تنش هایی که در چند سال اخیر بواسطه سیاست خارجی ریاض در روابط عربستان و ایالات متحده بوجود آمده، سعود الفیصل را سیاستمداری متعهد نامیده که در خاطر جهان خواهد ماند، سیاستمداری که به گفته اوباما، برای صلح وارد میدان می شد. اوباما یادآور شد که او از جمله برای پایان دادن به جنگ داخلی لبنان و ارائه طرح اعراب برای صلح با اسرائیل در سال ۲۰۰۷ شرکت کرد.

جان کری، وزیر خارجه آمریکا گفت، همتای سابقش بی آیش، محترم و تیزبین بود.

لوران فابوس، وزیر خارجه فرانسه اظهار داشت، فیصل صدای وطنش را به گوش همه رساند و برای آن احترام آفرید. به گفته فابوس، او بی وقفه برای صلح و ثبات خاورمیانه کار کرد. اتحادیه عرب نیز مرگ فیصل را تسلیت گفته است. سفارت آلمان در ریاض به فیصل ادای احترام کرد و او را سیاستمداری شایسته احترام نامید.

مراسم خاکسپاری «سعود الفیصل» در مکه برگزار شد. فردی که در چهار دهه حضور خود در وزارت خارجه عربستان به دلیل دشمنی با ایران و حمایت از صهیونیست ها توانست از تمجید کشورهای غربی بهره مند شود. سعود الفیصل، وزیر خارجه سابق عربستان سعودی، روز پنجشنبه در سن ۷۵ سالگی در آمریکا درگذشت. فردی که در سال های پایانی وزارتش نقشی تاثیر گذار در سرکوب اعتراضات قانونی بحرین داشت و سیاست های وی در قبال بحران سوریه موجب پیچیده شدن اوضاع در آن و سرازیر شدن تروریست ها از گوشه و کنار جهان به سوریه شد. هر چند سیاست های خارجی عربستان در چند سال اخیر موجب بروز تنش هایی میان ریاض و واشنگتن شده بود اما با این وجود کاخ سفید از سعود الفیصل تمجید کرده و ایالات متحده و سایر کشورهای غربی از القابی برای وی استفاده کرده اند که این القاب تاریخ چند سال اخیر را به سخره می گیرند. سعود الفیصل در سال ۱۹۴۰ در منطقه طائف به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۴ در رشته اقتصاد از دانشگاه پرینستون در ایالت نیوجرسی آمریکا فارغ التحصیل شد.

پس از فارغ التحصیلی در شرکت نفتی پترومین مشغول به کار شد و در سال ۱۹۷۱ معاونت وزارت نفت را بر عهده گرفت. فیصل در اکتبر سال ۱۹۷۵ وزیر خارجه عربستان شد. او دومین پسر ملک فیصل بود که پادشاهی عربستان سعودی را از ۱۹۶۴ تا هنگام سوءقصد به جانش در سال ۱۹۷۵ بر عهده داشت.

دوران وزارت سعود الفیصل با زمامداری چهار پادشاه عربستان سعودی همزمان بود. آخرین مراسم تحلیف امیر

وی نوشته است: وزیر خارجه سابق عربستان آنگونه که اعلام کرده اند در بیمارستان نمرده است. زیرا هنگامی که خواستند وی را در منزلش در لس آنجلس از خواب بیدار کنند فهمیدند که مرده است. احدی لحظه مرگ وی را ندیده و همه چیز وارونه جلوه داده شده است.

مجتهد بیان کرد: سعود الفیصل از نبوغ بالایی برخوردار بود و هیچگاه از آن برای کمک به دین و خدمت به کشور استفاده نکرد بلکه از آن فقط به نفع خاندان حکومتی و آمریکایی استفاده کرد.

وی درباره رفتارهای سعود الفیصل اعلام کرد: ما از نهایت کار وی اطلاعی نداریم اما نزدیکان سعود وی را دارای کمترین عاطفه دینی در آل سعود می دانند و اینکه از سمت خود برای مبارزه با اسلام بهره گرفت.

زوایای جدید مرگ سعود الفیصل/ آیا وزیر خارجه سابق از بیماری مرد!

افشا کننده اسرار درونی آل سعود به جزئیات جدیدی از نحوه مرگ وزیر خارجه سابق عربستان پرداخته است. مجتهد در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توئیتر با پرداختن به مرگ سعود الفیصل تردیدهایی را در زمینه مرگ وی مطرح و اعلام کرده است که وی به سبب بیماری آنگونه که حکام سعودی اعلام کرده اند، نمرده است.



گفتگو با سرتیپ بازنشسته ارتش لبنان:

توافق هسته ای راههای تازه ای را در حل بحران سوریه ایجاد می کند

سرتیپ بازنشسته ارتش لبنان با بیان اینکه توافق هسته ای ایران به نفع تهران و دیگر کشورهای مذاکره کننده خواهد بود اعلام کرد که این توافق منجر به ایجاد راهکاری جدی اما زمانبر در خصوص بحران سوریه می شود.

«امین حطیط» سرتیپ بازنشسته ارتش لبنان گفت: برای بررسی آنچه که هم اکنون در سوریه در جریان است بهتر است که نگاهی به ذات آمریکا و شیوه رفتار این کشور در اداره امور بیندازیم که پیوسته در پیشبرد همه امور دچار دوگانگی و تضاد در رفتار است.

وی افزود: هرکس می پندارد آمریکا در امر مقابله با تروریسم جدی است دچار خطا شده است. طرح آمریکا در خاورمیانه بر دو پایه استوار است: اول هدف قرار دادن مقاومت برای سیطره بر خاورمیانه و دوم اشاعه هرج و مرج و ناامنی در خاورمیانه و از بین بردن همه مرزها برای سوء استفاده از شرایط.

امین حطیط در ادامه گفت: آمریکا برای تحقق اهداف خود در خاورمیانه به تروریسم پناه برده و داعش را ایجاد کرده است که به عنوان شاخه و همنوع القاعده و بمثابه ارتش سری آمریکا است.

وی در پاسخ به سوالی در خصوص توافق هسته ای میان ایران و ۵+۱ و تأثیر احتمالی آن بر وضعیت سوریه گفت: این توافق به نفع هر دوطرف است و منجر به رفع محدودیتهای اعمال شده در قبال ایران شده و اقتصاد را شکوفا می کند.

وی افزود: منفعت کشورهای مذاکره کننده هم در این است که از پیشرفتهای هسته ای ایران در سقف معینی که خطر ساز نباشد (به زعم آنها)، جلوگیری می کنند و حصول این اطمینان تنها از طریق مذاکره صورت می گیرد چرا که مسئله سوریه اثبات کرد که اقدام نظامی علیه ایران یک امر محال است. حطیط تصریح کرد: ایران از ساعات اولیه مذاکرات آماده امضای توافقنامه بوده است و این طرف دیگر است که دائماً سیاست دروغ و تقلب را در پیش گرفته است.

وی تأکید کرد که پس از توافق هسته ای شاهد بحثی جدی در خصوص بحران سوریه خواهیم بود اما این امر کمی زمان بر خواهد بود.

النشره گزارش داد:

ایران بزرگترین برنده توافق هسته ای با غرب است



یک رسانه لبنانی در گزارشی به تشریح برندگان و بازندگان توافق هسته ای ایران و ۵+۱ پرداخت و ایران را بزرگترین برنده این توافق معرفی کرد.

پایگاه خبری النشره در گزارشی تحت عنوان «توافق هسته ای ایران: برندگان و بازندگان چه کسانی هستند» نوشت: پس از توافق اخیر ایران و ۵+۱ دیگر جهان مثل قبل نخواهد بود. ایران بزرگترین برنده این توافق بود و توانست دستاوردهای بسیار مهمی را کسب کند.

در ادامه گزارش گفته شده است: حق ایران در غنی سازی اورانیوم و دستیابی به دانش هسته ای به رسمیت شناخته شد و همچنین در مورد رفع تحریم های ایران موافقت صورت گرفت.

النشره در ادامه نوشت: دومین برنده این توافق «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا است کسی که در تاریخ از او یاد خواهد شد که یک توافق تاریخی را به ثمر رساند و به قطع [رابطه] با جمهوری اسلامی ایران پایان داد امری که پس از گذشت چند دهه رخ داد.

این توافق به آمریکایی ها اجازه خواهد داد تفاهم نامه های امنیتی و سیاسی با ایرانی ها در منطقه امضا کنند و ایران هم پیمان واشنگتن در جنگ با داعش خواهد شد بدون اینکه یک نظامی آمریکایی در میدان نبرد حضور داشته باشد.

این رسانه لبنانی در این گزارش به بازندگان توافق هسته ای ایران و ۵+۱ اشاره و اعلام کرد: اسرائیل، عربستان سعودی و هم پیمانان آن کسانی هستند که از امضای این توافق خسارت دیده اند چرا که این توافق، ایران را از انزوا خارج کرد و توانست تلاش های تل آویو و ریاض و هم پیمانان آنها در افزایش نفوذشان در منطقه را به شکست بکشاند.



محمد حسنین هیکل: عربستان در باتلاق یمن غرق خواهد شد/ توافق نتیجه پایداری ایران بود

اندیشمند معروف مصری در گفتگو با یک رسانه لبنانی پایداری ایران را اسطوره‌ای توصیف و اعلام کرد: حضور حزب الله در سوریه برای دفاع از خود است.

محمد حسنین هیکل تحلیلگر مصری در گفتگو با روزنامه السفير چاپ لبنان اظهار داشت: حزب الله در سوریه از خود دفاع می‌کند و حضور آن در سوریه برای نفوذ نیست، سید حسن نصرالله تابش خاصی دارد و ما آن را غیر قابل تحمل نمی‌دانیم. وی با اشاره به توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ گفت: ایران صاحب پایداری اسطوره‌ای است و این پایداری توانست منجر به توافق هسته‌ای با گروه‌های غربی از جمله آمریکا شود.

محمد حسنین هیکل در بخش دیگر سخنان خود اظهار داشت: عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس ضعیف‌تر از آن هستند که علیه توافق هسته‌ای ایران شورش کنند اما می‌توانند به آمریکایی‌ها در این باره شکایت کنند چرا که امضای این توافق را خیانت به خود تلقی می‌کنند. هیکل در ادامه اعلام کرد که سعودی‌ها در باتلاق یمن غرق خواهند شد. عربستان هرگز وارد یمن نخواهد شد و به حملات خود از خارج ادامه خواهد داد چرا که سعودی‌ها به خوبی از مشکلات موجود در یمن آگاه هستند.



وال استریت گزارش داد:

مهمترین چالش آمریکا در خاورمیانه بعد از توافق هسته‌ای ایران

یک روزنامه آمریکایی با اشاره به سفر وزیر دفاع آمریکا به خاورمیانه، مطمئن ساختن متحدان منطقه‌ای واشنگتن در مورد بی‌خطر بودن رفع تحریم‌های تسلیحاتی ایران را مهمترین چالش این روزهای کاخ سفید توصیف کرد.

وال استریت ژورنال در گزارش خود می‌نویسد: دولت آمریکا تلاش خود را برای متحد کردن مخالفان توافق هسته‌ای ایران و کسب حمایت آنها از این توافق آغاز کرده است. در ادامه این گزارش به سفر «نستون (اش) کارتر» وزیر دفاع آمریکا به خاورمیانه که از روز گذشته آغاز شده اشاره و آمده است: مقامات عالی رتبه دولت آمریکا در همین رابطه سفرهایی را به اسرائیل و عربستان سعودی انجام داده و می‌دهند و در همین رابطه واشنگتن پیشنهاد افزایش سه میلیارد دلاری کمک‌های تسلیحاتی خود به تل‌آویو را ارائه کرده است.

به گفته مقامات آمریکایی، «باراک اوباما» می‌خواهد از این امر مطمئن شود که اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله نمی‌کند و علاوه بر آن از مداخله تل‌آویو در رای کنگره آمریکا که قرار است در مورد توافق حاصل شده میان ایران و کشورهای ۵+۱ تصمیم‌گیری کند جلوگیری نماید.

از سوی دیگر یکی از مهمترین چالش‌های این روزهای دولت آمریکا حساسیت اعراب در مورد رفع تحریم‌های تسلیحاتی ایران است که بر اساس توافق انجام شده تحریم‌های تسلیحاتی بعد از پنج سال و تحریم‌های موشکی ایران نیز بعد از هشت سال لغو می‌شوند.

در همین راستا آمریکا تلاش می‌کند تا نگرانی عربستان سعودی درباره توافق هسته‌ای ایران را کاهش داده و ریاض را از وارد شدن به رقابت با ایران در زمینه‌های توانایی‌های هسته‌ای بازدارد.

لازم به ذکر است که پیش از حصول جمع‌بندی توافق هسته‌ای در وین، رسانه‌های آمریکایی فاش کرده بودند که واشنگتن برای متقاعد کردن اعراب با توافق هسته‌ای به آنها وعده‌هایی در مورد فروش بیشتر تسلیحات و همچنین عقد قراردادهای امنیتی داده است.



گفتگو با قاسم قصیر:

توافق هسته‌ای نتیجه بیش از ۳۰ سال مقاومت ایران بود

یک تحلیلگر لبنانی توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ را یک دستاورد تاریخی برای جهان اسلام برشمرد. ایران و کشورهای گروه ۵+۱ روز ۲۳ تیرماه پس از مذاکراتی فشرده در وین به جمع‌بندی در خصوص مذاکرات رسیدند. توافق حاصل در شورای امنیت به تصویب رسید و اتحادیه اروپا نیز آن را به تصویب رساند. در این خصوص گفتگوی با قاسم قصیر تحلیلگر لبنانی درباره توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ انجام شده که در ادامه می‌آید.

توافق هسته‌ای بین ایران و ۵+۱ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ یک دستاورد تاریخی برای ایران و جهان عرب و اسلام محسوب می‌شود. این توافق یک پیشرفت راهبردی به شمار می‌رود و نتایج مهمی برای آینده منطقه و جهان به همراه خواهد داشت.

توافق هسته‌ای چه تاثیری بر روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهد گذاشت؟
این توافق یک درس واقعی درباره چگونگی مذاکره و چگونگی حفظ حقوق ملت‌های اسلامی و عربی به شمار

می‌رود. توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ ثمره بیش از ۳۰ سال مبارزه مستمر است و ما امیدواریم این توافق به توسعه روابط ایران و کشورهای عربی و اسلامی به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس منجر شود. این یک مسئولیت مشترک ایرانی - عربی است و موضعگیری‌های اولیه در این باره تاکنون مثبت بوده است.

آیا این توافق می‌تواند روابط ایران و غرب را وارد فاز جدیدی کند؟

قطعا این توافق به مرحله جدیدی از روابط ایران و کشورهای غربی منجر خواهد شد و به مناقشات طولانی که در این زمینه وجود داشت پایان می‌دهد هر چند که توافق هسته‌ای ایران برای اجرا و پیگیری به زمان بیشتری نیاز دارد.

چه کشورهایی از این توافق بیشتر متضرر می‌شوند؟

دشمن صهیونیستی تنها کشوری است که بازنده توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ است و ما امیدواریم هیچ کشور عربی یا اسلامی در صف بازندگان قرار نداشته باشد و همه به برندگان این توافق تبدیل شوند.

تروریسم به دیوارهای شورای همکاری خلیج فارس رسید



گرایی فعالیت می کنند و با این فضا و تنش طایفه ای بدون شک تروریسم به کشورهای حوزه خلیج فارس که اخیر با بهره گیری از همین ثبات توانسته اند رشد اقتصادی داشته باشد خواهد رسید.

در واقع انفجار کویت حلقه جدیدی است که به دیگر پایتخت های کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورهای عربی خواهد رسید. همانطور که به تونس که برخی به موفقیت آن از نظر در پیش گرفتن دموکراسی موفق می بالیدند رسیده است. داعش هم اکنون در لیبی حضور دارد، در مصر گروه موسوم به انصار بیت المقدس در تونس و الجزایر برخی گروه های تروریستی دیگر، در سوریه و عراق که وضع کاملاً مشخص است. در عربستان و کویت نیز اخیراً تروریست ها رخنه پیدا کرده اند. با توجه به شرایط جدید به نظر می رسد که کشورهای حوزه خلیج فارس باید با ثبات و در نتیجه فضا و بستر مناسب برای سرمایه گذاری اقتصادی و به تبع آن توسعه خدافظی کنند. زیرا جایی که تروریسم رشد و نمو می کند دیگر فضایی برای توسعه و شکوفایی باقی نمی گذارد. در واقع انفجار القطیف و الدمام عربستان و هم اینک انفجار مسجد امام صادق (ع) در کویت همانند گلوله برفی است که در حال بزرگتر شدن و نابود کردن است.

اما راهکار چیست؟
راهکار مقابله با شرایط بحرانی ایجاد اصلاحات در این کشورهاست. باید شیعیان در این کشورها وضع برابری داشته باشند و مورد اجحاف قرار نگیرند از دامن زدن به مشکلات طایفه ای باید پرهیز شود. بی عدالتی ها باید رفع شود. متأسفانه در کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان هیچ بستری برای اصلاحات و دموکراسی و برابری وجود ندارد بلکه شرایط و به قول معروف حاضنه و بستر تروریسم فراهم است.

دیگر اینکه باید همه شبکه هایی که در راستای دامن زدن به مشکلات طایفه ای در میان کشورهای اسلامی فعالیت می کنند تعطیل شوند و به عبارت دیگر رسانه ابزاری برای کنترل تنش ها باشد نه دامن زدن به آنها. تا زمانی که شبکه هایی افراطی فعالیت می کنند باید منتظر ابوسلیمان های داعشی برای منفجر کردن خود در میان نمازگزاران بود.

همچنین باید شرایط در کشورهای عربی به گونه ای باشد که جوانان به سوی گروه های افراطی گرایش پیدا نکنند. بیکاری مهمترین عاملی است که در سوق داده شدن جوانان به سوی تروریسم نقش موثری دارد. گروه های افراطی از خانواده های فقیر و جوانان بیکار برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کنند. آنها کودکان خانواده های بینوا را به خدمت می گیرند. دیگر اینکه باید حمایت همه جانبه برخی کشورها از گروه های افراطی و تروریستی قطع شود تا زمانی که حمایت مالی و تسلیحاتی از تروریست ها در سوریه و عراق وجود دارد نمی توان انتظار داشت که این گروه ها ضعیف شوند.

نفوذ نکنند. آنها قصد داشتند که به نوعی در ورای مرزهای خود، تروریسم و کشتار را نگه دارند اما سحر ساحر به خود آنها بازگشت. انفجارهای اخیر در شرق عربستان و انفجار روز گذشته کویت به خوبی گواه این است که تروریسم در آستانه دروازه های کشورهای حوزه خلیج فارس است. در واقع انفجاری که روز گذشته در مسجد امام صادق (ع) شهر کویت یعنی جایی - که قریب به هزاران نمازگزار مشغول اقامه نماز جمعه بودند - در شرایطی رخ داد که کویت همانند سعودی ها در حمایت از گروه های افراطی نقش داشت. معمولاً کمک هایی که برای گروه های افراطی در سوریه و عراق ارسال می شود از سوی جمعیت های خیریه و برخی تاجران وابسته به سلفی هایی می دهد که شیعه را دشمن می دانند.

در واقع با نگاهی به انفجارهای رخ داده به خوبی می توان پی برد که این کشورها شرایط و بستر مناسب را برای رشد تروریست ها دارند. کویت هم مانند دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس جمعیتی شیعه دارد و شیعیان در کویت در مقایسه با دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس وضع بهتری دارند. آنها حسینه و مساجد دارند و آیین های خاص خود را اجرا می کنند اما به نوبه خود گروه های سلفی تندرو ضد شیعه نیز دارد.

اما در کویت و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان، شیعیان مورد ظلم و بی عدالتی قرار می گیرند آنها اجازه ورود به بسیاری از مشاغل از جمله مشاغل امنیتی و اطلاعاتی را ندارند و اگر هم وارد شوند از رده های پایینی بالاتر نمی روند. در کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی بیش از ۳۰ شبکه تلويزیونی علیه شیعیان و در حمایت از افراط

علاوه بر تبعات منفی یورش آمریکایی ها باید به خودروها بمب گذاری شده و انواع انفجارها و بمب هایی اشاره کنیم که بالای جان عراقی ها بود. عراق اندکی شرایطی بهتری پیدا کرده بود تا اینکه در سال ۲۰۱۱ بحران سوریه رخ داد. عراقی ها که به کمک نیروهای شورای بیداری و نظامی خود موفق به مهار گروه های افراطی شده بودند به ناگاه خود را در معرض اقدامات تروریستی که سرمشأ آنها کشور همسایه سوریه و گروه های تروریستی بی شماری که در آن قرار داشت، دیدند. اما حامیان این اقدامات تروریستی چه

در کویت و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان، شیعیان مورد ظلم و بی عدالتی قرار می گیرند آنها اجازه ورود به بسیاری از مشاغل از جمله مشاغل امنیتی و اطلاعاتی را ندارند و اگر هم وارد شوند از رده های پایینی بالاتر نمی روند

کشورهای بودند؟ بدون شک از نقش قطر و عربستان سعودی در حوادث سوریه و عراق نباید غافل شد به ویژه در سوریه که آشکارا این دو کشور به همراه ترکیه از تروریست ها حمایت کرده و می کنند.

همه تلاش کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی این بود تا شراره های این اقدامات به داخل آن

انفجار در کویت در واقع ادامه موج بی ثباتی است که از چندی قبل گریبانگیر منطقه شده و علل و ریشه های خاص خود را دارد. منطقه خاورمیانه مدت هاست که با خون و کشتار خو گرفته است. در قرن گذشته کشتارها و خشونت ها از سوی رژیم های دیکتاتوری و استبدادی که گواه بارز آن بعضی ها در عراق بودند رخ می داد. از زمان حوادث یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ آمریکا بهانه ای یافت تا به کشورهای دیگر لشکر کشی کند و جنگ افغانستان و عراق را به راه انداخت. اینکه چرا ما باید به عقب بازگردیم زیرا در این دوران شاهد هستیم که گروه های افراطی بستر و شرایط لازم را برای توسعه و گسترش می یابند.

آمریکا بدون شک در تقویت القاعده و گروه های افراطی که بعدها از آن منشعب شدند نقش اساسی داشته است. آنها به بهانه دموکراسی و حقوق بشر وارد عراق شدند تا برای مردم این کشور ثبات و بهشت آرمانی به بار آورند اما در مقابل جز بی ثباتی و نا امنی ارمغان دیگری برای ملت بخت برگشته عراق نداشتند. عراقی ها از سال ۲۰۰۳ هرگز روی آرامش و آسایش ندیده اند. البته نه اینکه قبل از آن شرایط خوبی داشتند بلکه از نظر امنیتی اشغالگران آمریکایی آرامش مردم این کشور را سلب کردند.

آنچه آمریکایی ها برای ملت عراق به بار آوردند میلیون ها بیوه زن و هزاران کودک بی سرپرست و انواع بیماری های روانی بود. نظامیان آمریکایی در نیمه شب به منازل مردم یورش می بردند و خود این یورش ها جدا از بازداشت افراد خانواده که خود تأثیرات خاص خود را داشت، از نظر روانی تأثیر مخربی بر اعصاب و روان زنان و کودکان خانواده داشت.

عطوان بررسی کرد؛

داعش در یک قدمی حامیان خود در اردن، بحرین و ترکیه



«عبدالباری عطوان» تحلیلگر مشهور جهان عرب با اشاره به حوادث تروریستی اخیر در تونس، فرانسه و کویت تصریح کرد: بعید نیست خطر داعش در آینده نزدیک دامن گیر حامیان خود یعنی اردن، بحرین و ترکیه نیز شود.

«عبدالباری عطوان» تحلیلگر مشهور جهان عرب در مطلبی در روزنامه «رأی الیوم» نوشت: طی روزهای اخیر شاهد حوادث تروریستی در برخی کشورها نظیر فرانسه، تونس و کویت بودیم و مشاهده کردیم که داعش چگونه به قلب این کشورها نفوذ کرد.

وی ادامه داد: این بسیار حائز اهمیت است که پس از اتفاق افتادن این حوادث به این نتیجه برسیم که داعش دامان حامیان خود را گرفته و اکنون در یک قدمی کشورهای چون ترکیه، بحرین و اردن قرار دارد.

عطوان در ادامه مطلب خود در روزنامه رأی الیوم می نویسد: تنها محکومیت کلامی اقدامات وحشیانه داعش کافی نیست؛ بهتر

است کشورهایی که به صورت علنی از این گروه تروریستی دفاع می کنند، حمایت های خود از این گروه را در وهله اول قطع کنند.

این تحلیلگر مشهور جهان عرب همچنین ادامه حملات سعودیها علیه مردم بی دفاع یمن و زیرساخت های این کشور را محکوم و اظهار داشت: مردم جهان به خوبی می دانند که سعودیها در یمن چه کسانی را می کشند.

وی در بخش دیگری از مطلب خود به نفوذ ایران در منطقه اشاره کرده و گفت: بسیاری از کشورها برای مقابله با این نفوذ بودجه های میلیارد دلاری اختصاص داده اند.

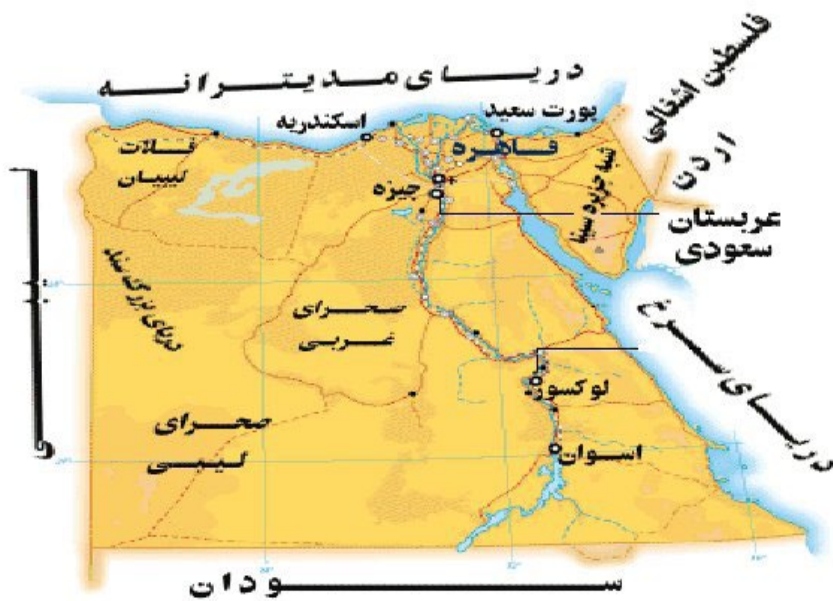
عطوان همچنین با تأکید بر فراگیر شدن خطر گروه تروریستی داعش، اظهار داشت: داعش امروز دیگر خطری برای یک یا چند کشور محسوب نمی شود، بلکه خطری برای کشورهای منطقه و جهان تلقی می شود.

عطوان تحلیل کرد؛

مصر و تکرار سناریوی سوریه و عراق

یکی از تحلیلگران برجسته جهان عرب با اشاره به حوادث روز گذشته مصر از آن به مثابه حرکت پرشتاب این کشور به سوی بی ثباتی مشابه وضعیت سوریه و عراق یاد کرده است.

اعدام محمد مرسی خشونت و تروریسم را در مصر شعله ور می کند و این کشور را در تونل خونین تاریکی فرو می برد و همه امیدها برای برقراری ثبات به منظور خروج اقتصاد بحران زده مصر را نقش بر آب می کند



عبدالباری عطوان با اشاره به روند بی ثباتی در مصر نوشته است: هنگامی که انفجارها به قلب قاهره می رسد و هشام برکات را هدف قرار می دهد و هنگام که اف ۱۶ های مصری اهداف گروه های مسلح را هدف قرار می دهند و آنهم پس از حملاتی که به کشته و زخمی شدن قریب به هفتاد نظامی مصری منجر شد مفهوم آن این است که قاهره به طور تدریجی به حلب دیگر و سینا به عین العرب و یا فلوجه یا انبار دیگری تبدیل می شود.

وی می افزاید: جای شگفتی ندارد و بعید نیست که اگر در صبح یک روز نزدیک و چه بسا قبل از عید از خواب بیدار شویم و از حکم اعدام محمد مرسی و محمد بدیع و تعداد دیگری از رهبران اخوان المسلمین آگاه شویم.

مصر به سرعت به همان سرنوشتی که عراق، سوریه و یمن و لیبی گرفتار آن شدند حرکت می کند یعنی کشتار و هرج و مرج و ویرانی و چه بسا تجزیه و فروپاشی. مشابه آنچه معاون نخست وزیر ترکیه دو هفته قبل از سایکس پیکو جدید خبر داد.

وی می نویسد: منابع مصری از تصویب قانون جدید مبارزه با تروریسم از سوی دولت مصر که منتظر تأیید عبدالفتاح السیسی طی ساعات آینده است خبر می دهند. اعدام محمد مرسی خشونت و تروریسم را در مصر شعله ور می کند و این

کشور را در تونل خونین تاریکی فرو می برد و همه امیدها برای برقراری ثبات به منظور خروج اقتصاد بحران زده مصر را نقش بر آب می کند.

خطر بزرگ برای رژیم مصر، اخوان المسلمین نیست بلکه داعش است که در شبه جزیره سینا حضور پیدا کرده است. داعش از اخوان المسلمین بیزار است و دولت مصر را کافر می شمارد. داعشی ها روز چهارشنبه به شش مرکز ارتش مصر حمله کردند و هفتاد نظامی را که بیشتر آنها سرباز بودند کشتند و بر منطقه ای در نزدیکی مرز با غزه مسلط شدند و این اقدام بی سابقه ای ست که یادآور تسلط آنها بر هشت شهر عراق و سوریه در حدود یکسال قبل است. ترور دادستان کل مصر توسط خودروی بمبگذاری شده جنایتی است که مرتکبین آن سزاوار محاکمه بوده اما اجرای احکام اعدام در واکنش به این ترور اقدامی نستجیده بوده که چه بسا به فاجعه ای خطرناک برای مصر تبدیل می شود که مهمترین آن دست به سلاح بردن اخوان المسلمین بوده که این اقدام به نفع گروه های افراطی خواهد بود.

عطوان در ادامه می نویسد: مصر همانند یک گاری بزرگ و سنگین است که با شتاب به سوی پرتگاه خونین حرکت

مصر همانند یک گاری بزرگ و سنگین است که با شتاب به سوی پرتگاه خونین حرکت می کند و هدایت کنندگان آن توان کنترل آن را ندارند و جز فریاد چاره ای دیگری ندارد و فریادرسی هم وجود ندارد

می کند و هدایت کنندگان آن توان کنترل آن را ندارند و جز فریاد چاره ای دیگری ندارد و فریادرسی هم وجود ندارد.

آنچه مصر به آن نیاز دارد پولهایی کشورهای حوزه خلیج فارس و سلاح روسی و آمریکایی و جنگ با اخوان المسلمین و تروریسم نیست بلکه راهکاری است که به وحدت و انسجام منجر شود و آشتی ملی برگزار شود و خونریزی کنونی متوقف شود. طرح ملی باید حاکم شود و روحیه تسامح وجود داشته باشد. این گزینه را فقط ارتش مصر در اختیار دارد که به مثابه ستون فقرات و ضامن امنیت و ثبات و هویت جامعه مصر است و توان تغییر را دارد.

سوریه می نویسد: سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) مسئول آموزش و تجهیز تروریست های داعش مستقر در جنوب سوریه است. البته هزینه های روند آموزش و تجهیز تروریست ها به تسلیحات پیشرفته به صورت مشترک توسط آمریکا و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس تأمین می شود و سالانه مبلغی بالغ بر یک میلیارد دلار برای آنها هزینه دارد.

علاوه بر کمک های مالی خارجی به گروه تروریستی داعش، نباید از حمایت های لجستیکی ترکیه به این گروه تروریستی غافل شد. در همین ارتباط «مسعود حیدر» از نمایندگان پارلمان عراق می گوید: دولت آنکارا به صورت کاملاً آشکارا اقدام به حمایت لجستیکی از تروریست های داعش کرده و رفت و آمد آنها به سوریه و عراق از طریق مرزهای خود را تسهیل می کند. وی همچنین ادامه داد: دولت آنکارا با حمایت های لجستیکی گسترده از تروریست های داعش در سوریه و عراق اهداف زیادی را دنبال می کند که از جمله مهم ترین آنها ممانعت از تشکیل یک اقلیم کردی در سوریه است.

دولت سوریه بارها طی نامه ای به سازمان ملل دخالت این سازمان برای جلوگیری از حمایت های دولت آنکارا از تروریست های داعش در این کشور را خواستار شد. دمشق همچنین از دولت آنکارا به دلیل باز گذاشتن مرزهای خود برای ورود عناصر تروریستی به خاک سوریه شکایت کرد. از سوی دیگر، اخیراً روزنامه ترکیه ای «جمهوریت» از حمایت تسلیحاتی ترکیه از تروریست های داعش در سوریه نیز پرده برداشت. این روزنامه با انتشار یک فایل ویدیویی نشان داد که برخی کامیون های وابسته به دولت ترکیه اقدام به ارسال تجهیزات نظامی به تروریست های داعش مستقر در مرزهای ترکیه و سوریه می کنند. رجب طیب اردوغان در واکنش به این رسوایی اعلام کرد که انتشار این فایل ویدیویی، افشار اسناد اطلاعاتی کشور بوده است.

از سوی دیگر، مشاهده می شود که تروریست های داعش در سوریه و عراق از تسلیحات پیشرفته و سلاح های سنگین بهره مند هستند. در همین ارتباط روزنامه «ورلد تریبون» چاپ آمریکا در گزارشی فاش کرد که کشورهای اروپایی تحت نظارت مستقیم ناتو اقدام به ارسال محموله های تسلیحاتی پیشرفته به تروریست های داعش می کنند. این روزنامه به نقل از منابع دیپلماتیک می نویسد: کشورهای اروپایی با نظارت ناتو، سلاح های ضد تانک، موشک، خمپاره، جلیقه ضد گلوله و تجهیزات ارتباطی در اختیار تروریست های داعش قرار می دهند. این روزنامه می افزاید: سرویس اطلاعاتی ناتو به بهانه ارسال کمک های انسان دوستانه برای مردم سوریه اقدام به ارسال تجهیزات نظامی برای تروریست های داعش می کند. این روزنامه از ترکیه به عنوان یکی از کشورهای اصلی در تجهیز داعش به تسلیحات نظامی پیشرفته نام می برد.



آمریکا، عربستان و قطر منابع ارتزاق داعش/حمایت لجستیک ترکیه

پایگاه «ورلدنت دیلی» نیز با اشاره به کمک های مالی گسترده آمریکا و دولت باراک اوباما به تروریست های داعش می نویسد: کمک های گسترده و مداوم مالی و تجهیزاتی آمریکا به تروریست های داعش به ویژه در سوریه موجب شده تا این گروه با گذشت زمان قدرت بیشتری پیدا کند. در همین ارتباط روزنامه انگلیسی «پندپندنت» می نویسد: با وجود برخی اخبار و گمانه زنی ها مبنی بر قطع شدن کمک های مالی خارجی به داعش، اما برخی دولت های حوزه خلیج فارس به اعطای کمک های مالی هنگفت به این گروه تروریستی در سوریه و عراق که در بسیاری از موارد به میلیاردها دلار می رسد، همچنان ادامه می دهند. بر اساس اعلام این نشریه، دولت های حاشیه خلیج فارس با اعطای این مبلغ ضمن تأمین حقوق ۱۰۰ هزار نفر از اعضای داعش در سوریه و عراق، از آنها برای تقویت قدرت نظامی خود و پیشروی هرچه بیشتر در این دو کشور حمایت مالی می کنند. عربستان سعودی نیز از جمله کشورهایی است که بیشترین کمک های مالی را در اختیار تروریست های داعش قرار داده است. در همین ارتباط پایگاه «ورلدنت دیلی» سال گذشته با انتشار گزارشی جنجالی از اعطای کمک مالی ۳۰۰ میلیون دلاری آل سعود به تروریست های داعش در سوریه خبر داد. «ایریت فیسک» روزنامه نگار مشهور انگلیسی در روزنامه «پندپندنت» می نویسد: عربستان سعودی با کمک های میلیارد دلاری خود نقش مهمی در تشکیل گروه تروریستی داعش ایفا کرد. مقامات سعودی هم اکنون نیز دست از اعطای کمک های مالی به داعش برنداشته و همچنان از این گروه تروریستی حمایت می کنند.

روزنامه «الاکسار» لبنان در خصوص حمایت های مالی آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس از تروریست های داعش به ویژه در

تحت عنوان «گزینه های سخت» به این موضوع آشکارا اذعان می کند. با وجود اینکه باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا سال گذشته از اختصاص حدود ۹ میلیارد دلار برای مبارزه با داعش در عراق خبر داد، اما آخرین اخبار حاکی از آن است که کاخ سفید همچنان یکی از حامیان مالی اصلی تروریست های داعش به شمار می رود؛ مسأله ای که بسیاری از کارشناسان و اصحاب قلم درباره آن اتفاق نظر دارند. آنها معتقدند آمریکا با بیان اختصاص هزینه میلیاردی برای مبارزه با داعش به نوعی قصد فریب افکار عمومی جهان را دارد، اما همگان به خوبی شاهدند که داعش هم اکنون در کشورهای نظیر سوریه و عراق حضور

**سازمان جاسوسی
مرکزی آمریکا (سیا)
مسئول آموزش و تجهیز
تروریست های داعش
مستقر در جنوب سوریه
است. البته هزینه های
روند آموزش و تجهیز
تروریست ها به تسلیحات
مشترک توسط آمریکا و
دیگر کشورهای حوزه
خلیج فارس تأمین می
شود و سالانه مبلغی بالغ
بر یک میلیارد دلار برای
آنها هزینه دارد**

دارند که حاضر نیستند تحت سلطه محض واشنگتن قرار بگیرند. از همین رو، اینکه واشنگتن تأمین کننده اصلی منابع مالی این گروه تروریستی باشد، مسأله عجیبی نیست.

با گذشت حدود چهار سال از حمله تروریست های داعش به سوریه و یک سال از حمله آنها به عراق دیگر کمتر کسی در این مسأله شک دارد که کشورهای نظیر آمریکا، عربستان، قطر و ترکیه بزرگترین حامیان مالی داعش هستند.

پس از اینکه تروریست های داعش در حدود چهار سال قبل به سوریه حمله کرده و در همان مراحل ابتدایی موفق شدند کنترل برخی نقاط در این کشور را به دست بگیرند، کمتر کسی تصور می کرد که این گروه تروریستی بتواند به حیات خود ادامه دهد. اما تحولات آنگونه که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران گمان می کردند، پیش نرفت و به واسطه کمک های مالی خارجی که از طرق مختلف به تروریست های داعش تزریق می شد، جایگاه این گروه تروریستی در سوریه بیش از پیش تثبیت شد. گروه تروریستی داعش از طریق فروش نفت، آثار باستانی مسروقه و ... نیز درآمدهایی برای خود دارد، اما آنچه که موجب بقای آن تا به امروز گشته است، چیزی جز کمک های مالی هنگفت برخی کشورهای خارجی نیست. با نگاهی به چهار سال گذشته به خوبی می توان دریافت که آمریکا، قطر، کویت و عربستان سعودی از بزرگترین حامیان مالی تروریست های داعش به شمار می روند.

بنابراین، کمک های مالی که برخی کشورهای حوزه خلیج فارس به صورت کاملاً داوطلبانه و به منظور تحقق اهداف خود در منطقه به تروریست های داعش اعطاء می کنند، بزرگترین منبع درآمد برای این گروه تروریستی محسوب می شود. در همین ارتباط نشریه ایتالیایی «فورمیکه» به کمک های مالی خارجی به تروریست های داعش اشاره کرده و می نویسد: تجار ثروتمند قطری به طور غیر مستقیم و به نمایندگی از دولت این کشور اقدام به اعطای کمک های مالی به تروریست های داعش می کنند. از جمله این تجار می توان به «عبد الرحمن النعیمی» اشاره کرد که ماهانه ده ها میلیون دلار به تروریست های داعش در عراق کمک می کند. وی در سال ۲۰۱۳ نیز کمک های مالی هنگفتی به تروریست های داعش در سوریه اعطاء کرد.

برخی گزارش ها حاکی از آن است که تروریست های داعش سالانه ۸۰۰ میلیون دلار درآمد دارند؛ یعنی روزانه چیزی حدود ۲ میلیون دلار. به گفته کارشناسان و تحلیلگران سیاسی در مقایسه با کشورهای حوزه خلیج فارس، حجم عظیمی از این مبلغ را کمک های آمریکا تشکیل می دهد. دریافت چنین کمک هایی از سوی طرف های خارجی موجب شده تا داعش به عنوان ثروتمندترین گروه تروریستی در سراسر جهان شناخته شود. البته اینکه آمریکا در خط مقدم ارائه کمک مالی به داعش ایستاده است، موضوع عجیبی نیست، زیرا این گروه تروریستی ساخته و پرداخته خود آمریکایی ها است و «هیلاری کلینتون» وزیر خارجه سابق آمریکا در کتاب خود

- 
- توافق هسته‌ای و افزایش علاقه آلمان به تجارت با ایران
 - تبعات متقابل خروج احتمالی یونان از حوزه پولی یورو
 - جاسوسی آمریکا از مرکل، شرودر و کهل

پیمان یزدانی

تاثیر ترکیب هیئت رئیسه پارلمان ترکیه بر تشکیل دولت ائتلافی

باهجالی رئیس حزب حرکت ملی برای قبولی پست نخست وزیری جهت تشکیل دولت ائتلافی و نیز انتخاب دینز بایکال به عنوان کاندیدای حزب جمهوری خلق برای ریاست پارلمان از سوی کمال قلیچدار اوغلو و دیدار زود هنگام بایکال با رجب طیب اردوغان بلافاصله بعد از اعلام نتایج انتخابات موجب دامن زدن به برخی احتمالات شده است.

با وجود اظهارات روز گذشته کمال قلیچدار اوغلو که گفت: حزبش برای شرکت در دولت ائتلافی شرط دارد و باید اصول رعایت شوند و از اصول خود مبارزه با فساد، حاکمیت قانون و ... را معرفی کرد، برخی با انتقاد از معرفی بایکال برای تصاحب پست ریاست پارلمان از سوی قلیچدار اوغلو معتقدند هر چند که بایکال به دلیل سوابقش بهترین گزینه برای نزدیک کردن و ائتلاف حزب حاکم عدالت و توسعه و حزب جمهوری خلق است، اما کسب ریاست پارلمان توسط این حزب می تواند از قدرت چانه زنی این حزب برای تشکیل دولت ائتلافی با حزب حاکم کم کند.

می توان عدم تمایل حزب حاکم برای کسب ریاست پارلمان را که با معرفی نکردن کاندیدا مشهود شده است و واگذاری آن به حزب جمهوری خلق را نوعی توافق پشت پرده بین حزب حاکم و حزب جمهوری خلق برای تشکیل دولت ائتلافی دانست. توافقی که در آن می توان متصور بود که حزب جمهوری خلق برای تصاحب ریاست پارلمان از بسیاری از خواسته های خود در برابر حزب عدالت و توسعه از جمله دوره ای بودن پست نخست وزیری در دولت ائتلافی احتمالی صرف نظر کرده باشد.

سناریوی سوم

نیز بر فتن ائتلاف با حزب جمهوری خلق از سوی احمد داود اوغلو نخست وزیر فعلی و رئیس حزب حاکم عدالت و توسعه به خاطر بیم از اقدامات حزب جمهوری خلق در پارلمان می تواند فرض محتمل دیگر باشد. اقداماتی که می تواند رسیدگی به پرونده چهار تن از وزرای اسبق حزب عدالت و توسعه را که متهم به فساد مالی هستند را احیا کند و آنها را پای میز محاکمه بکشاند. با وجود توافق بر سر تمامی مسائل و موضوعات دیگر این احتمال وجود دارد که داود اوغلو از بیم محاکمه هم حزبی های خود و افشای فساد مالی حزب از ائتلاف با حزب جمهوری خلق طفره رود که در این صورت شاهد انتخابات پارلمانی زود هنگام در این کشور خواهیم بود که برخی آن را ریسک بزرگی برای حزب عدالت و توسعه می دانند هر چند شاید شخص رجب طیب اردوغان که رویاهای خود برای تغییر نظام پارلمانی این کشور به ریاست جمهوری را بر آب رفته می بیند برگزاری چنین انتخاباتی را شانس دیگری برای نجات شخص خودش بداند.



عدم معرفی کاندیدای ریاست پارلمان از سوی حزب حاکم بر خلاف رویه دوره های قبل این حزب که همواره اولین حزبی بوده است که کاندیدای خود را معرفی می کرد موجب شده است برخی منابع از تلاش حزب حاکم برای جذب ۱۸ نفر از نماینده های احزاب دیگر به این حزب خبر دهند



اوجالان رهبر پ ک ک که در زندان این کشور به سر می برد به عنوان معاون دینز بایکال را نشانه شکست پروژه ترکیه نوین رجب طیب اردوغان خوانده و ترکیب جدید پارلمان این کشور را بدون حضور حزب حاکم در ریاست پارلمان را نماد ترکیه نوین واقعی دانسته اند.

نحوه تعامل احزاب مذکور تا ۳۰ ژوئن برای تعیین رئیس و معاونان پارلمان بیانگر ظرفیت احزاب این کشور برای تعامل و همگرایی جهت تشکیل دولت ائتلافی احتمالی ترکیه خواهد بود و همواره کننده راه برای توافق احزاب جهت تشکیل دولت ائتلافی.

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه که بر خلاف رویه تمامی روسای جمهور این کشور در رقابت های انتخابات عمومی حمایت های آشکاری از حزب خود یعنی حزب حاکم عدالت و توسعه داشت اعلام داشته است که بعد از تعیین رئیس پارلمان ترکیه، «احمد داود اوغلو» نخست وزیر فعلی را مجدداً مأمور تشکیل کابینه جهت مذاکره با دیگر احزاب برای تشکیل دولت ائتلافی خواهد کرد.

همچنین اردوغان در سخنانی در روزهای گذشته اعلام داشت که کشور در میان حلقه ای از آتش بی ثباتی ها در منطقه است و بر ضرورت تشکیل دولت ائتلافی و همگرایی احزاب این کشور تأکید کرد. حال اینکه برخی احزاب برای تشکیل دولت ائتلافی با حزب حاکم پیش شرط هایی را تعیین می کنند که در صورت عدم تشکیل دولت ائتلافی کشور شاهد انتخابات زود هنگام دیگری خواهد بود.

با توجه به اهمیتی که تعیین هیئت رئیسه پارلمان در چند روز آینده بر تشکیل دولت ائتلافی خواهد داشت، گمانه زنی ها و شایعات متعددی در سطح جامعه و رسانه های این کشور در جریان است و سناریوهای متعددی برای تعیین سرنوشت ریاست پارلمان و به تبع آن دولت متصور است.



نحوه تعامل احزاب ترکیه تا ۳۰ ژوئن برای تعیین رئیس و معاونان پارلمان این کشور بیانگر ظرفیت احزاب این کشور برای تعامل و همگرایی جهت تشکیل دولت ائتلافی احتمالی خواهد بود.

روز گذشته پارلمان ترکیه با حضور نمایندگان جدید این کشور از ۴ حزب که توانستند در انتخابات عمومی حد نصاب ۱۰ درصد آرای ریخته شده به صندوق های رای را کسب کنند افتتاح شد.

چهار حزبی که توانستند از سد قانون حد نصاب ۱۰ درصد عبور کنند به ترتیب حزب حاکم عدالت و توسعه (AKP)، حزب جمهوری خلق (CHP)، حزب حرکت ملی (HDP) و حزب دموکراتیک خلق ها (AKD) بودند.

در نشست روز گذشته با هدف اداره امور پارلمان تا زمان انتخاب قطعی رئیس پارلمان و معاونان وی در ۳۰ ژوئن رئیس و معاونان موقت وی انتخاب گردیدند.

در نشست روز گذشته نمایندگان پارلمان احزاب پیروز رقابت های انتخاباتی به استثناء حزب حاکم عدالت و توسعه کاندیداهای خود برای کسب ریاست پارلمان را معرفی کردند. حزب جمهوری خلق «دینز بایکال» ۷۷ ساله و رئیس سابق حزب، حزب حرکت ملی «کامل الدین احسان اوغلو» ۷۲ ساله و کاندیدای دور قبلی ریاست جمهوری و دبیر کل سابق سازمان همکاری اسلامی و حزب دموکراتیک خلق ها هم که به کردهای ترکیه نزدیک است «دنگیر میر مهمت فیرات» ۷۲ و ۲۲ ساله را که مسن ترین نماینده حزب است را کاندیدای ریاست پارلمان کرده اند.

در این نشست سرپرست موقت پارلمان تا روز رای گیری ۳۰ ژوئن دینز بایکال از حزب جمهوری خلق تعیین شد.

برخی تحلیلگران با اشاره به ترکیب دیروز هیئت رئیسه پارلمان و انتخاب «دیلک اوجالان» برادر زاده عبدالله

سناریوی اول

عدم معرفی کاندیدا برای ریاست پارلمان از سوی حزب حاکم بر خلاف رویه دوره های قبل این حزب که همواره اولین حزبی بوده است که کاندیدای خود را معرفی می کرد موجب شده است برخی منابع از تلاش حزب حاکم برای جذب ۱۸ نفر از نماینده های احزاب دیگر به این حزب خبر دهند که در صورت موفقیت این حزب قادر خواهد بود اکثریت از دست رفته خود را مجدداً به دست آورد.

در واکنش به این تلاش های حزب حاکم برای تطمیع نمایندگان برخی احزاب دیگر سخنان تند از سوی «دولت باهجالی» رئیس حزب حرکت ملی علیه این اقدام حزب حاکم بیان شد و روز گذشته نیز «دوریم کوک» نماینده حزب جمهوری خواه لایحه ای را به پارلمان ارائه داد که در صورت تصویب پیوستن نمایندگان به احزاب دیگر ممنوع خواهد شد.

سناریوی دوم

رد درخواست کمال قلیچدار اوغلو رئیس حزب جمهوری خلق از سوی دولت



مدیر انجمن خاورمیانه آلمان طرح کرد؛ توافق هسته‌ای و افزایش علاقه آلمان به تجارت با ایران

گفتگو: زینب آیدین

بازار دارند.

|| چشم انداز آینده تجاری آلمان - ایران چگونه می تواند باشد؟

شرکت های آلمانی از بهترین های جهان در زمینه تولید ماشین های ساخت و ساز و تولیدات کارخانه ای هستند. ایران نه تنها در زمینه صنایع پتانسیل بالایی دارد بلکه نیاز مبرمی به سرمایه گذاری دارد. اینجاست که شرکت های ما می توانند نقشی اساسی ایفا کنند.

به علاوه شرکت های آلمانی برخلاف دیگر شرکای احتمالی می توانند پکیجی کامل در این رابطه ارائه دهند. به عبارت دیگر آنها محدود به تولید یا ارائه تکنولوژی نخواهد بود بلکه بر روی انتقال دانش و همکاری پایدار تمرکز خواهند کرد. این موضوع به ویژه با توجه به جمعیت جوان و تحصیل کرده ایران اهمیت ویژه ای دارد.

|| چه شرکت هایی به تجارت با ایران علاقه خواهند داشت و چه

کالاهایی مورد مبادله خواهد بود؟ از تمام بخش ها تمایل برای مشارکت وجود دارد. البته سرمایه گذاری های مورد نیاز در صنعت پتروشیمی شرکت های ساخت و ساز آلمانی بسیاری را جذب خواهد کرد. این موضوع البته شامل تامین کنندگان و کارگزاران ترابری نیز می شود. آلمان تمایل دارد تا وارد بازار جدیدی شود. حتی فراتر از آن بخش هایی مانند آموزش حرفه ای نیز تمایل بسیاری به مشارکت در این

مدیر اجرایی انجمن خاور نزدیک و خاورمیانه آلمان معتقد است نتیجه موفقیت آمیز مذاکرات هسته ای باید منجر به افزایش مناسبات تجاری آلمان و ایران شود که البته برای هر دو کشور سود آور خواهد بود.

هلنه رنک، رئیس هیات مدیره و مدیر اجرایی انجمن خاور نزدیک و خاورمیانه آلمان در مصاحبه با خبرگزاری مهر تاکید کرد که توافق هسته ای می تواند روابط اقتصادی ایران و دیگر کشورها را احیا کرده و به ویژه مسیر را برای مشارکت اقتصادی و تجاری پرسود ایران و آلمان هموار کند.

داشت؟

با توجه به حضور فرانسه، بریتانیا و آلمان در گروه ۵+۱ و سهم قابل توجه اروپا در این تفاهم، تصویر اروپا به عنوان یک میانجی که برای حل و فصل صلح آمیز مسائل بین المللی تلاش می کند تقویت خواهد شد. علاوه بر این توافق منافع اقتصادی آشکاری به همراه خواهد داشت. لغو تحریم ها برای هر دو طرف سودمند خواهد بود و در حالی که به ایران اجازه خواهد داد در جهت مدرنیزه شدن صنعتی گام بردارد، برای کشورهای اروپایی نیز فرصت دوباره برای تجارت با ایران فراهم خواهد کرد. شرکت های آلمانی سابقه تاریخی خوبی در روابط تجاری با ایران دارند و بسیاری از آنها هنوز رابطه خود را با ایران حفظ کرده اند. باقی شرکت ها نیز علاقه بسیاری برای حضور در این بازار دارند. با برداشته شدن تحریم ها فرصت های مشارکت بسیاری با منافع متقابل ایجاد خواهد شد. اعتماد بالایی به تجاری ایرانی در آلمان وجود دارد و شرکت های آلمانی نیز به کیفیت و اطمینان معروف اند.

|| با نزدیک شدن ضرب

الاجل تعیین شده برای توافق، مذاکرات هسته ای ایران و ۵+۱ به صورت مستمر ادامه دارد. به نظر شما نتیجه موفقیت آمیز برای کشورهای حاضر در مذاکرات چیست؟

نتیجه موفقیت آمیز مطمئناً تفاهمی پیچیده خواهد بود که تمام جزئیات را دربرداشته باشد و بن بست روابط دوجانبه با ایران را بشکند. در این راستا چهارچوب تفاهمی که در لوزان بدست آمده است در واقع اساس و پایه موردنظر را ایجاد کرده و البته ثابت کرده است که مذاکرات می تواند مفید و موثر واقع شود. یک تفاهم جامع در وهله اول به نفع مردم ایران خواهد بود. این توافق هم چنین می تواند احیا کننده روابط اقتصادی ایران و دیگر کشورها باشد که در گذشته از غنای خوبی برخوردار بود.

|| به نظر شما توافق هسته ای و لغو تحریم ها چه سودی برای اروپا و به ویژه آلمان خواهد

|| لغو فوری تحریم ها (در برابر لغو تدریجی) تا چه حد برای تجارت اهمیت دارد؟

تحریم اصلی که شرکت ها با آن مواجه اند ممنوعیت ایران برای انجام تراکنش های مالی بین المللی است. با لغو این نوع تحریم ها تجارت می تواند بار دیگر شکوفا شود. اما مهمتر از این موضوع پایداری این موقعیت جدید است. با لغو هر مقداری از تحریم ها باید توسعه پایدار انجام شود.

|| شکست مذاکرات تا چه حد می تواند به این تجارت آسیب برساند؟

شکست مذاکرات می تواند مانع باشد. نمایندگان تجاری و نمایندگان عالی رتبه ایران و آلمان بر رشد و توسعه روابط سرمایه گذاری کرده اند. البته موفقیت بسیاری کسب کرده اند. علاوه بر این با توجه به این که ضرب الاجل مذاکرات بارها تمدید شده است مذاکره کنندگان به لحظه «یا حالا یا هیچ وقت» نزدیک شده اند.

|| پیشنهاد شما برای آلمان و ایران چیست ؟

تعمیق روابط اقتصادی و اطمینان خاطر به منافع متقابل. تجربه ثابت کرده است که این اتفاق خواهد افتاد.

تبعات متقابل خروج احتمالی یونان از حوزه پولی یورو

پیمان یزدانی

همچنین کاهش ارزش پول این کشور موجب خواهد شد تا شرکت های یونانی در پرداخت بدهی های خارجی خود با مشکل مواجه شوند، امری که به ورشکستگی این شرکت ها منجر خواهد شد و تبع آن این امر موجب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت این کشور خواهد شد.

به اعتقاد کارشناسان با کاهش درآمدهای دولت، دولت مجبور خواهد شد تا هزینه های عمومی خود را کاهش دهد. حتی شاید آن موقع کاهش هزینه های عمومی بسیار بیشتر از میزانی باشد که در حال حاضر در طرح پیشنهادی ریاضت اقتصادی اتحادیه در اروپا به این کشور ارائه شده است. به اعتقاد اقتصاددانان در چنین شرایطی حتی ممکن است اقتصاد یونان نیاز به کمک های بشر دوستانه داشته باشد.

احتمال رشد شدید تورم بطوریکه غیر قابل مهار و کنترل باشد به ویژه اگر دولت برای تامین کسر بودجه خود مجبور به چاپ پول شود.

عدم تزریق منابع مالی جدید به این کشور از سوی اتحادیه اروپا ممکن است موجب خروج اوضاع اقتصادی این کشور از کنترل شود و دولت قادر به پرداخت دستمزدها نباشد و نظام سلامت و بهداشتی این کشور آسیب های جدی ببیند و حتی شبکه های حمل و نقل این کشور مختل شود و این کشور با قطعی های گسترده برق مواجه شود. بطوریکه به گفته برخی مقامات اروپایی کشورهای اروپایی از همین الان باید خود را آماده پرداخت وام ها و کمک های مالی ضروری بشر دوستانه به این کشور کنند.

تر این منطقه مثل ایتالیا و پرتغال که هر می رود، کاهش یافته نرخ بهره وام های خود به این کشورها را افزایش دهند.

اعتبار و یکپارچگی اتحادیه اروپا زمانی بزرگترین ضربه احتمالی را از خروج یونان از حوزه یورو خواهد خورد که بعد از خروج یونان از این اتحادیه، اقتصاد این کشور رشد کند و قوی تر شود. هر چند افرادی مثل وزیر خارجه آلمان معتقدند حتی اگر یونان از اتحادیه خارج نشود و این مشکل به نوعی حل و فصل شود با اینحال سیگنال های ارسال شده مبنی بر خروج این کشور از اتحادیه اروپا اعتبار این اتحادیه را در نزد آمریکا و آسیا خدشه دار کرده است.

تبعات خروج یونان از حوزه یورو برای این کشور

برخی کارشناسان معتقدند خروج یونان از حوزه یورو فاجعه اقتصادی قریب الوقوعی برای این کشور خواهد بود و سال ها طول خواهد کشید تا تبعات آن رفع شوند. مهمترین این تبعات فروپاشی نظام بانکی این کشور خواهد بود بطوریکه حتی معاملات معمولی بانکی هم امکان پذیر نخواهد بود.

با خروج از حوزه پول واحد اروپایی این کشور مجبور خواهد بود واحد ارزی خودش را برقرار کند که ارزش آن در برابر ارزهای خارجی و یورو کاهش خواهد یافت. این امر موجب خواهد شد تا پرداخت بدهی ها و اقساط وام های این کشور به موسسات و بانک های خارجی با مشکل مواجه شود.

اعضا برخوردار شود. طرح اتحادیه اروپا با مخالفت گسترده در داخل یونان مواجه شد بطوریکه نهایتاً دولت چپگرای این کشور آن را به همه پرسى گذاشت. در این همه پرسى بیش از ۶۰ درصد مردم این کشور به طرح ریاضت اقتصادی اتحادیه اروپا «نه» گفتند امری که به اعتقاد کارشناسان زمینه ساز خروج این کشور از حوزه پولی اروپا یعنی یورو است.

خروج احتمالی این کشور از حوزه پولی اتحادیه اروپا تبعاتی را هم برای این اتحادیه و هم برای یونان در پی خواهد داشت.

تبعات خروج یونان از حوزه پولی یورو برای اتحادیه اروپا

خروج یونان از حوزه پولی یورو شوکی را بر ارز واحد اروپایی یورو وارد خواهد کرد و موجب کاهش ارزش برابری آن با دیگر ارزهای جهانی خواهد شد که به تبع آن دیگر بخش های اقتصاد اروپا از آن متاثر خواهند شد، هر چند در دراز مدت این شوک و تبعات بر طرف خواهند شد.

خروج یونان از حوزه یورو نه تنها ضربه ای به ارزش یورو خواهد بود بلکه ضربه ای سنگین به اعتبار و جایگاه اتحادیه اروپایی در سطح جهان خواهد بود بطوریکه بسیاری از تصورات و دیدگاه های سیاسی و اقتصادی را مبنی بر اینکه یورو کلید رفاه، رونق و توسعه است از بین برده و تضعیف خواهد کرد. همچنین در دراز مدت هرج و مرج هایی را در بازار سهام و وام این منطقه به وجود خواهد آورد بطوریکه ممکن است وام دهندگان به بهانه اینکه ضریب امنیت سرمایه گذاری آنها در کشورهای ضعیف

خروج یونان از حوزه پول واحد اروپایی نه تنها ضربه ای به اعتبار و یکپارچگی اتحادیه اروپا خواهد بود بلکه می تواند فاجعه اقتصادی قریب الوقوعی برای این کشور باشد.

یونان که از اعضای اتحادیه اروپا و حوزه پول واحد اروپایی «یورو» است از سال ۲۰۰۹ با مشکلات اقتصادی ناشی از بدهی های خارجی خود دست و پنجه نرم می کند. میزان بدهی های خارجی یونان ۳۵۰ میلیارد یورو یعنی به ۱۷۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور رسیده است که از این میزان ۲۷۰ میلیارد بدهی به وام دهندگان خارجی است.

خروج یونان از حوزه پولی یورو شوکی را بر ارز واحد اروپایی یورو وارد خواهد کرد و موجب کاهش ارزش برابری آن با دیگر ارزهای جهانی خواهد شد

در پی بحران اقتصادی سال های گذشته در این کشور اتحادیه اروپا برای کمک به اقتصاد این کشور با هدف توانمند کردن آن برای پرداخت بدهی های خود اقدام به ارائه طرح ریاضت اقتصادی به این کشور کرد.

در طرح ریاضت اقتصادی اروپا از دولت این کشور خواسته شده است تا هزینه های عمومی خود را از طریق برخی اقدامات مثل کاهش دستمزدها و حقوق بازنشسته ها و افزایش مالیات ها و ... کاهش دهد تا بتواند از کمک های مالی و وام های دیگر



ویکی لیکس فاش ساخت؛ جاسوسی آمریکا از مرکل، شرودر و کهل

آژانس امنیت ملی آمریکا علاوه بر شنود مکالمات تلفنی آنگلا مرکل، مکالمات تلفنی گرهارد شرودر و هلموت کهل صدر اعظم های سابق آلمان را نیز شنود می کرده است. سایت افشاگر ویکی لیکس اعلام کرده است که آژانس امنیت ملی آمریکا مکالمات تلفنی آنگلا مرکل صدراعظم آلمان و نزدیک ترین مشاورانش و همچنین صدر اعظم های سابق این کشور را برای سالها شنود می کرده است. اسنادی که امروز سایت ویکی لیکس منتشر کرده نشان می دهد جاسوسی آژانس امنیت ملی آمریکا از مرکل و افراد نزدیک به وی از آن زمانی که تصور می شد، بسیار جلوتر بوده است.

براساس این اسناد، آمریکایی ها دست کم شماره تلفن ۱۲۵ تن از مقامات عالی آلمان را شنود می کرده اند.

علیرغم اینکه ماه گذشته و در جریان نشست گروه هفت در باواریا، باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا برلین و واشنگتن را «متحدان جدانشدنی» توصیف کرد اما افشای این اسناد جدید به تنش جدیدی در روابط دو کشور تبدیل شده است. اسناد جدید نشان می دهد که آژانس امنیت ملی آمریکا مکالمات مرکل را پیاده سازی کرده و اطلاعات تلفن وی

جاسوسی از صدر اعظم آلمان مربوط به قبل از دوره آنگلا مرکل شده و حتی شماره های گرهارد شرودر و هلموت کهل و همچنین اعضای دفاتر آنها را شنود می کرده است. دولت آلمان تاکنون نسبت به انتشار این اسناد جدید واکنشی نشان نداده است.

را به همراه شماره های تلفن آن از جمله شماره های مشاوران، دستیاران و حتی شماره فکس دفترش را شنود می کرده است. ویکی لیکس در بیانیه ای درباره این اسناد تازه گفته است: اسامی مرتبط با برخی از اهداف مشخص شده برای

در ادامه دیپلماسی
اقتصادی چین؛

پکن برای سرمایه گذاری در اروپا تضمین بیشتری می خواهد



لازم از سوی اروپا در صورت ضرر مالی پکن در برخی پروژه ها است. از سوی دیگر، اروپا دست چین را برای انتخاب پروژه های فناوری باز گذاشته و به شرکت های چینی حق هیچ گونه انتخابی را نمی دهد. پکن امیدوار است از طریق عضویت در صندوق سرمایه گذاری های راهبردی اروپا کشورهای این قاره را به مشارکت هرچه بیشتر در طرح «یک کمربند، یک جاده» تشویق کند. طرح یک کمربند، یک جاده برای ایجاد زیرساخت های عمده در بخش انرژی و ارتباطات بین کشورهای آسیای مرکزی، غربی و جنوبی تا یونان ارایه شد. به این ترتیب، چین می تواند تلاش های خود را برای حاکمیت بر اقتصاد جهانی از طریق نفوذ در اروپا و تضعیف منافع واشنگتن افزایش دهد.

شد که کشورهای اروپایی نیز علیرغم میل آمریکا برای سرمایه گذاری در بانک «توسعه زیر ساخت های آسیا» به رهبری چین تمایل نشان دادند. قرار بود حجم دقیق سرمایه گذاری چین در این صندوق اروپایی در جلسه یک ماه پیش مشخص شود، حال آنکه عدم شفاف سازی اروپایی ها در مشخص کردن حوزه هایی که چین قادر به سرمایه گذاری در آنها است مانع از اعلام نظر قطعی پکن شد. یکی از مشکلاتی که بر سر راه عضویت چین وجود دارد، عدم ارایه تضمین های

درد که به شرکت های فناوری چینی برای سرمایه گذاری در اروپا محول خواهد شد. سرمایه گذاری چین در صندوق «سرمایه گذاری های راهبردی اروپا» که میزان سرمایه اولیه آن به ۳۱۵ میلیارد دلار می رسد در تضاد با منافع واشنگتن قرار دارد که نگران افزایش نفوذ پکن است. از سویی، مشارکت پکن می تواند ضرر ناشی از کاهش سرمایه گذاری در اروپا را که از تبعات رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ بود، کاهش دهد. ناگفته نماند که ابراز تمایل پکن برای پیوستن به این طرح پس از آن مطرح

اروپا می خواهد با توسل به دیپلماسی اقتصادی چین، ضرر ناشی از کاهش سرمایه گذاری در بخش تاسیسات زیربنایی را کاهش دهد، با این حال به دلیل عدم ارایه تضمین های مناسب تا کنون قادر به جلب رضایت پکن نبوده است. چین می تواند حدود ۱۰ میلیارد یورو (معادل ۱۱.۱ میلیارد دلار) در صندوق تاسیسات زیربنایی جدید اروپا (ای اف اس آی) که پیشنهاد آن در سال ۲۰۱۴ مطرح شد، سرمایه گذاری کند. این در حالیست که به گفته کارشناسان، تصمیم نهایی پکن برای پیوستن به این نهاد مالی به نقشی بستگی



سرمقاله گاردین درباره توافق هسته‌ای ایران به زبان فارسی

روزنامه گاردین چاپ انگلیس به دنبال جمع بندی صورت گرفته در مذاکرات هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱ اقدام به انتشار سرمقاله ای به زبان فارسی کرده است.

سرمقاله گاردین با این عنوان منتشر شده است: توافق هسته‌ای ایران؛ پیروزی دیپلماسی.

در ادامه این مطلب آمده است: «توافق با ایران درباره برنامه اتمی‌اش که صبح روز سه شنبه در وین به سرانجام رسید، پیروزی دیپلماسی بردارانه است. دست کم در مدت سیزده سال گذشته، گره کور رابطه میان ایران و آمریکا که از پشتیبانی متحدان اروپایی‌اش برخوردار بود، احتمال داشت چنان کورتر شود که آتش جنگ برپا گردد. جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۲، ایران را در کنار کره شمالی و عراق «محور شرارت» خواند و بعدتر هم با افزایش حضور ناوگان جنگی در منطقه، تنش‌ها را از پیش هم بیشتر کرد. اسرائیل که خود زرادخانه‌های اعلام نکرده اتمی دارد، بیش از یک دهه است که مرتباً هشدار می‌دهد که آماده است با حمله‌های هوایی پیشگیرانه، تاسیسات هسته‌ای ایران را نابود کند.

رابطه پرتنش میان واشنگتن و تهران با انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ آغاز نشد. ولی حمله به سفارت آمریکا و گروگان گرفتن آمریکایی‌ها بر رویکرد آمریکا در

دهه‌های پس از آن، زخمی بر این رابطه برجا گذاشت. در سال ۱۹۸۸، شلیک یواس اس وینسنس به یک هواپیمای مسافربری ایرانی و کشته شدن ۲۹۰ نفر سبب افزایش خصومت میان این دو کشور شد. در سال ۲۰۰۲، که مبدأ بحران کنونی است، با کشف دو تاسیسات اعلام نشده در نطنز و اراک، آشکار شد ایرانی‌ها واقعیت را درباره برنامه هسته‌ای خود اعلام نکرده‌اند و بار دیگر تنش‌ها بالا گرفت؛ خبر کشف تاسیسات اعلام نشده این هراس را تقویت می‌کرد که ایران سرسختانه و به سرعت در صدد کسب سلاح هسته‌ای است.

در ادامه این مطلب آمده است که تاریخچه سال‌های اخیر، ابعاد آنچه را که در وین رخ داد بیشتر نمایان می‌کند. به جای اینکه سیاستمداران گزینه راه حل‌های نظامی را برگزینند، توافق وین پیروزی دیپلمات‌ها و پراگماتیست‌ها بوده است که ساعت‌های پیایی روی جزئیات توافقی که سازشی صلح آمیز را رقم می‌زند، کار کردند. مسئول این دستاورد جان کری خستگی ناپذیر، وزیر امور خارجه آمریکا است ولی شرکای آمریکا هم در این باره سهم دارند: آلمان، فرانسه و بریتانیا، از جمله یارونس کاترین اشتون نماینده پیشین عالی اتحادیه اروپا و همچنین - با وجود تنش‌های اوکراین - روسیه، و نیز تا اندازه‌ای کمتر چین. همچنین حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران هم در این دستاورد سهم داشته است.

این سرمقاله در ادامه مدعی است که این توافق به ایران فرصت می‌دهد که از انزوا

بیرون آید و به اتحاد تازهای با غرب برسد و در ادامه می‌آورد: این اتحاد هم برای مردم ایران خوب است و هم غرب، چرا که فرصتی فراهم می‌کند برای تعامل بیشتر، چه از راه تجارت، سرمایه‌گذاری و توریسم و چه برای مذاکرات در خصوص مشکلات منطقه‌ای.

«اکنون این امکان وجود دارد که ایران نقش متفاوت و سازنده‌تری در امور خاورمیانه، و نیز همسایگان شرقی خود نظیر افغانستان ایفا کند.»

در ادامه این مطلب می‌خوانیم که سربرآوردن داعش، حالا تصویر را پیچیده کرده است؛ آمریکا در ابتدا از ایران به دلیل مداخله‌اش در عراق با هدف حمایت از جامعه شیعه این کشور انتقاد داشت ولی اکنون این دو کشور، اگر نگوئیم با هم، دست کم در یک صف، در برابر گروه داعش کار می‌کنند.

«بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در سخنانش پیش از توافق، چنین توافقی را اشتباهی در ابعاد تاریخی توصیف کرد و گفت که این توافق به ایران امکان دستیابی به سلاح اتمی را خواهد داد. ولی جزئیاتی که در وین مورد توافق قرار گرفته، نشان از آن دارد که چنین امری دشوار خواهد بود - و قطعاً بسیار سخت‌تر از نتیجه عدم توافق.» این مطلب در ادامه مدعی است: از جمله امتیازهایی که ایران داده است، یکی هم این است که ظرفیت غنی‌سازی خود را به دو سوم کاهش خواهد داد و استفاده از تاسیسات زیرزمینی‌اش در فردو

برای غنی‌سازی اورانیوم را متوقف خواهد کرد. ایرانی‌ها تقریباً در همه نکته‌های کلیدی کوتاه آمده‌اند. تاسیسات هسته‌ای ایران از جمله تاسیساتی خواهد بود که - زیر نظر ناخوانده و جامع آژانس انرژی اتمی - در جهان مورد بیشترین نظارت‌ها قرار خواهد گرفت.»

«آمریکا باید این فرصت را غنیمت بشمرد، با منطقی‌ترین سرعت ممکن به سوی برداشتن تحریم‌ها حرکت کند و مردم ایران را که مدت‌ها سختی کشیده‌اند از منافع قابل لمس برخوردار کند. خطر این است که کنگره‌ای که اکثریتش جمهوری خواه است و هنوز ایران را نبخشیده و با نتانیاهو همدل است، ممکن است بخواهد با این توافق مخالفت کند. باراک اوباما گفت که از حق وتوی خود استفاده خواهد کرد ولی کنگره می‌تواند وتوی او را با دو سوم رای بی‌اثر کند. این البته کوتاه بینی خواهد بود. آقای اوباما قطعاً توفیق بزرگی در سیاست خارجی لازم خواهد داشت تا به میراث داخلی خود بیفزاید و این توافق می‌تواند همین پاداش باشد. پس از تقریباً چهاردهه، این توافق، که برای به دست آمدنش راهی طولانی طی شد، این امید را در دل برمی‌انگیزد که یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های جهان با منافعی بی‌شمار - نه فقط برای ایرانی‌ها بلکه برای همسایگانش که درگیری و تنش در حال نابودکردنشان است - از انزوا بیرون آید

- پای ژاپن هم به دریای چین جنوبی باز شد
- نفوذ آمریکا در منطقه پاسیفیک
- گفتگو نماینده مجلس سنا افغانستان
- عصبانیت چین از راهبرد جدید دفاعی آمریکا

اسپا

دبیران: فاطمه درخشان
مریم خرمائی





که همچنان نشانی از رد پای دشمنی های دیرینه بین آنها به چشم می خورد. این اولین حضور نظامی توکیو در فیلیپین از سال ۱۹۴۵ به این سوی است. در این سال ژاپن تحت فشار دولت واشنگتن به اشغال سه ساله فیلیپین پایان داد.

این هفته نیز ژاپن و فیلیپین در رزمایشی مشترک پروازهایی را در نزدیکی حریم هوایی دریای چین جنوبی انجام دادند که هشدار پکن را به دنبال داشت. همکاری نظامی ژاپن با کشورهایی نظیر فیلیپین و آمریکا در حالی صورت می گیرد

پای ژاپن هم به دریای چین جنوبی باز شد/ همکاری با آمریکا و فیلیپین

عملیات های شناسایی بر فراز دریای چین جنوبی همکاری نداشته است اما احتمال زیادی برای مشارکت در این طرح وجود دارد.

ادعای کاوانو در حالی مطرح می شود که طی دو روز گذشته بر شدت منازعات ارضی بین چین و کشور همسایه - فیلیپین - افزوده شده است. پکن دولت مانیل را به باز کردن پای دیگر کشورها در صحنه دریای چین جنوبی متهم کرده است. این کنایه قطعاً به مداخله جویی های آمریکا و متحدانی مثل ژاپن در این زمینه اشاره دارد. موقعیت جغرافیایی ژاپن به گونه ای نیست که منافعی را در دریای چین جنوبی دنبال کند و بنابراین یک عامل خارجی محسوب می شود.

ژاپن در شمار کشورهای واقع در حوزه دریای چین جنوبی محسوب نمی شود اما تلاش به ایفای نقش بیشتر در جهان، پای توکیو را هم به کشمکش های این منطقه باز کرده است.

«کاتسوتوشی کاوانو» رئیس ستاد مشترک ارتش ژاپن از امکان همکاری با آمریکا برای شرکت در عملیات گشت زنی بر فراز منطقه استراتژیک دریای چین جنوبی خبر داد.

این اقدام در ادامه اتحاد توکیو-واشنگتن برای مهار قدرت چین انجام گرفته و نشانه ای از آمادگی ژاپن برای ایفای نقش بیشتر در منطقه است. در این رابطه، کاوانو مدعی شد که دولت متبوعش تا کنون با آمریکا در زمینه اجرای

اوباما لایحه تجارت آزاد را امضا کرد/ نفوذ آمریکا در منطقه پاسیفیک



رئیس جمهور آمریکا لایحه ای را به امضا رساند که دست وی را برای مهار چین از طریق برقراری روابط تجاری با کشورهای حوزه اقیانوس آرام باز خواهد گذاشت. «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا دیروز دوشنبه لایحه تسهیل و توسعه تجارت آمریکا را به امضا رساند. این لایحه که از آن به قانون «تجارت سریع» یا آزاد هم یاد می شود، هفته گذشته پس از کش و قوس های فراوان از سد کنگره آمریکا گذشت. اوباما امضای لایحه تجارت آزاد را به منزله نقطه عطفی در صحنه رقابت با دیگر کشورها توصیف کرده و نقش آن را در احیاء رهبری آمریکا بر جهان حیاتی دانست. این لایحه از دو بخش تشکیل شده که معاهده های ترانس پاسیفیک و ترانس آتلانتیک را در بر می گیرد. معاهده ترانس پاسیفیک به عنوان یک بخش کلیدی از سیاست چرخش به سمت آسیای واشنگتن تلقی می شود که هدف از آن مهار قدرت اقتصادی و سیاسی چین در منطقه اقیانوس آرام است و روابط تجاری آمریکا را با ۱۱ کشور واقع در این حوزه تسهیل می کند. معاهده ترانس آتلانتیک نیز روابط تجاری آمریکا و اروپا را تسهیل می کند که البته به بهانه های زیست محیطی و از دست رفتن فرصت های شغلی اروپا با مخالفت هایی از سوی ساکنین قاره سبز همراه بوده است. لازم به یادآوری است که لایحه تجارت آزاد با مخالفت شدید هم حزبی های دمکرات اوباما مواجه بود چرا که به این ترتیب فشار زیادی بر مشاغل خرد وارد می شود که از توان رقابتی کمتری با شرکت های چند ملیتی برخوردار هستند و این امر می تواند به حذف برخی از مشاغل سنتی دامن بزند.

از همین روی، اوباما برای جلب آراء موافق حزب دمکرات مجبور شد تا در کنار لایحه تجارت آزاد لایحه دیگری را با هدف افزایش اعتبار مالی به کارگزارانی که از این تصمیم متضرر می شوند، امضا کند.



گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان:

تفاهنامه اطلاعاتی با پاکستان همسو با منافع ملی افغانستان نیست

نماینده پارلمان افغانستان گفت: تفاهنامه اطلاعاتی با پاکستان ضد منافع ملی است و از نظر ما کاملاً مردود است و باید لغو شود.

محمد سرور عثمانی فراهی نماینده مردم فراه در پارلمان افغانستان گفت: تفاهنامه اطلاعاتی با پاکستان یعنی توافق با دشمن؛ کسانی که تروریست در افغانستان را تقویت می کنند.

وی گفت: آی اس آی پاکستان از تروریسم حمایت می کند و نیروهای تروریستی را سازماندهی می کند و این توافقنامه خیانت ملی است و یک لکه ننگ محسوب می شود.

این نماینده پارلمان افغانستان افزود: در طول تاریخ مردم افغانستان با وجود اینکه مشکلات فراوانی داشته اند اما همیشه از حاکمیت ملی و ناموس و ملت خود دفاع کرده اند و مردم این توافقنامه را نمی پذیرند.

وی اظهار داشت: مردم افغانستان این عمل را ضد منافع ملی می دانند و این تفاهنامه را محکوم می کنند. بنابراین از نظر ما این تفاهنامه مردود است و باید لغو شود. در غیر این صورت با عکس العمل شدید مردم مواجه خواهند شد.

نماینده پارلمان افغانستان عنوان داشت: مقامات دولتی می گویند این تفاهنامه امضا نشده است در حالی که آنها تفاهنامه اطلاعاتی با پاکستان را امضا کرده اند.

وی گفت: پاکستان در قبال افغانستان صادق نیست و تمام مشکلات افغانستان از سوی پاکستان است و هیچ عقل سلیمی اجازه نمی دهد که با دشمن تفاهنامه اطلاعاتی امضا شود.

گفتگو نماینده مجلس سنا
افغانستان:

مردم افغانستان تشنه صلح و امنیتند/پاکستان صداقت ندارد



نماینده مردم بدخشان در مجلس سنا افغانستان گفت: تا زمانی که کشورهای منطقه به ویژه پاکستان همکاری جدی و قاطع نکنند و در حرف های خود صادق نباشند هیچ وقت نمی توانیم صلح را در افغانستان حاکم کنیم. گالالی اکبری نماینده مردم بدخشان در مجلس سنا گفت: مردم افغانستان تشنه صلح و امنیتند اما متأسفانه جلسات و نشست هایی که در خارج از کشور برای برقراری صلح برگزار می شود نتیجه مثبت نخواهد داشت، وی گفت: موضوعاتی که در آن جلسات مورد بحث قرار می گیرد اولاً باید دید به نفع ملت افغانستان هست یا نه و دوماً اینکه آیا صلحی که طرف های مقابل می خواهند همان صلحی است که مردم افغانستان خواهان آن هستند؟

نماینده مردم بدخشان در مجلس سنا افغانستان عنوان کرد: صلحی که ما می خواهیم صلحی است که سراسری و پایدار باشد و حقوق هیچ یک از اتباع افغانستان ضایع نشود.

گالالی اکبری افزود: تا زمانی که کشورهای منطقه مخصوصاً پاکستان همکاری جدی و قاطع نکنند و در حرف های خود صادق نباشند هیچ وقت نمی توانیم صلح را در افغانستان حاکم کنیم. به این علت که از یک طرف حرف از صلح می زنند و از طرف دیگر آتش جنگ و انتحار را بر می افروزند؛ لذا آنها در گفته های خود صادق نیستند.

وی اضافه کرد: شخصاً تا زمانی که پاکستان به وعده های خود عمل نکند و به مرحله اجرا نگذارد نمی توانم به این کشور اعتماد کنم.

این سیاستمدار افغانستان در پایان گفت: سیاست دولت در قبال پاکستان درست نیست و با این سیاست نمی توان کاری از پیش برد.

عصبانیت چین از راهبرد جدید دفاعی آمریکا

این بارها موضع خود را به طور شفاف در خصوص ساخت جزایر در دریای جنوبی چین اعلام کرده ایم. ما معتقدیم که آمریکا باید ذهنیت جنگ سرد را رها کند. چین طی ماه های گذشته اقدام به ساخت و ساز جزایر مصنوعی در دریای جنوبی چین نموده و این مساله با مخالفت شدید فیلیپین و سایر کشورهای منطقه و همچنین واشنگتن روبرو شده است. چین ادعای مالکیت ۹۰ درصد دریای جنوبی چین را مطرح کرده و سعی نموده تا با ساخت جزایر مصنوعی این ادعای خود را تقویت بخشد. فیلیپین، تایوان، مالزی، برونئی و ویتنام نیز ادعای مالکیت بخشی از این دریا را مطرح کرده اند.

اقدام آمریکا در انتشار راهبرد جدید دفاعی خود خشم چین را برانگیخت. پنتاگون در گزارش راهبرد جدید نظامی آمریکا اعلام کرده است که اقدامات چین در دریای جنوبی چین، تجاوز کارانه و مغایر با قوانین بین المللی بوده است. این گزارش به شدت خشم چین را برانگیخت بطوریکه «هووا چون یینگ» سخنگوی وزارت خارجه چین تأکید کرد که آمریکا در حال طرح گرافه گویی های بی پایه و اساس است. وی افزود: ما نارضایتی و مخالفت خود را نسبت به گزارش طرف آمریکایی در خصوص گرافه گویی های غیر منطقی که در آن چین را یک تهدید معرفی کرده، اعلام می کنیم. ما پیش از

گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان:

اوضاع امنیتی شمال افغانستان وخیم است/ اعلام حمایت متنفذان

نماینده پارلمان افغانستان گفت: روحیه مردم برای مبارزه با طالبان خوب است و آنها دواطلبانه برای مقابله با تروریست ها اعلام آمادگی می کنند.

حبیبه دانش نماینده مردم تخار در پارلمان افغانستان گفت: متأسفانه مردم شمال و شمال شرق افغانستان در حال از دست دادن مناطق خود هست ولی اتحاد اشخاص قدرتمند و با نفوذ شمال افغانستان می تواند نوعی روحیه و اعتماد به نفس میان مردم و نیروهای امنیتی ایجاد بکند.

وی گفت: اگر دولت به مناطق شمالی امکانات ندهد اوضاع امنیتی بسیار وخیم خواهد شد؛ البته اشخاص قدرتمند شمال افغانستان مانند استاد عطا و ژنرال دوستم تأکید کرده اند که اگر دولت امکانات در اختیار ارتش شمال کشور قرار ندهد، آنها از امکانات شخصی خود هزینه خواهند کرد و وارد عملیات خواهند شد.

نماینده پارلمان افغانستان افزود: نفس این اتحاد توانست روحیه مردم را بالا ببرد و مردم نیز دواطلبانه با در دست گرفتن سلاح های خود به کمک نیروهای امنیتی شتافتند و در حال حاضر مردم را مصمم تر و با روحیه تر می بینم.



وی اظهار داشت: اعضای طالبان در روز به کارهای روزانه خود می پردازند و شب ها دست به عملیات های تروریستی می زنند و مقامات امنیتی نیز آنها را بازداشت نمی کنند و ما بارها این مساله را عنوان کرده ایم. وی گفت: مردم مصمم هستند و بدون اجازه گرفتن از مقامات دولتی برای مبارزه با تروریست ها وارد عمل می شوند.

این نماینده پارلمان افغانستان ادامه داد: ولایت تخار نقاط کلیدی و استراتژیک زیادی دارد و سه و نیم سال شهید احمد شاه مسعود در آن مناطق مبارزه کرد؛ بنابراین اگر طالبان یک نقطه استراتژیک را بگیرد تمام شهر طالقان در اختیار آنان خواهد افتاد و این بسیار خطرناک خواهد بود.

کمک ۶.۱ میلیارد دلاری توکیو به ۵ کشور آسیایی/رقابت اقتصادی با پکن



خواهد شد. ناگفته نماند که دولت آبه در تلاش است تا وجه جهانی اقتصاد خود را از طریق مشارکت در پروژه زیرساخت های شهری، سیستم های ریلی و نیروگاه های تولید برق ارتقا دهد. در این بین، نفوذ اقتصادی و سیاسی چین موجب شده که توکیو بیش از پیش نقش آفرینی در منطقه و در تعامل

با ۶.۱ میلیارد دلار آمریکا را برای کمک به توسعه زیرساخت های این کشورها صرف خواهد کرد. البته معلوم نیست که مبلغ اعلام شده تحت یک بسته مالی جدید ارایه خواهد شد و یا کمک هایی که ژاپن پیشتر به این کشورها اختصاص داده را نیز شامل می شود. بخشی از این کمک در قالب وام اعطا

نمود هرچه بیشتر توکیو در این منطقه و در رقابت با حضور چشمگیر چین صورت می گیرد. «شینزو آبه» نخست وزیر ژاپن این خبر را در نشست اقتصادی که با رهبران کشورهای کامبوجیه، میانمار، تایلند و ویتنام داشت اعلام کرد. به این ترتیب، توکیو طی ۳ سال آینده مبلغ ۷۵۰ میلیارد ین ژاپن معادل

رقابت برای گسترش دامنه نفوذ در جنوب شرق آسیا، ژاپن را به فکر اعطای کمک مالی چند میلیارد دلاری به پنج کشوری انداخت که از رشد اقتصادی خوبی برخوردار هستند. ژاپن در روز شنبه از تصمیم خود برای اعطای کمک ۶.۱ میلیارد دلاری به ۵ کشور حوزه رودخانه «مکونگ» خبر داد. گفته می شود که این اقدام در جهت

برای اولین بار اتفاق افتاد؛

حضور ژاپن در رزمایش مشترک آمریکا و استرالیا/ تقابل با چین



با کشورهای عضو آسه آن (جنوب شرق آسیا) را خواستار شود.

ژاپن برای نخستین بار در رزمایش مشترک آمریکا-استرالیا شرکت می کند. بهانه حضور نیروهای ژاپنی در این نمایش جنگی، آمادگی برای مقابله با قدرت رو به رشد چین است.

آمریکا و استرالیا امروز یکشنبه رزمایش مشترک خود را در کوئین لند و بخش هایی از شمال استرالیا آغاز کردند. این مانور که هر دو سال یک بار انجام می گیرد امسال پذیرای ژاپن به عنوان مهمان ویژه ای است که برای نخستین بار به بهانه افزایش تنش با رقیب آسیایی خود، چین، به مانور نظامی «طلسم سابر» پیوسته است.

به این ترتیب، حدود ۴۰ نیروی نظامی از ارتش ژاپن، برای حضور در رزمایشی که تا ۲۱ ام ماه میلادی جاری ادامه خواهد داشت، به ۳۰ هزار پرسنل آمریکایی و استرالیایی می پیوندند. در این میان، ۵۰۰ نیروی نظامی نیوزلند نیز در این نمایش جنگی دخیل هستند. «تونی ابوت» نخست وزیر استرالیا نیز با اشاره به چالش های موجود در جهان به ویژه خاورمیانه اتحاد کشورش با آمریکا را بسیار مهم توصیف کرد.

این ششمین بار است که رزمایش مشترک آمریکا و استرالیا همزمان با افزایش نفوذ اقتصادی و راهبردی چین برگزار می شود. در این میان، حضور هرچند اندک نیروهای ژاپنی اگر چه به مذاق پکن خوش نخواهد آمد، امر دور از انتظاری نیز تلقی نمی شود.

واشنگتن با مالکیت پکن بر دریای چین جنوبی مخالف است و می خواهد پای توکیو را هم به منازعات ارضی این منطقه باز کند؛ حال آنکه ژاپن اصلا عضو کشورهای واقع در دریای چین جنوبی محسوب نمی شود و تنها ایفای نقش بیشتری را در معادلات بین المللی خواستار است.

استرالیا اخیرا روابط امنیتی خود را با ژاپن افزایش داده است. ضمنا دولت «شینزو آبه» نخست وزیر ژاپن، به دنبال تصویب بسته دفاعی است که به این کشور برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم اجازه حضور در جنگ های خارجی را به بهانه دفاع از همپیمانانی نظیر آمریکا می دهد.

توسعه سازمان همکاری شانگهای کلید خورد/عضویت دائم هند و پاکستان



گرایی و تروریسم هم از دیگر تصمیمات اتخاذ شده در این نشست بود.

سازمان همکاری شانگهای یکی از ساختارهایی است که با محوریت روسیه و چین در سال ۱۹۹۶ میلادی شکل گرفت و هدف ابتدایی آن خاتمه دادن به درگیری های بین این دو کشور با همسایگان شان در آسیای مرکزی بود. اما، بعدها این سازمان با پذیرش اعضای ناظر در جهت تبدیل شدن به یک اتحادیه منطقه ای قدرتمند پیش رفت.

سازمان همکاری شانگهای ترکیبی از اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی را به صورت همزمان دنبال کرده و مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و همچنین افراط گرایی را از اهداف اصلی خود می داند. در این میان، مبارزه با نفوذ غرب و ناتو در منطقه آسیای مرکزی نیز از جمله مسائل راهبردی است که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به آن توجه ویژه ای دارند.

نشست بعدی این سازمان در سپتامبر سال ۲۰۱۶ در کشور ازبکستان برگزار خواهد شد.

شانگهای به عنوان سکوی پرشی یاد کرد که آن را به یکی از مهم ترین و پویاترین سازمان های جهان تبدیل می کند.

به گفته وی، اکنون زمان مناسب برای افزایش دامنه نفوذ این سازمان در منطقه فرا رسیده و کشورهای عضو از هر امکانی برای موفق شدن برخوردار هستند.

سازمان همکاری شانگهای فعلا از ۶ عضو دائم برخوردار است که شامل چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان می شود.

در این نشست همچنین تصمیم گرفته شد که بلاروس نیز به عنوان عضو ناظر به این مجموعه بپیوندد. موضوعاتی چون افزایش همکاری در زمینه مبارزه با افراط

و همکاری شانگهای شود بلکه به همکاری سازنده بین اسلام آباد-دلی به عنوان دو رقیب دیرینه نیز منجر شود.

در بیانیه پایانی گروه شانگهای، دلیل توسعه این سازمان به پیچیدگی هایی نسبت داده می شود که همزمان با گسترش دایره روابط بین الملل و ظهور جهان چند قطبی به وجود خواهد آمد.

توسعه سازمان همکاری شانگهای در حالی انجام می گیرد که افزایش چالش ها و تهدید های امنیتی بیش از پیش به عدم ثبات و اطمینان در نقاط مختلف جهان منجر می شود.

در همین راستا، «نارندرا مودی» نخست وزیر هند، از توسعه سازمان همکاری

نشست سازمان همکاری شانگهای در حالی پایان یافت که مبارزه با تروریسم و توسعه این نهاد سیاسی-اقتصادی در دستور کار اعضای دائم قرار گرفت.

نشست سازمان همکاری شانگهای در حالی در شهر «وفا» واقع در روسیه پایان یافت که طرح توسعه این نهاد منطقه ای مورد تایید قرار گرفت.

به این ترتیب، مراحل عضویت هند و پاکستان نیز که تا همین دیروز به عنوان عضو ناظر در نشست شرکت می کردند آغاز شد. انتظار می رود حضور پررنگ تر این دو کشور که جزء قدرت های هسته ای آسیا محسوب می شوند نه تنها موجب قدرت گرفتن هر چه بیشتر سازمان

گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان:

دلایل رخ دادن اتفاقات میدان وردک/ کوتاهی صورت گرفته است

نماینده پارلمان افغانستان در خصوص حادثه اخیر ولایت میدان وردک و کشته شدن چند سرباز توسط طالبان گفت: این مساله نیاز به تحقیق دارد و قطعا کوتاهی صورت گرفته است.

اسدالله سعادت نماینده مردم دایکندی در پارلمان افغانستان در خصوص حوادث اخیر ولایت میدان وردک و کشته شدن چند سرباز توسط طالبان گفت: شاهراه ولایت میدان وردک یکی از شاهراه هایی بود که سال های قبل به شاهراه مرگ تبدیل شده بود و مردم عادی در آن کشته می شدند؛ پس از مدتی جمعی از پلیس های محلی توانستند امنیت آنجا را تامین کنند و همین مساله به یک عقده برای طالبان تبدیل شده بود.

وی گفت: پس از آنکه جنگ در این ولایت شروع شد هیچ یک از نهادها به داد نیروهای امنیتی نرسید و کوتاهی دولت در این رابطه قابل تامل است.

این نماینده پارلمان افغانستان افزود: میدان وردک در چند قدمی کابل است و به آسانی می شد کمک رسانی کرد و اینکه حتی ۴۸ ساعت بعد هم کمک رسانی نمی شود نیاز به تحقیق دارد.

نماینده مردم دایکندی در پارلمان افغانستان اظهار داشت: ما خواهان تحقیق همه جانبه هستیم تا این قضیه روشن شود که چرا نسبت به سربازان میدان وردک کوتاهی صورت گرفته است.



گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان:

آمریکا با داعش در افغانستان همکاری دارد/ نمی‌توان مجاهدین را حذف کرد



نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان گفت: آمریکا طرحی تهیه کرده است که مجاهدین را از صحنه سیاست افغانستان دور کند؛ این در حالی است که مجاهدین می‌توانند امنیت افغانستان را تأمین کنند. الله گل مجاهد، نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان گفت: امریکایی‌ها نمی‌خواهند وضعیت ولایت پروان بهتر باشد، بلکه خواهان آن هستند که آنجا نیز درگیر جنگ باشد. وی گفت: متأسفانه مجاهدین در حکومت فعلی افغانستان جایی ندارند؛ حمله‌ای که نظامیان امریکایی علیه یکی از مجاهدین در این ولایت انجام دادند نیز نشانگر همین مساله است.

این نماینده پارلمان افغانستان ادامه داد: آمریکا و عده‌ای دیگر از عناصر داخلی با داعش همکاری هستند؛ مجاهدین هیچگاه خواهان داعش و طالبان نیستند اما این افراد از سوی برخی نهادها خانه نشین می‌شوند. وی اظهار داشت: نگرانی مجاهدین این است که آنها خانه نشین شده‌اند در حالی که داعش روی کار آمده است و این یک دسیسه است. هیچ کسی نمی‌تواند مجاهدین را از صحنه سیاست افغانستان حذف کند و این یک پلانی است که از طرف امریکا تهیه شده است. نماینده مردم کابل در پارلمان افغانستان عنوان کرد: حذف کردن مجاهدین از عرصه‌های امنیتی و سیاسی یک اشتباه است؛ آنها بیش از سی سال علیه شوروی و طالبان جنگیده‌اند و به خوبی می‌توانند امنیت را به افغانستان بازگردانند. این در حالی است که در تمام ولایت‌های کشور حتی یک نفر از مجاهدین در پست‌های امنیتی و نظامی منصوب نشده است. وی افزود: همه ملت افغانستان باید علیه تروریست‌ها متحد شوند و از خاک خود دفاع کنند.

گفتگو با نماینده پارلمان افغانستان: افغانستان تبدیل به زرادخانه اسلحه شده است/ پایگاه مردمی مجاهدین



داشت: خلق سلاح مجاهدین اتحاد آنها را خدشه‌دار می‌کند و بسیاری از مجاهدین خلق سلاح شده‌اند. در حال حاضر یک نوع تشویش روانی در کشور وجود دارد که همه دوست دارند خود را مسلح کنند. این مساله فعلاً روی مجاهدین تأثیر منفی نمی‌گذارد ولی مناسب بود دولت قبل از خلق سلاح آنها این مساله را با آنها در میان می‌گذاشت. نماینده هرات در پارلمان افغانستان عنوان کرد: خلق سلاح مجاهدین یک نوع تدابیر احتیاطی است و این نمی‌تواند آنها را از صحنه سیاست کشور خارج کند. وی گفت: تا زمانی که مردم به مجاهدین احترام می‌گذارند هیچ کس نمی‌تواند آنها را از دور خارج نماید. وی با انتقاد از دولت گفت: کمبود سلاح در میان سربازان نیز وجود دارد و این مساله نشان از ضعف دولت در این زمینه دارد. وقتی نبود سلاح در میان سربازان دیده می‌شود نمی‌توان انتظار داشت هنگام قیام مردمی دولت آنها را مجهز کند.

نماینده پارلمان افغانستان گفت: به علت ناامنی‌های فراوان، نوعی جبر مردم را وادار به جمع آوری سلاح کرده است و این یک تهدید برای امنیت افغانستان است. شهید زاده، نماینده مردم هرات در پارلمان افغانستان گفت: متأسفانه در حال حاضر افغانستان تبدیل به یک زرادخانه اسلحه شده است. وی گفت: به علت ناامنی‌های فراوان و نظر به اینکه مردم امنیتی جانی ندارند نوعی جبر مردم را وادار به جمع آوری سلاح کرده است و این یک تهدید برای امنیت افغانستان است؛ یکی از ضروریات این است که این سلاح‌ها باید قانون مند باشد. این نماینده پارلمان افغانستان افزود: وضعیت کشور به گونه‌ای است که ممکن است شاید در آینده نزدیک شاهد قیام مردمی باشیم و هنگامی که خیزش مردمی صورت بگیرد مردم با دست خالی نمی‌توانند قیام کنند؛ خوب است که این مسائل با حکومت در میان گذاشته شود. وی در مورد خلق سلاح مجاهدین اظهار



بررسی لایحه حضور ارتش ژاپن در جنگ‌های خارجی؛ سهم خواهی «آبه» در نظام بین‌المللی معاصر/ ژاپن به مصاف چین می‌رود

تا این کشور به بهانه پایبندی به معاهده دفاع جمعی در حلقه درگیری‌های واشنگتن اسیر شود. به این ترتیب، ارایه کمک نظامی به آمریکا در منطقه تحت مناقشه دریای چین جنوبی هم امکان پذیر می‌شود. محبوبیت آبه در پی ارایه این قانون و برخی قوانین دیگر با افول بی سابقه‌ای مواجه بوده است و نسبت مخالفان وی به ۴۲ درصد رسیده حال آنکه در مجموع ۵۶ درصد از ژاپنی‌ها با بسته دفاعی جدید وی مخالف هستند. انتظار می‌رود قانونی که پیش نویس آن امروز در کمیته مجلس نمایندگان تصویب شد تا پایان هفته در صحن علنی مجلس هم رای بیابد که در آن اکثریت با حزب حاکم لیبرال دموکرات است. بعد از طی این مرحله، قانون مورد نظر برای تصویب نهایی راهی مجلس سنای ژاپن خواهد شد.

آبه در مدت باقی مانده از دوران زمامداری خود باید با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم کند. مخالفت مردم با بازگشایی یکی از راکتورهای اتمی کشور پس از گذشت بیش از سه سال از حادثه فوکوشیما و نطق جنجال برانگیزی که ممکن است آبه در هفتادمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم در نکو هشی جنایت جنگی ژاپن ایراد کند، تنها دو مورد از این مشکلات است. از سوی دیگر، آبه قرار است مجدداً در ماه سپتامبر امسال بخت خود را در انتخابات پارلمانی ژاپن بیازماید تا برای سه سال دیگر سکان امور کشور را به دست بگیرد - انتخاباتی که احتمالاً علیرغم کاهش اقبال عمومی آبه به سود وی تمام خواهد شد چرا که او با وجود همه ضعف‌های سیاسی‌اش از یک نقطه قوت ویژه برخوردار است و کسی نمی‌تواند پیشتازی وی را در عرصه اقتصاد انکار کند.

لایحه مشارکت ژاپن در جنگ‌های خارجی مراحل قانونی شدن را به سهولت پشت سر می‌گذارد تا در اوج نارضایتی مردم، این کشور را در حلقه درگیری‌های واشنگتن اسیر کند. کمیته مجلس نمایندگان ژاپن امروز چهارشنبه پیش نویس قانونی را به امضا رساند که موجب تغییر عظیم در سیاست نظامی توکیو می‌شود. این قانون به نیروهای دفاع ملی ژاپن اجازه می‌دهد تا برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم در جنگ‌های خارجی حضور داشته باشند. این تغییر سیاست از نظر «شینزو آبه» نخست وزیر ژاپن که از حمایت واشنگتن برخوردار است یک موضع گیری امنیتی جسورانه تر تلقی شده و به این کشور اجازه می‌دهد تا با چالش‌های دنیای جدید از جمله نفوذ رو به گسترش چین در منطقه آسیا - پاسیفیک مقابله کند. در مقابل، مخالفان گلابه می‌کنند که تصویب چنین قانونی ناقض منشور صلح قانون اساسی ژاپن است - بخشی که در سال ۱۹۴۷ از سوی نیروهای امریکایی که ژاپن را پس از شکست در جنگ جهانی دوم تحت حاکمیت خود در آورده بودند به قانون این کشور اضافه شد و به موجب آن حق اعلام جنگ را از دولت توکیو سلب کرده و به جای آن بر دموکراسی و حقوق بشر تأکید دارد. جالب آنکه این قانون که در آن زمان موافق با منافع واشنگتن تنظیم شد دقیقاً قرار است ۷۰ سال بعد متناسب با چرخش سیاست‌های آمریکا به سمت منطقه اقیانوس آرام در جهت تأمین منافع کاخ سفید لغو شود. با این حساب، بی دلیل نیست که اقدامات اخیر آبه با مخالفت شدید مردم مواجه شده است چرا که بیم آن می‌رود

کارشناس مسائل افغانستان اعلام کرد؛

همدلی حزب اسلامی افغانستان با داعش / دلایل اظهارات ضدایرانی حکمتیار



وحید مزده، کارشناس مسائل سیاسی افغانستان گفت: حمایت حزب اسلامی به رهبری حکمتیار از داعش قابل کتمان نیست و آنها نمی توانند آن را تکذیب کنند. گلبدین حکمتیار در اظهارات اخیر خود مواضع تندى علیه ایران گرفت. همچنین گفته شده است که حزب اسلامی حکمتیار در افغانستان از گروه تروریستی داعش حمایت کرده است. موضوعی که توسط حکمتیار تکذیب شد. این موضوعات را در گفتگو با وحید مزده تحلیل گر مسایل سیاسی افغانستان مورد بررسی قرار داده ایم که در ادامه از نظر می گذرد.

|| اخیرا گفته می شود حزب اسلامی حکمتیار از داعش حمایت کرده است، این حمایت با چه دلایلی صورت گرفته و موضع طالبان در این خصوص چیست؟

اعلام حمایت حکمتیار از داعش با انتقاد های گسترده ای مواجه شد اما پس از مدتی حزب اسلامی به رهبری حکمتیار این مساله را تکذیب کردند و گفتند این مساله سوء تعبیر شده و حزب اسلامی هیچگاه از داعش حمایت نکرده است. اما با توجه به مصاحبه هایی که حکمتیار داشت مشخص می شود که ایشان به نوعی با داعش همدردی دارند و تمایل به این گروه هستند حتی در سایت رسمی حزب اسلامی نیز تصریح شده بود که داعش مشروعیت دارد و برای مشروعیت داعش همین بس که تمام کشورهای کفر با آن در حال جنگ است.

حمایت حزب اسلامی به رهبری حکمتیار از داعش قابل کتمان نیست و آنها نمی توانند آن را تکذیب کنند.

|| آیا فکر نمی کنید که فشار طالبان باعث شده حزب اسلامی حکمتیار حمایت خود از داعش را تکذیب کند؟

نه اصلا مساله طالبان نیست؛ بلکه همه رسانه ها در مجموع حزب اسلامی را تحت فشار قرار دادند و علیه این تصمیم اعلام موضع کردند. رسانه های گروهی

نیز به شدت از این مساله انتقاد کردند و بالاخره حکمتیار مجبور شد مقاله ای در توجیه این تصمیم بنویسد و وقتی دید با مقاله نمی شود، با صدور اعلامیه ای گفت صحبت های گذشته به درستی تعبیر نشده است.

با توجه به اینکه حمایت حزب اسلامی حکمتیار از داعش در سایت رسمی این حزب منتشر شده بود حتی پسر وی این بیانیه را در صفحه فیس بوک خود منعکس کرده بود کاملا روشن است که حکمتیار ابتدائین موضع را گرفت اما تحت فشار مجبور شد که از موضع خود بگذرد. در مجموع این بیانیه بسیار به ضرر وی تمام شد و موجب شد اعتراضات گسترده ای علیه او صورت بگیرد اگر آنها این مساله را تکذیب نمی کردند موضع طالبان در مقابل آنها چه می بود؟ طالبان اصلا به اظهارات حکمتیار توجهی ندارند. حکمتیار هر روز مقاله ای علیه طالبان و گروه های دیگر می نویسد و در مجموع طالبان وی را مرفوع القلم می دانند. طالبان اینگونه می اندیشند که موضع حکمتیار ناشی از شکست وی در عرصه سیاسی است و زیاد به حکمتیار توجه نمی کنند. حکمتیار اعتبار خود را از دست داده است زیرا هر روز موضعی می گیرد و روز دیگر آن را تکذیب می کند.

|| شما فکر می کنید این حزب هیچ تاثیر مثبت و کمکی به داعش در افغانستان نمی کند؟
اگر حکمتیار فکر می کند با حمایت از

داعش می تواند در کنار آنها باشد کاملا اشتباه می کند. داعش وقتی طالبان را کافر و مرتد می داند، وقتی اخوان المسلمین را مرتد می داند و طالبان را به خاطر حمایت از مرسی تکفیر می کند، وقتی داعش حماس را مرتد می خواند چطور حکمتیار را مسلمان می داند؟ یکی از اصول ابوبکر البغدادی برای تکفیر این است که هر کس دموکراسی و انتخابات را تایید کند کافر است؛ حکمتیار سالهاست که می گوید ما باید از طریق انتخابات زعیم سیاسی خود را انتخاب کنیم. پس اصلا امکان ندارد حکمتیار به داعش بپیوندد. داعش اصولی دارد و وی با اصول داعش برابر نیست.

|| شما فکر نمی کنید آنها با این مسائل می خواهند دوباره خود را به عنوان یک قدرت مطرح کنند؟

با توجه به شناخت هایی که ما از حزب اسلامی داریم، من فکر می کنم حکمتیار می خواهد با این جوسازی هادر صدر اخبار باقی بماند و فقط هدفش همین است. غرض اصلی حکمتیار این است که جنجال سازی رسانه ای کند؛ اگر با بار مثبت نتوانست با بار منفی این کار را انجام می دهد تا خود را در سطح اول رسانه ها باقی بگذارد.

|| حکمتیار گفته بود خطر ایران مانند اسرائیل است؛ نظر تان در این مورد چیست؟

آقای حکمتیار در این اواخر موضع دیگری گرفت در مورد یمن و اعلام کرد که اگر عربستان سعودی بخواهد ما می توانیم نیروهای خود را به یمن بفرستیم. حکمتیار می خواهد حمایت کشورها را به دست بیاورد چون افغانستان عرصه ای است که کشورهای مختلفی درگیر آن هستند. حکمتیار با اعلام این مواضع در پی جلب نظر برخی کشورها است. هنگامی که طالبان بر افغانستان سلطه داشتند آقای حکمتیار در ایران سکونت داشت ببنید قضیه این است که اقامت وی در ایران برایش مشکل آفرین شده است. وی خیلی تلاش کرد که حمایت کشورها را به دست بیاورد و سکوتی که حکمتیار در ایران داشت وی را به در دسر انداخته است.

حکمتیار نه تنها علیه ایران موضع دارد بلکه بر علیه تشیع مواضع زیادی گرفت و تلاش دارد تا به برخی از کشورهای عربی نزدیک شود.

زمانی که ائتلاف برای حمله به یمن شکل گرفت حکمتیار از آنان حمایت کرد و با این کار موضع ضد ایرانی گرفت.



فرانس ۲۴ اعلام کرد:

«ملا عمر» مرده است

هر چند پیشتر خبرهایی در مورد مرگ رهبر طالبان منتشر شده بود اما امروز چهارشنبه بار دیگر منابع آگاه از مرگ «ملا عمر» سرکرده گروه طالبان، خبر دادند. برخی منابع دولتی افغانستان در گفتگو با گزارشگر شبکه خبری «فرانس ۲۴» صحت مرگ ملا عمر، سرکرده گروه طالبان را مورد تایید قرار دادند. علاوه بر این یک منبع افغان از تشکیل کنفرانس خبری ویژه پیرامون مرگ ملا عمر خبر داد. ناگفته نماند که در گذشته نیز شایعاتی مبنی بر مرگ رهبر طالبان وجود داشته است و حتی برخی منابع اطلاعاتی می گویند که وی ۲ یا ۳ سال پیش مرده است.

طالبان به گزارش اخیر واکنشی نشان نداده است اما یکی از سخنگویان گروه به «بی.بی.سی» گفت که به زودی بیانیه ای در این خصوص منتشر خواهد شد. به گفته مقامات افغان، تحقیق پیرامون مرگ ملا عمر همچنان ادامه دارد.

این در حالی است که یک عضو بلند پایه شورای رهبری طالبان در گفتگو با اکسپرس تریبون پاکستان خبر مرگ ملا عمر را تایید کرده و علت مرگ وی را بیماری سل عنوان کرده بود. بر اساس این خبر ملا عمر دو سال و چهار ماه قبل درگذشته است.

برخی منابع از احتمال جانشینی ملا برادر خبر می دهند در حالی که کارشناسان پاکستانی در گفتگو با تلویزیون جتو که ظهر روز چهارشنبه ویژه برنامه ای در این مورد به طور زنده برگزار کرد از احتمال جانشین ملا اختر منصور خبر دادند.

محمد عمر معروف به ملا عمر رهبر طالبان افغانستان بود که از سال ۱۹۹۶ تا اواخر سال ۲۰۰۱ حکومت را در افغانستان در اختیار داشت.

وی با عنوان امیرالمؤمنین امارت اسلامی افغانستان شناخته می شد، حکومتی که با وجود کنترل حدود نود درصد خاک این کشور تنها سه کشور پاکستان، عربستان، و امارات آن را به رسمیت شناختند.

حمله ائتلاف بین المللی به رهبری ناتو در سال ۲۰۰۱ به افغانستان برای نابودی القاعده به دلیل حمله ۱۱ سپتامبر موجب سقوط حکومت تحت رهبری وی شد و ملا عمر پس از آن در اختفا به رهبری طالبان ادامه می دهد. دولت آمریکا ۱۰ میلیون دلار پاداش برای دستگیری او گذاشته است. اسم او در لیست ده رهبر خطرناکترین گروه های تروریستی ذکر شده است.

طالبان به تازگی وارد مذاکرات صلح با دولت افغانستان شده است و به همین دلیل، اشرف غنی به تازگی از ملا عمر تشکر کرده بود.

■ اهداف پنهان آمریکا در عراق

■ تلاش آمریکا برای مصادره پیروزی‌های نیروهای کرد سوری

■ راهبرد نظامی جدید آمریکا

آمریکا

دبیران: فرزاد فرهاد توسکی
مهدی ذوالفقاری



بررسی و ارزیابی استراتژی اوباما در قبال داعش در عراق

نادعلی بای (دانشجوی دکترای روابط بین الملل و کارشناس مسائل آمریکا)



کنم ما در استراتژی مهار داعش موفق عمل کرده باشیم، این گروه در حال تحرک بوده و فعالیت خود را گسترش داده است، ما باید به شکل گسترده ای به فکر حملات هوایی برای شکستن هیمنه داعش در مرکز آنها در شرق سوریه باشیم، «شاوین بریملی» مدیر مطالعاتی «مرکز موسسه امنیت آمریکای نوین» نیز می گوید این که یک نیروی آمریکایی شانه به شانه یک ژنرال عراقی بایستد کمک چندانی نمی کند، «بارابارا استار و الکساندر جف» گزارشگران پنتاگون شبکه سی ان ان معتقدند که استراتژی نیلوفر آبی می تواند به افزایش نیروهای آمریکایی در عراق بینجامد. «جان سوپکو» بازرس کل ویژه بازسازی افغانستان اعلام کرده که استراتژی نیلوفر آبی علیه طالبان در افغانستان ناکارآمد بوده است. کاخ سفید، با انتشار بیانیهای مدعی شده که این نیروها را به درخواست دولت عراق و در تلاش برای مقابله با موقیتهای گروه تروریستی داعش به این کشور اعزام می کند.

کنگره آمریکا و استراتژی مبارزه با داعش

رویکرد و استراتژی اوباما در قبال عراق مورد سوال و انتقاد کنگره قرار گرفته است. کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان ایالات متحده در ۲۹ آوریل با ۶۰ رای موافق در برابر ۲ مخالف و ۱ ممتنع به طرح قانونی شماره ۱۷۳۵ مجلس نمایندگان با عنوان قانون اختیار دفاع ملی سال ۲۰۱۶ رای دادند. در این طرح دفاعی سالیانه، بودجه ۷۱۵ میلیون دلاری برای کمک به نیروهای عراقی که در حال مبارزه با داعش هستند، اختصاص داده شده است. حداقل ۲۵ درصد این بودجه به نیروهای پیشمرگه، شبه نظامیان سنی و گارد ملی اهل تسنن اختصاص خواهد یافت. در این طرح آمده است که باید برای نیروهای پیشمرگه کرد که عنوان نیروهای امنیتی با یک مأموریت ملی عمل کرده و همچنین گارد ملی سنی عراق، یک کشور در نظر گرفته شده و به رسمیت شناخته شود. اجرای این طرح اجازه خواهد داد تا این نیروهای امنیتی به صورت مستقیم کمکهای آمریکا را دریافت کنند. طرح فوق، وزارت خارجه و دفاع آمریکا را ملزم می کند تا تأیید کنند که دولت مرکزی بغداد به اقلیتها، حق بیشتری در شیوه اداره کشور می دهد. اگر ظرف سه ماه از زمان تصویب این طرح، پیشرفتهایی در زمینه شرایط خاص یعنی شمول سیاسی، مجوز تشکیل گارد ملی، پایان دادن به حمایت از شبه نظامیان شیعه حاصل نشود، ۷۵ درصد باقیمانده کمک آمریکا به دولت عراق معلق می شود و دست کم ۶۰ درصد از این کمک به کردها و سنی ها داده می شود. طرح فوق همچنین برای سال مالی ۲۰۱۶، مجوز ۶۰۰ میلیون دلار برای آموزش و تجهیز معارضان سوری برای مبارزه با داعش و ۳۰۰ میلیون دلار برای کمک به اردن به منظور دفاع از مرزهایش با عراق و سوریه را صادر می کند. «مک تورنبری» (نماینده جمهوریخواه از تگزاس) و رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان در مورد تصویب این طرح گفت: «من و دیگر اعضای جمهوریخواه با توجه به نگرانیهای روزافزون نسبت به نفوذ ایران بر دولت بغداد، خواستار

پایگاههایی در اطراف عراق می تواند ایجاد شود تا نیروهای آمریکایی بتوانند به قبایل سنی دسترسی پیدا کرده، به رهبران نظامی عراقی مشورت و هم فکری ارائه کنند و در حملات هوایی و آموزش واحدهای کوچک از سربازان و پلیس عراقی مشارکت داشته باشند. این استراتژی جدید «نیلوفر آبی Lily pad Strategy» یا «مناطق مشترک امنیتی» نام دارد. دمپسی گفت: «یکی از این پایگاهها در مسیر بغداد به تکریت و کرکوک به موصل قرار خواهد داشت. همچنین «استیو وارن» سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، تأیید کرد که در حال حاضر به دنبال مکان یابی برای دیگر پایگاههای نیلوفر آبی هستند و برای محل استقرار این پایگاهها صدها گزینه وجود دارد و اصولاً هر مکانی که قبلاً پایگاه عملیاتی بوده نیز گزینه خوبی محسوب می شود. یکی از مقامات وزارت دفاع آمریکا در این باره گفته است که پایگاههای جدید بر اساس نیازهای نیروهای عراقی در منطقه طراحی و احداث می شود. بنابراین ممکن است یک پایگاه برای آموزش نیروهای سنی، یکی دیگر برای مانورهای مشترک با نیروهای عراقی استفاده شده و یا پایگاه دیگری برای جمع آوری اطلاعات برای حملات هوایی استفاده شود. مقامات نظامی آمریکایی اعلام کرده اند که پنجمین پایگاه نظامی آمریکا در عراق تأسیس خواهد شد. «جاش ارنست» سخنگوی کاخ سفید گفت: رئیس ستاد ارتش آمریکا از مواردی صحبت می کند که واقعی نیست. سپهبد «دیوید بارنو» رئیس سابق فرماندهی نیروهای مشترک در افغانستان در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۳ و رئیس کمیته مشورتی عملیات آزادسازی عراق که در دانشگاههای مطرح نظامی آمریکا به تدریس می پردازد گفت: «گمان نمی

استراتژی مبارزه علیه داعش را که شامل «سه مرحله» اعلام کرد که اجرای کامل آن ممکن است «سه سال» طول بکشد. این سه مرحله عبارتند از: ۱- حملات هوایی علیه مواضع داعش در شمال و غرب عراق که در حمایت از اقوام و اقلیتهای دینی این کشور و نیروها و تسلیحات نظامی، دیپلماتیک و اطلاعاتی آمریکایی مستقر در عراق خواهد بود که این عملیات از ماه آگوست ۲۰۱۴ آغاز شده است، ۲- تشدید تلاشها برای آموزش، مشاوره و تجهیز نیروهای مسلح عراق، پیشمرگه های کرد و احتمالاً قبایل سنی این کشور پس از تشکیل دولت فراگیر در عراق، ۳- نابودی پناهگاهها و مقرهای عملیاتی داعش در داخل سوریه که ممکن است تا پیش از پایان دوران ریاست جمهوری اوباما به پایان نرسد که سخت ترین و جنجالی ترین مرحله این عملیات است. «لیان پنتا» وزیر دفاع اسبق آمریکا که رئیس سیا نیز بوده گفته است که جنگ با داعش، دامنه ای ۳۰ ساله خواهد داشت و می تواند به کشورهای دیگر مانند لیبی، نیجریه، سومالی و یمن کشیده شود.

استراتژی نیلوفر آبی و رویکردهای آمریکایی در قبال آن

باراک اوباما در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۵ (۲۱ خرداد) از اعزام ۴۵۰ مستشار نظامی آمریکایی به عراق برای استقرار در پایگاه جدیدی که در الانتبار مستقر خواهند شد خبر داد. وزارت دفاع آمریکا در بیانیهای در ۱۲ ژوئن اعلام کرد که برای گسترش پایگاههای آمریکا در کشور عراق - و احتمالاً هموار کردن راه برای به کارگیری بیشتر نیروهای آمریکایی در مناطق جنگی - برنامه دارد. ژنرال «مارتین دمپسی» رئیس ستاد مشترک، گفت که مجموعه

در این مقاله، تغییر و تحول استراتژی اوباما در مبارزه با داعش تا اتخاذ استراتژی نیلوفر آبی، و رویکردهای دولتی و کنگره در قبال ن به همراه ملاحظات و ارزیابی مربوطه ارائه خواهد شد.

مقدمه

شکل گیری جریان و گروه تکفیری و تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش- ISIL) در منطقه خاورمیانه، هم از نظر ایدئولوژیک و هم از نظر ژئوپولیتیک، تهدیداتی را متوجه امنیت و منافع ملی ج.ا.ا. کرده است. علیرغم فرو ریختن ۱۳۰۰ بمب توسط هواپیماهای آمریکایی و متحدانش در عراق و سوریه برای نابودی داعش و هزینه ۲،۹۱ میلیارد دلاری آن تا ۱۸ ژوئن ۲۰۱۵، استراتژی ائتلاف بین المللی در این زمینه موفق نبوده است. با توجه به اینکه استراتژی نبرد هوایی مبارزه با داعش اوباما تاکنون موفق نبوده و همچنین عدم موافقت دولت اوباما مبنی بر دریافت سلاح توسط دولت حیدر العبادی از ایران و روسیه به خاطر تحریمهای این دو کشور، «استراتژی نیلوفر آبی» در پیش گرفته شده است.

اوباما اخیراً در دیدار با «حیدر العبادی» نخست وزیر عراق در حاشیه نشست گروه ۷ در آلمان در ۸ ژوئن ۲۰۱۵، در مورد استراتژی مبارزه با داعش گفت: «شکست نهایی داعش در عراق، به موفقیت ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا بستگی دارد و واشنگتن هنوز «استراتژی کاملی» برای کمک و آموزش نیروهای عراقی برای مبارزه با داعش و بازپس گیری مناطق تحت اشغال آن گروه ندارد». ادعای فوق در حالیست که اوباما در نشست مشترک با رهبران کنگره در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۴

بود. استراتژی طولانی مدت دولت آمریکا علیه داعش، می‌تواند به شانس دموکراتها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ هم‌چون انتخابات میان دوره ای کنگره ۲۰۱۴، آسیب برساند.

نگرانی جمهوریخواهان اینست که حملات تروریستی داعش در داخل خاک آمریکا تکرار شود. اعلام اعزام و استقرار ۴۵۰ مستشار نظامی به ارتش عراق کمتر از آنچه که عنوان شده است. بحث و مشاجره بین سازمانی در آمریکا باعث شکل گیری اختلافات شدیدی در این باره شده است که آیا برای شکست داعش نیازی به تعهد دوباره آمریکا در قبال به عراق وجود دارد. مشاوران عالی نظامی اوپاما او را ترغیب می‌کنند که تعداد مستشاران آمریکایی را برای استقرار در شبکه پایگاههای استانه‌ای با اکثریت سنی افزایش قابل توجهی دهد. پیش بینی می‌شود با توجه به بی‌اعتمادی فزاینده در واشینگتن نسبت به اراده دولت عراق در مورد مجوز ورود آسان تسلیحات آمریکایی به قبال سنی و کرد، ایده قدیمی تجزیه سه بخشی عراق - بار دیگر رونق گرفته و مطرح شود. البته با توجه به متقاعد نشدن آمریکا در عدم تغییر رویکردش در قبال عراق، فعلا گزینه تجزیه عراق در لایه سطح دوم تصمیم گیران این کشور باقی مانده است.

علیرغم جدی تلقی کردن تهدید داعش توسط مقامات نظامی آمریکایی، آنها در مورد اینکه کدام استراتژی مبارزه مناسبتر است، قطعیت ندارند. بحثهای فراوانی در بین فرماندهان نظامی وجود دارد و هر کسی دوست دارد از تجربه و درس آموخته شده خود از مبارزه در عراق و افغانستان طرفداری کند، اما به خاطر عدم تعهد برای ارسال نیروهای زمینی آمریکا در منطقه، بیشتر این دیدگاهها نگاه حاشیه ای مبنی بر ارسال تعداد کم نیروها دارد. همچنین در مورد برنامه آموزش شورشیان سوری تردید و سوال زیادی وجود دارد. اقبال عمومی زیادی از جنگ دوباره در عراق دیده نمی‌شود. استراتژی مبارزه با داعش دولت اوپاما، به خصوص با توجه به تعداد نیروهای اعزامی کم برای آموزش مبارزه با داعش، همچنان مورد انتقاد خواهد بود. در حالی که اوپاما دوباره در حال منتفی کردن ارسال و استقرار تعداد قابل توجهی از سربازان را دارد، هیچ تغییری در رویکرد ایالات متحده پیش بینی نمی‌شود.

در مجموع استراتژی نیلوفر آبی نمی‌تواند در مبارزه علیه داعش کارساز باشد. با توجه به هزینه اندک ۳ میلیارد دلاری که صرف مبارزه هوایی علیه داعش شد (علیرغم تبلیغات بسیار در میزان هزینه) آمریکا در مبارزه با این گروه تروریستی جدی نبوده است و وظیفه جنگیدن را به نیروهای محلی واکذار کرده است. این استراتژی می‌تواند منجر به تضعیف ارتش عراق و حتی جنگ فرقه ای داخلی بشود. در پایان باید تاکید کرد که با توجه به اینکه آمریکا اولویت اصلی داعش نیست مبارزه با داعش نیز اولویت اصلی سیاست خاورمیانه ای آمریکا نخواهد بود.

منبع: اندیشکده راهبردی تبیین
(www.tabyincenter.ir)

در سوریه به صورت کامل مورد حمله قرار گرفته و نابود شود. از آنجا که اوپاما مجوز کنگره برای استراتژی مبارزه با داعش را به طور قطعی به دست آورده و از آنجا که تاکنون هیچ نیرویی به جز مریدان و مشاوران نظامی در منطقه مستقر نشده اند و با توجه به آغاز آموزش مبارزان ارتش سوریه آزاد و آموزش ارتش، پلیس و قبایل عراق در چارچوب استراتژی نیلوفر آبی، تنشها در واشینگتن در مورد گستره و کارآمدی عملیات ایالات متحده به وجود آمده است. به نظر می‌رسد که رهبری نظامی ایالات متحده در صورتی به استفاده از نیروهای رزمی زمینی متقاعد می‌شود که هدف «تضعیف و نابودی داعش» قابل دستیابی باشد. کاخ سفید همچنان به صورت مصرانه مخالف استفاده از نیروهای رزمی زمینی است.

دولت اوپاما هم اکنون با فشار بسیار بیشتر برای افزایش مداخله خود در عراق روبروست. با توجه به مخالفتهای سناتور «جان مک کین» رئیس کمیته نیروهای مسلح سنا و سناتور «باب کورکر» رئیس کمیته روابط خارجی سنا با استراتژی اوپاما که آن را ناکارآمد توصیف می‌کنند، احتمال انصراف کنگره جمهوریخواه از اعزام نیروهای رزمی

را حفظ کنند، ما نمی‌توانیم در عراق موفق شویم.»

ملاحظات و ارزیابی

نظر به اینکه اوپاما اعلام کرده که واشنگتن هنوز استراتژی کاملی برای مبارزه با داعش ندارد، باید یادآور شد که سردرگمی آمریکا در برابر پیشرویهای داعش و دیگر گروههای تروریستی در عراق و سوریه ریشه در عملکرد گذشته واشینگتن در خاورمیانه و همچنین رفتار متناقض دولت اوپاما دارد. ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش به رهبری آمریکا، بیشتر به دنبال اهداف ژئوپولیتیک است. بدیهی است که برخی کشورهای منطقه ای برای افزایش قدرت منطقه ای خود، از تشکیل گروه تروریستی داعش حمایت کردند. ج.ا.ا. به این خاطر با رهبری یکجانبه آمریکا در مبارزه با داعش مخالف است که آن را باز تعریف یکجانبه‌گرایی آمریکا با کمک متحدان سنتی اش می‌داند. ائتلاف‌سازی با حضور آمریکاییها پیچیدگیهای خاصی دارد و حتی کردها و ترکها هم تا جایی با ائتلاف علیه داعش همراه هستند که منافعشان اقتضای می‌کند و این امر هم در مورد عربستان سعودی صادق است. با توجه به اینکه استراتژی ایالات متحده در

به رسمیت شناخته شدن کشوری برای شبه نظامیان کرد و سنی عراق هستیم، «پس از کش و قوسهای فراوان، کمیته نیروهای مسلح کنگره آمریکا، روز ۱۴ می اعلام کرد بندی که نیروهای پیشمرگه و عشایر سنی را «کشور» می‌خواند، از قانون بودجه دفاعی آمریکا حذف شده است. بسیاری طرح قانونی شماره ۱۷۳۵ را اجرای طرح و نقشه جو بایدن مبنی بر تجزیه عراق قلمداد کرده اند. «جان مک‌کین» رئیس کمیته نیروهای مسلح سنا نیز در ماه می، نسخه مشابه طرح فوق را در سنا منتشر کرد. سفارت آمریکا در بغداد در بیانیه ای این طرح کنگره را غیر قابل استناد دانست و آن را بیانگر دیدگاهها و سیاستهای دولت آمریکا دانست.

ارسال مستقیم کمکهای تسلیحاتی به کردهای عراق به منظور مبارزه با داعش احتمال برنامه ریزی و تسلیح این نیروها برای تجزیه عراق را تقویت کرده است. «ران پال» سناتور جمهوریخواه ادعا کرده که در ازای همکاری کردها در مبارزه با داعش، به آنها پیشنهاد تاسیس کشور را خواهد داد و کردها لایق حمایت بیشتر و به رسمیت شناخته شدن از سوی آمریکا و متحدانش هستند.

باب کورکر رئیس جمهوریخواه کمیته روابط خارجی سنا در روز ۳ ژوئن در جلسه استماع «پیامدهای توافق هسته ای ایران بر سیاست ایالات متحده در خاورمیانه» ضمن انتقاد شدید از تأثیرات میدانی حملات جنگنده‌های ائتلاف به مناطق تحت نفوذ داعش گفت: «همگام با عمیقتر شدن نفوذ ایران در بغداد و دمشق تا بیروت و صنعاء، بسیاری در منطقه، مساله را اینگونه می‌بینند که ایالات متحده به نیروی هوایی بشار اسد در سوریه و نیروی هوایی ایران در عراق تبدیل شده است.» کورکر به مشاهدات میدانی خود در عراق هم اشاره کرده و آنها را شاهدهی بر این مدعا آورده و افزوده است: «اخیراً به عراق رفته بودم و واقعا همین احساس به شخص منتقل می‌شد، آنچه ما انجام می‌دهیم عبارتست از ایجاد کشوری بهتر برای ایران در داخل عراق. وقتی به نفوذ زیاد ایران در پارلمان عراق و تلاشهای زیاد آنها در میدان نبرد نگاه می‌کنید، این حس قویتر می‌شود.»

شایان ذکر است پروژه خاورمیانه در سال ۲۰۲۰، که توسط شورای اطلاعات ملی آمریکا انجام شده، یکی از گزینه های اصلی آینده جغرافیای سیاسی عراق را تجزیه عراق معرفی می‌کند.

ژنرال «جان ام. (جک) کین» جانشین سابق فرمانده ارتش آمریکا و طراح سابق برنامه حملات نظامی به عراق، در ۲۱ می در جلسه استماع کمیته نیروهای مسلح مجلس سنا، راجع به عملیات آمریکا علیه داعش در عراق و سوریه گفت: «ته تنها در عراق موفق نبوده ایم، بلکه در حال شکست در این جنگ هستیم. وی با اشاره به پیشرویهای داعش در سوریه و عراق و گسترش فعالیتهای این گروه تروریستی در یمن، لیبی، افغانستان و صحرای سینا در آفریقا افزود: آمریکا هنوز هیچ برنامه ای برای مقابله با داعش در سوریه ندارد. به نظر وی سوریه پایگاه اصلی داعش است و تا زمانی که آنها پایگاه خود در سوریه



تغییر حکومتها در خاورمیانه بهتر از ایجاد پایگاههای نظامی جواب داده و منافع آمریکا را تأمین کرده است، کشورهای عضو ائتلاف مانند عربستان سعودی و ترکیه به دنبال درگیر کردن آمریکا در جنگی هستند تا پس از داعش حکومت بشار اسد را ساقط کنند و یا حکومت مطلوب خود را در عراق سر کار بیاورند. با توجه به تشدید گامهای عملیات مبارزه با داعش علیرغم نتایج غیر قطعی آن، نشانه های از افزایش تنش بین رئیس جمهور اوپاما و مشاوران نظامی ارشدش وجود دارد. در حالی که پنتاگون اذعان دارد که حملات هوایی، پیشرویهای داعش را مهار نخواهد کرد، در واشینگتن بحث به سمت استفاده از نیروهای زمینی گرایش پیدا کرده است ولی سیاست رسمی همچنان عدم استفاده از نیروهای زمینی می‌باشد. از سوی دیگر تلاش برای برکناری بشار اسد، تا زمانی که داعش تضعیف نشده، از اولویت کمتری برخوردار است. با اینحال مقامات دولتی آمریکا صراحتاً می‌گویند که داعش نمی‌تواند به صورت جدی آسیب ببیند، مگر اینکه مناطق پایگاهی شان

اهداف پنهان آمریکا در عراق؛ حذف مقاومت و استفاده ابزاری از داعش

فرزاد فرهاد توسکی



آمریکایی ها که در سال ۲۰۱۱ از عراق بیرون رفتند اکنون به دنبال بازگشت به این کشور به بهانه جدید و با بهره گیری از خطر داعش هستند.

این روزها موضوعی که توجه تحلیلگران را به خود مشغول کرده، تحرکات آمریکایی ها در عراق است. روابط ایالات متحده آمریکا با عراق از زمان تاسیس عراق در سال ۱۹۲۱ تا سال ۲۰۰۳ متأثر از عوامل و متغیرهایی در طول زمان بوده و فراز و نشیب زیادی در روابط میان دو کشور رخ داده است.

مهمترین عناصر و متغیرهای حاکم میان طرفین تا سال ۲۰۱۱ را می توان به شرح زیر برشمرد:

- اختلاف دیدگاه ها و مواضع آمریکا و عراق در موضوع فلسطین و چگونگی حل آن.
- اختلاف ایدئولوژیک میان دو کشور به ویژه از سال ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۳ یعنی زمانی که حکومت پادشاهی در عراق به پایان راه رسید و جمهوری در عراق اعلام شد زیرا در این دوره عراق اصل قومیتی و سوسیالیستی و وابستگی به اردوگاه کمونیست ها ضد اردوگاه لیبرال-سرمایه داری را مورد توجه قرار می داد.

روابط میان دو کشور پس از جنگ جهانی دوم با توافقنامه سال ۱۹۵۴ و پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵ و طرح آیزنهاور در سال ۱۹۵۷ متبلور شد و پس از انقلاب ۱۴ جولای ۱۹۵۸ تا دوره عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۳ بحرانی شد و به دنبال جنگ سال ۱۹۶۷ بحران تداوم یافت و با عملیات ملی کردن نفت عراق و به کارگیری نفت به عنوان سلاح جنگی در جنگ اکثر در سال ۱۹۷۳ و امضای معاهده عراق و شوروی سابق در آوریل سال ۱۹۷۲ تیره تر شد و آمریکا به حمایت مستقیم و غیر مستقیم از تحرکات کردها در شمال عراق روی آورد.

در زمان جنگ ایران و عراق ۱۹۸۰-۱۹۸۸ روابط طرفین به حالت عادی خود بازگشت. روابط طرفین از ۲۰۰۳ به بعد گرم می شود اما در سایه اشغال تا سال ۲۰۱۱ ادامه می یابد.

-جنگ عراق با کویت در سال ۱۹۹۰ و تحرکات آمریکا در زمینه آزاد کردن آن از چنگال بعثی ها در سال ۱۹۹۱ و پس از ایجاد ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده. اما در دوم اگوست سال ۱۹۹۰ با یورش عراق به کویت، محاصره عراق و جنگ برای خروج کویت از اشغال رژیم بعث شروع شد و در سال ۱۹۹۱ کویت آزاد شد و در نهم آوریل سال ۲۰۰۳ آمریکا عراق را اشغال کرد.

-تاخیر در حل مشکلات مرزی و بدهی ها میان عراق و کویت به شکل نهایی و سپس بازگشت روابط عادی میان آنها.
-اشغال عراق از سوی آمریکا در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ یعنی به مدت هشت سال.
از سال ۲۰۰۳ آمریکایی ها که عراق را در اشغال خود داشتند و تا سال ۲۰۱۱ در عراق

غیر عراقی به این کشور که در عراق ساکن هستند با نیروهای عراقی همکاری خواهند کرد و این همکاری در چارچوب قوانین عراق خواهد بود.
در صورتی که فردی بیگانه ساکن عراق از سوی مقامات این کشور مورد تعقیب قرار گیرد نیروهای آمریکایی نباید به چنین شخصی اجازه خروج از کشور با استفاده از مناطقی که در اختیار آنها قرار می گیرند، بدهند.

ماده چهارم:

وظایف و مأموریت ها

به منظور مقابله با هرگونه تهدیدات داخلی و خارجی علیه عراق و خنثی کردن آن و نیز تحکیم همکاری ها برای ضربه زدن و شکست تشکیلات القاعده در این کشور و همچنین دیگر گروه های ناقض قانون، دو طرف توافق کرده اند که:

۱- دولت عراق به طور موقت کمک هایی را از نیروهای آمریکایی جهت حفظ امنیت و ثبات در این کشور دریافت کند این کمک ها از جمله شامل عملیات نظامی علیه شبکه القاعده و گروه های تروریستی دیگر و همچنین، گروه های ناقض قانون می شود.
۲- عملیات نظامی براساس این توافقنامه، با موافقت دولت عراق و هماهنگی کامل با نیروهای عراقی انجام می شود. نظارت بر هماهنگی ها در عملیات نظامی را نیز «کمیته مشترک هماهنگی عملیات» (JMOCC) برعهده دارد. این کمیته براساس توافقنامه و مسائل مرتبط با عملیات نظامی تشکیل می شود.
۳- اجرای عملیات باید براساس احترام کامل به قانون اساسی و دیگر قوانین عراق و رعایت اصل حاکمیت و منافع ملی عراق به شیوه ای که دولت عراق تعیین کرده و همچنین، براساس قوانین بین المللی انجام شود و دولت آمریکا باید به این قوانین و عرف عراق احترام بگذارد.

۴- در طرف در چارچوب توافق انجام شده بر ادامه تلاش های خود در زمینه همکاری برای تقویت توانمندی های امنیتی عراق تلاش خواهند کرد در زمینه آموزشی، تجهیزاتی به روز کردن تأسیسات لجستیک (نقل و انتقال، کنترل و تدارکات نظامی) به همکاری با یکدیگر ادامه دهند.

۵- در تمامی مفاد این توافقنامه، حق طرفین در دفاع از خود، محفوظ است و چنین حقی نیز در قوانین بین المللی آماده است.

ماده پنجم:

مالکیت دارایی ها

۱- تمامی ساختمان ها و تأسیسات غیرمنقول موجود در عراق که بر اساس توافقنامه، نیروهای آمریکایی حق استفاده از آنها و یا انجام تغییرات در آنها را دارند و حتی تأسیساتی که نیروهای آمریکایی ایجاد می کنند، تحت حاکمیت دولت عراق

۶- «خودروهای رسمی» که منظور از آن، خودروهای غیرنظامی است که می تواند در جهت اهداف امنیتی به کار گرفته شود و اساساً در زمینه نقل و انتقال کالا یا ویژه تردد پرسنل در مسیرهای مختلف به کار گرفته می شود.

۷- «خودروهای نظامی» که منظور از آن هر نوع خودرویی است که نظامیان آمریکایی از آن استفاده می کنند و در اصل برای بکارگیری در عملیات نظامی استفاده می شود.

۸- تجهیزات دفاعی که منظور از آن تجهیزات و جنگ افزارها و ابزارهایی است که صرفاً در جنگ های متعارف به کار گرفته می شود و نیروهای آمریکایی در چارچوب این توافقنامه به آن نیاز دارند و البته ارتباطی به سلاح های کشتار جمعی (سلاح های شیمیایی، سلاح های هسته ای، سلاح های رادیولوژیک، سلاح های بیولوژیک و پسماندهای مربوط به این سلاح ها) ندارد.

۹- انبارداری، به حفظ تجهیزات دفاعی در چارچوب فعالیت های مورد توافق اشاره می کند.

۱۰- «مالیات ها و عوارض» منظور از آن همه انواع مالیات و عوارض از جمله عوارض گمرکی است که دولت عراق و نهادهای استان های آن، به موجب قوانین و ضوابط عراق تعیین می کنند این عبارت شامل عوارضی که دولت، دستگاه ها و استانداری های عراق در قبال خدمات به نیروهای آمریکایی اعمال می کنند، نمی شود.

ماده ششم:

احترام به قوانین

۱- براساس این بند، تمامی نیروهای نظامی آمریکا و عناصر غیرنظامی به هنگام انجام عملیات نظامی، باید به قوانین، عرف و توافقنامه های دولت عراق احترام بگذارند و از انجام هرگونه اقدامی که با متن این توافقنامه مغایر باشد، خودداری کنند و آمریکا باید تمام تدابیر لازم را برای اجرای این هدف به کار بندد.

۲- در چارچوب این توافقنامه، نیروهای آمریکایی درباره ورود و خروج غیر نظامیان

ماندند و پس از خروج نیز دست از مطامعی که در عراق داشتند برنداشتند.

آمریکایی ها در سال ۲۰۰۸ توافقنامه ای با عراقی ها به شرح زیر به امضا رساندند.

ماده اول:

اهداف

این توافقنامه احکام و نیازهای اصلی حضور موقت نیروهای آمریکایی در عراق و فعالیت آنها و زمان عقب نشینی آنها از عراق را تعیین می کند.

ماده دوم:

تعریف اصطلاحات

۱- «مناطق و تأسیسات توافق شده» تأسیسات و مناطقی که متعلق به عراق است و نیروهای آمریکایی در زمان حضور خود در عراق در چارچوب توافقنامه از آن استفاده خواهند کرد.

۲- اصطلاح «نیروهای آمریکایی» شامل همه نیروهای آمریکایی از نظامیان و غیرنظامیان و همه ادوات و دارایی های آنان در داخل عراق است.

۳- «عضو نیروهای آمریکایی»، به معنی نیروهای نظامی است که در نیروهای سه گانه زمینی، هوایی و دریایی و تفنگداران دریایی و گارد ساحلی فعالیت می کنند.

۴- عنصر غیر نظامی، شامل هر غیر نظامی است که با وزارت دفاع آمریکا همکاری می کند و شامل کسانی که معمولاً ساکن عراق هستند، نمی شود.

۵- شرکت های پیمانکار و طرف قرارداد با آمریکا و افرادی که با آن شرکت ها همکاری می کنند.

منظور از این دو عبارت، اشخاص و شرکت های قانونی غیر عراقی یا غیرنظامیان کشور ثالث هستند که با نیروهای آمریکایی همکاری می کنند و با آنها قراردادهای همکاری امضا کرده اند تا در زمینه فراهم آوردن کالا و خدمات و شرایط امنیتی لازم برای نیروهای آمریکایی موجود در عراق همکاری کنند.

این دو عبارت شامل افراد و شرکت های قانونی که به طور معمول در داخل عراق فعالیت می کنند نمی شود.

است.

۲- دولت آمریکا مسؤولیت ساخت، بهینه‌سازی و یا توسعه مؤسساتی که در چارچوب توافقنامه در آن حضور خواهد داشت، برعهده می‌گیرد و موظف است با دولت عراق در انجام این ساخت و سازها و اقدامات، مشورت کند و رضایت دولت عراق را جهت اجرای این طرح‌ها جلب نماید. در صورت استفاده مشترک از اراضی، طرفین براساس میزان استفاده، مسئولیت بازسازی، ساخت و توسعه مؤسسات در این اراضی را برعهده می‌گیرند و هزینه‌های آن نیز به میزان استفاده از سوی دو طرف پرداخت می‌شود.

۳- در صورت کشف هرگونه اثر تاریخی و یا فرهنگی و یا منابع استراتژیک در این اراضی توافق شده، هرگونه ساخت، بازسازی و عملیات توسعه فوری متوقف می‌شود و موارد فوق به نمایندگان عراقی کمیته مشترک عراق و آمریکا ابلاغ می‌شود تا اقدامات لازم در این باره را اتخاذ کنند.

۴- آمریکا تمامی اراضی و موسسات مورد توافق و غیرمنقول را که در دوره اجرای این توافقنامه به خدمت گرفته و به بازسازی و تعمیر و بهینه کردن آن پرداخته است، بدون هیچ گونه درخواست مالی و یا ثبت بدهی، به دولت عراق باز می‌گرداند.

۵- نیروهای آمریکایی تمامی مؤسسات و اراضی را که اهمیت معنوی، فرهنگی و یا سیاسی داشته باشد را براساس توافق و در صورت درخواست دولت بغداد، به عراق باز می‌گرداند و این اقدام بر اساس ابزارهای اولویت‌ها و دوره زمانی که کمیته مشترک مشخص کند صورت می‌گیرد. بازگرداندن این مناطق و تاسیسات آن، در نامه‌ای از سوی سفیر آمریکا در عراق به وزیر امور خارجه این کشور اعلام می‌شود.

۶- سایر تاسیسات و مناطق توافق شده پس از پایان اجرای این توافقنامه یا زمانی که نیروهای آمریکایی به تشخیص کمیته مشترک به آن نیازی نداشته باشند، به مقامات عراقی تحویل داده می‌شود.

۷- تمامی تجهیزات و املاک منقول و دارایی‌های منقولی که وارد عراق شده و یا براساس توافقنامه در داخل اراضی عراق به دست آمده، به نیروهای آمریکایی و شرکت‌های طرف قرارداد آمریکا تعلق دارد.

ماده ششم:

بهره برداری از تاسیسات و مناطق مورد توافق

۱- براساس رعایت اصل احترام به حاکمیت عراق و در چارچوب تبادل نظر بین طرفین این توافقنامه، امکان دستیابی دولت عراق به تاسیسات و اراضی مذکور را به وجود می‌آورد و مستغلات مزبور باید عاری از هرگونه بدهی و یا هزینه مالی، به عراق واگذار شود.

براساس بند ۶ ماده پنجم و براساس تصمیمات کمیته مشترک هماهنگی عملیات نظامی یا بر اساس توافق دو طرف، تاسیسات و مناطق توافق شده بدون هیچ بدهی و بار مالی به طرف عراقی واگذار خواهد شد مگر اینکه طرفین به توافق دیگری دست یابند.

۲- دولت عراق براساس توافقنامه، نحوه استفاده از این تاسیسات و اراضی توافق شده از سوی نیروهای آمریکایی را مشخص می‌کند و دو طرف در صورت استفاده مشترک از آنها، طبق هماهنگی دوجانبه عمل می‌کنند.

۳- نیروهای آمریکایی کنترل ورود به این تاسیسات و اراضی را برعهده دارند و دو طرف باید در مورد نحوه کنترل ورود و خروج به مناطق مشترک، با یکدیگر هماهنگی داشته باشند و این همکاری از طریق راهکارهایی خواهد بود که کمیته مشترک عملیات نظامی مشخص خواهد کرد.

ماده هفتم:

نگهداری و انبار تجهیزات دفاعی

نیروهای آمریکایی می‌توانند در داخل تاسیسات و مناطق مشخص شده یا مناطقی که دو طرف درباره استفاده از آن توافق کرده اند، تجهیزات دفاعی و مورد نیاز نیروهای خود نگهداری کنند. بر اساس ماده چهارم این توافقنامه استفاده از این تجهیزات نظامی باید متناسب با مأموریت‌های موقت نیروهای آمریکایی در عراق باشد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم ارتباطی به سلاح‌های کشتار جمعی نداشته باشد.

نیروهای آمریکایی مسؤولیت به کارگیری و نگهداری و انتقال تجهیزات دفاعی را که در اختیار دارند خواهند داشت.

آمریکایی‌ها باید تضمین دهند که مواد منفجره نگهداری نکنند یا تجهیزات دفاعی را در نزدیک مناطق مسکونی انبار نکنند و آنها مسؤولیت انتقال مواد تجهیزاتی و انبار آن در نزدیکی مناطق مسکونی را برعهده خواهند داشت.

آمریکا اطلاعات لازم و ضروری درباره حجم و انواع این تجهیزات را به اطلاع دولت عراق خواهد رساند.

ماده هشتم:

حفظ محیط زیست

دو طرف در چارچوب این توافقنامه در راستای حفظ و حمایت از محیط زیست و بهداشت و سلامت انسانی عمل خواهند کرد و آمریکا لازم است بار دیگر بر پایبندی به قوانین محیط زیست و ضوابط و قوانین کنونی عراق تاکید کند.

ماده نهم:

عبور و تردد خودروها، کشتی‌ها و هواپیماها

۱- خودروها و کشتی‌های آمریکا تنها در چارچوب این توافقنامه حق ورود به خاک عراق و یا خروج از آن را دارند و این اقدام باید با احترام کامل به اصول و قوانین عراق انجام گیرد، کمیته مشترک عراق و آمریکا قوانین مرتبط با این عبور و مرورها را تعیین کرده است.

۲- هواپیماهای نظامی و غیرنظامی آمریکا بر اساس قرارداد، حق پرواز در آسمان عراق را دارند و می‌توانند برای سوخت‌گیری و یا در راستای اجرای توافقنامه، در خاک عراق فرود بیایند که البته این امر نیز باید با احترام به اصول سلامت پرواز انجام گرفته

و کمیته مشترک تدابیر مناسبی را برای ایجاد تسهیلات رفت و آمد این هواپیماها اتخاذ می‌کند. هواپیماها، کشتی‌ها و خودروهای آمریکایی فقط در چارچوب توافق با وزارت دفاع عراق عمل خواهند کرد و نباید هیچ شخصی را بدون رضایت مقامات حمل کنند. خودروها و کشتی‌های آمریکایی مورد بازرسی قرار نخواهند گرفت و کمیته مشترک مسئول ایجاد تسهیلات رفت‌وآمد خواهد بود.

۳- مسئولیت نظارت و کنترل حریم هوایی عراق، به محض اجرای این توافقنامه، به مقامات عراقی واگذار می‌شود.

۴- عراق می‌تواند از نیروهای آمریکایی در زمینه حمایت حریم هوایی به طور موقت درخواست کمک کند.

۵- هیچ گونه مالیاتی به هواپیماهای آمریکا و هواپیماهای غیرنظامی این کشور زمانی که براساس توافقنامه با وزارت دفاع عراق فعالیت می‌کنند، تعلق نمی‌گیرد و کشتی‌های آمریکایی نیز از پرداخت هرگونه مالیات گمرکی در بندرگاه‌های عراق معاف هستند. همچنین، خودروهای گشتی و هواپیماهای آمریکایی در عراق مورد بازرسی قرار نمی‌گیرند.

۶- نیروهای آمریکایی در مقابل خدماتی که دریافت می‌کنند باید عوارض پرداخت کنند.

۷- هر یک از طرفین نقشه‌ها و اطلاعات لازم درخصوص مناطق مین‌گذاری‌شده و یا دیگر مناطقی که عبور و مرور در خاک و یا آب‌های عراق را با خطر روبرو سازد، در اختیار دیگری قرار می‌دهند.

ماده دهم:

ضوابط امضای قرارداد

نیروهای آمریکایی براساس قوانین داخل این کشور، مجازند برای خرید لوازم و دریافت خدمات ضروری در عراق با پیمانکاران قرارداد منعقد کنند و در صورت نیاز به هر چیزی، می‌توانند آن را از هر منبعی که می‌خواهند تهیه کنند اما باید این اقدام با احترام به قوانین عراق و براساس قرارداد انجام شود. نیروهای آمریکایی باید اطلاعات مربوط به اسامی شرکت‌های فعال و طرف قرارداد عراقی‌ها و مبالغ این قراردادها را در اختیار مقامات عراقی قرار دهند.

ماده یازدهم:

خدمات و ارتباطات

۱- نیروهای آمریکایی هرگونه فعالیت و یا اقدام برای افزایش استفاده از آب و برق و دیگر خدمات در موسسات و اراضی تحت استفاده شان را باید ضمن هماهنگی با دولت عراق، از طریق کمیته مشترک انجام دهند.

۲- کنترل تمامی امواج رادیویی بر عهده دولت عراق است و متخصصان این کشور می‌توانند از طریق کمیته مشترک عراق و آمریکا، موج‌های رادیویی را بر اساس هماهنگی دو طرف در اختیار نیروهای آمریکایی قرار دهند و این نیروها در زمان مشخص شده که از زمان توافقنامه امنیتی

فراتر نمی‌رود باید این موج‌ها را به عراق بازگردانند.

۳- نیروهای آمریکایی می‌توانند شبکه مخابراتی براساس قوانین مندرج در اتحادیه بین‌المللی مخابرات داشته باشند و براساس آن، می‌توانند از ابزارها و خدمات ویژه جهت تأمین نیازهایشان برای فعال‌سازی سامانه‌های مخابراتی استفاده کنند.

۴- براساس این توافقنامه، نیروهای آمریکایی از پرداخت هرگونه مالیات در استفاده از این سامانه‌های ارتباطی و به کارگیری موج‌های رادیویی که در اختیار داشته باشند، معاف هستند.

۵- اقدام نیروهای آمریکایی درخصوص ساختارهای زیربنایی ارتباطات خارج از سازمان‌ها و اراضی توافق شده، باید با هماهنگی دولت عراق صورت گیرد.

ماده دوازدهم:

حاکمیت قضایی (مسئولیت حقوقی)

با توجه به تأکید بر به رسمیت شناختن حاکمیت عراق در مشخص کردن و اجرای قوانین جنایی و مدنی در خاک این کشور و با توجه به درخواست کمک عراق از نیروهای آمریکایی که در ماده چهارم مشخص شد و در راستای ضرورت احترام گذاشتن نیروهای آمریکایی و عناصر غیر نظامی آن به قوانین عراقی، دو طرف درباره مسائل زیر به توافق رسیدند:

۱) اولویت محاکمه نیروهای نظامی و غیرنظامی ایالات متحده آمریکا که جنایات جبران‌ناپذیر و عمدی را مرتکب شوند، با دستگاه قضایی عراق است و این در حالی است که بر اساس بند هشتم آن، جنایت باید در خارج از مأموریت و در خارج از مکان‌های مورد توافق صورت گرفته باشد.

۲) عراق، مسئولیت حقوقی و قضایی همه شرکت‌ها و اعضای طرف قرارداد با آمریکا و نیروهای آنها را برعهده خواهد داشت.

۳) مسئولیت قضایی مربوط به تمامی نیروهای نظامی و غیرنظامی آمریکا در داخل و خارج موسسات و اراضی توافق شده و همچنین در زمانی که در حین انجام مأموریت خارج از این مناطق باشند، برعهده دولت آمریکاست.

۴- به منظور اجرای عدالت، دو طرف درباره انجام تحقیقات درباره حوادثی که روی می‌دهد و جمع‌آوری اطلاعات درباره حوادث پیش‌آمده با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

۵- در صورت بازداشت نیروهای نظامی و یا غیرنظامی آمریکا توسط مقامات عراقی، این نیروها فوری به مقامات آمریکایی تحویل داده می‌شوند اما نیروهای آمریکایی این افراد را طی ۲۴ ساعت برای انجام تحقیقات و محاکمه آنان به طرف عراقی تحویل خواهند داد.

۶- مقامات آمریکایی در جهت عمل به بند یکم و سوم این ماده گزارشی درباره جرم و جنیت انجام شده ارائه می‌دهند که در آن مشخص می‌شود که جرم در حین مأموریت به وقوع پیوسته است یا خیر. در صورتی که مقامات عراقی تصمیم بر برگشت گزارش بگیرند در آن صورت از طریق کمیته مشترک مقامات دو کشور با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند و مقامات آمریکایی اطلاعات کاملی

پلاک ثبت برای این خودروها نیز بدون دریافت عوارض صادر می‌شود و براساس تدابیر اتخاذ شده در قبال نیروهای مسلح عراقی نیروهای آمریکایی هزینه صدور این پلاک‌ها را پرداخت می‌کنند.

۲- عراق با هر گونه پلاک‌های ثبت و مدارک خودروهای رسمی آمریکایی که توسط دولت آمریکا صادر شده موافق است. ۳- تمامی خودروهای نظامی آمریکا که صرفاً به فعالیت‌های نظامی اختصاص دارند و دارای پلاک‌هایی با اعداد مشخص و خوانا هستند نیاز به ثبت و یا صدور مجوز ندارند.

ماده نوزدهم:

خدمات پشتیبانی مشمول در این ماده عبارتند از:

۱- نیروهای نظامی و غیر نظامی آمریکایی و نمایندگان آنها و همچنین شرکت‌های طرف قرارداد با آنها برای اداره امور مربوط به اراضی و موسسات تحت استفاده آنها می‌توانند دفاتر و مراکز ارائه خدمات از جمله دفاتر پستی، بانکی، فروشگاه‌های مواد غذایی، دارو و دیگر کالاها و همچنین مراکز مخابرات ایجاد کرده و از آن استفاده کنند و برای ایجاد این مراکز نیز نیازی به مجوز ندارند.

۲- خدمات رادیویی رسانه‌ای و تفریحی فراتر از محدوده مناطق حضور آمریکایی‌ها بر اساس قوانین عراق ارائه خواهد شد. ۳- ارائه خدمات مذکور تنها به نیروهای نظامی و غیرنظامی آمریکا و اعضای شرکت‌های طرف قرارداد با این کشور منحصر است و مقامات آمریکایی تدابیر مناسب را جهت جلوگیری از استفاده از این خدمات از سوی دیگر اشخاص و فروش آنها به دیگران را به کار می‌گیرند.

۴- تمامی مؤسسات و مراکز خدماتی مذکور برای نیروهای آمریکایی از هر گونه قانون پرداخت مالیات از جمله معافیت‌های مالیاتی که در ماده ۱۵ و ۱۶ اشاره شد بر حسب توافق‌های به عمل آمده معاف هستند و فعالیت و اداره این مراکز که خدمات به آنها ارائه می‌شود بر اساس نظام آمریکا صورت می‌گیرد.

۵- محموله‌های پستی که توسط مرکز خدمات پستی نظامی آمریکا ارسال می‌شود مورد تایید دولت آمریکاست و مقامات عراقی مجوز بازرسی و یا مصادره این نامه‌ها را ندارند به استثنای نامه‌های غیر رسمی که ممکن است مورد کنترل قرار گیرد.

ماده بیستم:

پول و ارزهای خارجی

۱- نیروهای آمریکایی می‌توانند در راستای اجرای این توافقنامه از هر مبلغ ارزی که ارزش آن بر اساس مستندات مالی آمریکا تعیین شده است استفاده کنند، اما استفاده از پول عراق از سوی نیروهای آمریکایی باید بر اساس قوانین عراق صورت گیرد.

ماده بیست و یکم:

درخواست‌ها

۱- به استثنای ادعاها و درخواست‌های غرامت مشمول قراردادهای طرفین از حقوق

دیگری می‌شود که قیمت آن در زمان فروش کالا در داخل عراق به افراد یا سازمان‌های خارج از چارچوب معافیت از مالیات یا امتیازات ویژه صادرات، برآورد شده است و این مالیات و عوارض از جمله عوارض گمرکی برعهده تحویل‌گیرنده کالا است.

ماده شانزدهم:

مالیات

با توجه به ماده مندرج در ماده ۱۰ هیچ یک از کالاها و خدماتی که نیروهای آمریکایی در راستای اجرای این توافقنامه، مورد استفاده رسمی قرار می‌دهند مشمول مالیات نمی‌شود.

ماده هفدهم:

مدارک و مجوزها

همه گواهینامه‌های رانندگی اعطا شده

آمریکا برای هریک از آنها صادر کرده است.

ماده پانزدهم:

واردات و صادرات

۱- براساس توافقنامه مذکور و با هدف آموزش و ارائه خدمات، نیروهای آمریکایی و شرکت‌های طرف قرارداد این کشور مجوز انجام واردات و صادرات هر گونه تجهیزات و فناوری را به شرط ممنوع نبودن این موارد در عراق از زمان اجرای توافقنامه دارند و هیچگونه بازرسی و یا مانع تراشی در ورود و یا خارج نمودن این لوازم صورت نمی‌گیرد و براساس تعریفی که در بند دهم ماده دوم ذکر شد، شامل هیچ نوع محدودیتی مانند اخذ مالیات یا هرگونه عوارض گمرکی و صدور مجوز برای آنها نمی‌شود. بر اساس این بند همچنین، صادرات

درباره حوادث و شرایط ارائه می‌دهند. ۷- دو طرف احکام وارد شده در این ماده را هر شش ماه یک بار بررسی می‌کنند و هر گونه پیشنهادها درباره تعدیل آن را نیز در نظر می‌گیرند و در آن اوضاع امنیتی عراقی و میزان عملیات نظامی آمریکایی‌ها در داخل عراق و رشد و توسعه نظام قضایی این کشور و تغییرات در قانون آمریکا و عراق را در نظر می‌گیرند.

ماده سیزدهم:

حمل سلاح و پوشیدن لباس‌های رسمی

نیروهای آمریکایی و عناصر غیر نظامی می‌توانند به موجب اختیارات داده شده و اوامر صادر شده بر آنها، سلاح‌های مربوط به دولت آمریکا را در زمان حضور خود در عراق و بر اساس وظیفه و مأموریت‌های



خود حمل و در اختیار داشته باشند، همچنین نیروهای آمریکایی می‌توانند لباس‌های رسمی خود را در انجام مأموریت خود در عراق بر تن داشته باشند.

ماده چهاردهم:

ورود و خروج از عراق

۱- این توافقنامه به نیروهای نظامی و غیر نظامی آمریکا مجوز ورود و یا خروج از گذرگاه‌های رسمی این کشور را با گذرنامه‌های آمریکایی می‌دهد و کمیته مشترک، چارچوب نظارت و دقت نظر بر این موضوع را تعیین می‌کند.

۲- به منظور دقت هرچه بیشتر در این رفت‌وآمدها، نیروهای آمریکایی لیست اسامی نیروهای نظامی و غیرنظامی‌شان را که قصد ورود و یا خروج از عراق را دارند، به مقامات عراقی ارائه می‌دهند.

نیروهای آمریکایی می‌توانند از طریق مناطق و تأسیسات مشخص شده و محدود از عراق خارج شوند که در این صورت از آنها فقط کارت شناسی درخواست می‌شود که دولت

کالا‌های عراقی نیز نیاز به مجوز و یا بازرسی توسط نیروهای آمریکایی ندارد و کمیته مشترک با وزارت بازرگانی عراق تسهیلات لازم را در این خصوص بر اساس قوانین عراق ایجاد می‌کند.

۲- نیروهای نظامی و غیرنظامی عراق در صورت هرگونه واردات و یا صادرات به منظور شخصی، مشمول قوانین گمرکی عراق و همچنین دریافت مجوز هستند اما اگر این واردات به اندازه معقول و متناسب انجام گیرد، مشمول این قوانین نمی‌شود. نیروهای آمریکایی نیز باید تدابیری اتخاذ کنند که جلوی خروج هرگونه کالاها و یا آثار فرهنگی و تاریخی را از عراق بگیرند. ۳- انجام هر نوع بازرسی توسط مقامات عراقی باید در جهت عمل به بند دوم باشد و به صورت فوری در مکانی مورد توافق و بر اساس تدابیر اتخاذ شده از سوی کمیته مشترک انجام گیرد.

۴- کالا‌های وارداتی معاف از مالیات مشمول مالیات و عوارض گمرکی مندرج در بند ۱۰ ماده دوم بوده یا مشمول هرگونه عوارضی

به نیروهای نظامی و غیر نظامی آمریکا و یا پرسنل مربوط به شرکت‌های طرف قرارداد آمریکایی مورد قبول دولت عراق است و نیازی به امتحان مجدد از آنها در عراق نیست و نیازی به پرداخت عوارض به دلیل فعالیت خودروها، کشتی‌ها و هواپیماهای آمریکایی‌ها در عراق نیست. ۱- عراق با پذیرش اختیارات تمامی مدارک و مجوزهای شغلی صادر شده در آمریکا برای نیروهای نظامی و غیر نظامی آمریکا و پرسنل شرکت‌های طرف قرارداد آمریکا برای انجام وظایف رسمی یا براساس قرار دادهای امضا شده در عراق بر اساس شروط توافق شده موافق است.

ماده هجدهم:

خودروهای رسمی و نظامی

۱- خودروهای رسمی شامل خودروهای تجاری است که برای اهداف امنیتی استفاده می‌شود و این خودروها بر اساس توافق طرفین دارای پلاک‌های رسمی عراق است و در صورت درخواست مقامات آمریکایی

الف- بدهی‌های بین‌المللی عراق که در زمان رژیم گذشته به بار آمده شامل بیشترین بخشش شود.

ب- برای صدور تصمیم نهایی و همه جانبه درباره درخواست‌های غرامت که رژیم سابق به جا گذاشته است و درباره آن تصمیم‌گیری نشده است از جمله غرامت‌های اعمال شده به عراق از سوی شورای امنیت، تلاش شود.

۲- با توجه به اقدام رئیس‌جمهوری آمریکا در فراهم کردن حمایت قضایی آمریکا از صندوق توسعه عراق و دارایی‌های دیگر آن، آمریکا بر همکاری با عراق به طور مستمر ادامه خواهد داد و از آن حمایت خواهد کرد.

۳- با توجه به نامه‌ای که رئیس‌جمهوری آمریکا در تاریخ ۲۰۰۸ میلادی به نخست‌وزیر عراق ارسال کرد این کشور متعهد به کمک به عراق درباره حمایت‌های شورای امنیت از منابع نفتی و گازی عراق و صندوق توسعه عراق شد.

ماده بیست و هفتم:

خنثی کردن خطرات امنیتی

به منظور فراهم کردن و حمایت از ثبات و امنیت عراق دو طرف در جهت توسعه توانمندی‌های سیاسی-نظامی، جمهوری عراق تلاش خواهند کرد و از عراق بری خنثی کردن خطراتی که حاکمیت و استقلال سیاسی آن و وحدت اراضی آن را تهدید می‌کند، حمایت خواهد شد به همین دلیل دو طرف به طور مستحکم برای ایجاد تدابیر امنیتی و دفاعی تلاش خواهند کرد که عبارتند از:

۱- در صورت وجود هر گونه خطر خارجی یا داخلی یا هر گونه تجاوز به این کشور که حاکمیت، استقلال، وحدت اراضی آن و نیز نهادهای دموکراتیک آن را تهدید کند، در آن صورت به درخواست دولت عراق دو طرف رایزنی‌های راهبردی را آغاز کرده و آمریکا تدابیر لازم سیاسی، اقتصادی و نظامی را برای رویارویی با این تهدیدها اتخاذ خواهد کرد.

۲- دو طرف بر ادامه همکاری‌های نزدیک و توسعه و تقویت نهادهای امنیتی، سیاسی و دموکراتیک با توجه به توافق میان آنها تلاش خواهند کرد و همچنین در عرصه آموزش و تجهیز نیروهای مسلح عراق در برابر تروریسم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و گروه‌های غیرقانونی و به درخواست دولت عراق همکاری خواهند کرد.

۳- استفاده از اراضی عراق، حریم آبی و هوایی این کشور به عنوان گذرگاه یا سکوی برای حمله علیه کشورهای دیگر وجود ندارد.

ماده بیست و هشتم:

منطقه الخضرا (محل اقامتگاه بسیاری از هیئت‌های دیپلماتیک و سفارتخانه‌های کشورهای خارجی و سازمانهای دولتی)

از زمان آغاز اجرای این توافقنامه، دولت عراق مسئولیت کامل منطقه الخضرا را بر عهده می‌گیرد. ممکن است دولت عراق درخواست حمایت و کمک موقتی از نیروی آمریکایی در منطقه بین‌المللی را داشته

از عراق باشد به رسمیت می‌شناسد و دولت عراق نیز حق حاکمیت آمریکا را در خروج نیروهای آمریکایی از این کشور به رسمیت خواهد شناخت.

۶- دو طرف برای تعیین سازوکار و تدابیری برای کاهش شمار نیروهای آمریکایی در مدت زمانی مشخص توافق کردند و باید درباره مراکزی که این نیروها استقرار خواهند یافت، به توافق برسند.

ماده بیست و پنجم:

اتخاذ تدابیر برای خروج عراق از بند هفتم منشور سازمان ملل متحد

با توجه به اینکه دولت عراق حق دارد تمديد تاريخ حضور نیروهای چند ملیتی در این کشور را که در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸ میلادی پایان می‌یابد، درخواست نکند و با توجه به تحولات مثبت و پیشرفت‌های حاصل به عراق و نیز با توجه به اینکه شرایط عراق با شرایط زمانی که شورای امنیت



قطعنامه ۶۶۱ را در سال ۱۹۹۰ میلادی صادر کرد، اختلاف اساسی دارد به‌ویژه اینکه هم اکنون خطراتی که دولت عراق برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد کرده بود از بین رفته است، دو طرف تأکید می‌کنند که با پایان روز ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۸ میلادی، حاکمیت و اختیارات واگذار شده به نیروهای چند ملیتی بر اساس بند هفتم منشور سازمان ملل متحد که در قطعنامه ۱۷۹۰ در سال ۲۰۰۷ میلادی ذکر شد پایان می‌یابد و لازم است جایگاه قانونی و بین‌المللی عراق که پیش از صدور قطعنامه ۶۶۱ در سال ۱۹۹۰ میلادی از آن برخوردار بود به آن برگردانده شود، همچنین تأکید می‌شود که آمریکا تلاش‌های خود را برای یاری عراق در جهت اتخاذ گام‌های لازم برای تحقق این امر تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸ میلادی به کار خواهد گرفت.

ماده بیست و ششم:

اموال عراق

۱- به منظور تقویت عراق در استمرار توسعه نظامی، اقتصادی و ملی از طریق تقویت بنیه اقتصادی آن و فراهم کردن خدمات اساسی برای ملت عراق و تداوم در حفظ ذخیره نفتی و گازی آن و منابع مالی و اقتصادی از جمله صندوق توسعه عراق دو طرف تلاش خواهند کرد تا:

نظریات احتمالی ناشی از تفسیر آن، از طریق شوراها زیر امکان پذیر است:

۱- کمیته وزارتی مشترک که از اعضای آن از اشخاصی در سطح وزیر که دو طرف مشخص می‌کنند تشکیل می‌شود و مسئولیت تعامل با مسائل مهم مندرج در توافقنامه را که برای اجرا نیاز به تفسیر دارد، برعهده دارد.

۲- کمیته وزارتی مشترک، کمیته‌ای مشترک متشکل از نمایندگان دو طرف تشکیل می‌دهد و ریاست آن نیز به طور مشترک است و این کمیته مسئولیت بررسی و تصمیم‌گیری در تمامی مسائل مربوط به توافقنامه را برعهده دارد اما دخالتی در اختیارات مربوط به کمیته مشترک هماهنگی‌های نظامی ندارد.

۳- کمیته‌های فرعی در زمینه‌های مختلف که از سوی کمیته مشترک برای پیگیری مسائل مربوط به تفسیر و اجرای توافقنامه تشکیل می‌شود.

و درخواست‌های خود از طرف دیگر در خصوص گرفتن غرامت و خسارت‌هایی که به دارایی‌های آنها وارد آمده باشد یا درخواست پرداخت غرامت برای مجروحان و یا موارد فوتی که ممکن است در بین نیروهای نظامی و غیر نظامی طرفین هنگام انجام وظایف و مأموریت‌های رسمی‌شان در عراق روی دهد، چشم پوشی می‌کنند.

۲- نیروهای آمریکایی در صورتی که سبب وارد آمدن خسارت و زیان بر اثر اقدامی که از روی سهل انگاری آنها روی دهد و یا خسارت‌هایی که در موارد غیر جنگی برای طرف سومی به وجود آید لازم است غرامت آن را به طور عادلانه و معقول پرداخت کنند.

لازم است نیروهای آمریکایی هر گزارشی را که مقامات عراقی درباره مسئولیت آنها یا حجم خسارت‌های وارده صادر می‌کنند، مد نظر داشته باشند.

۳- در صورتی که یکی از طرفین لازم ببیند که مسائل ذکر شده در بند ۱ و ۲ این ماده نیاز به بررسی دارد دو طرف از طریق کمیته مشترک بررسی این مسأله را آغاز می‌کنند و در صورت نیاز از طریق کمیته مشترک وزرا این مسأله پیگیری می‌شود.

ماده بیست و دوم:

بازداشت‌ها

۱- نیروهای آمریکایی حق بازداشت هیچ شخص یا دستگیری هیچ فردی را ندارند به استثنای دستگیری عضو از نیروهای نظامی و غیرنظامی آمریکایی و هر گونه عملیات بازداشت باید بر اساس توافقنامه مذکور باید با استناد به اصل احترام قوانین عراق و بر اساس ماده چهارم توافقنامه و قوانین بین‌المللی، صورت گیرد.

۲- در صورتی که نیروهای آمریکایی در عملیاتی افرادی را بازداشت کنند باید ظرف ۲۴ ساعت به مقامات عراقی تحویل داده شوند.

۳- مقامات عراقی می‌توانند برای بازداشت افراد تحت تعقیب از نیروهای آمریکایی درخواست کمک کنند.

۴- آزادی همه بازداشت‌شدگان در نزد نیروهای آمریکایی با هماهنگی کامل و به طور منظم دولت عراق صورت می‌گیرد مگر اینکه دولت عراق در چارچوب ماده چهارم خلاف این مسأله را خواستار باشد. از زمان اجرای این توافقنامه نیروهای آمریکایی همه اطلاعات لازم درباره همه بازداشت‌شدگان را به اطلاع مقامات عراقی می‌رسانند و در زمان لازم شخص بازداشت شده را به مقامات عراقی تحویل می‌دهند.

۵- نیروهای آمریکایی حق جست‌وجو و بازرسی منازل و املاک و دارایی‌های عراقی‌ها را جز با حکم قضایی این کشور ندارند جز در مواردی که عملیات نظامی در چارچوب ماده چهارم در حال انجام است و هر گونه عملیات آنها باید با هماهنگی مقامات عراقی زیربط صورت گیرد.

ماده بیست و سوم:

اجرای توافقنامه

اجرای این توافقنامه و حل و فصل اختلاف

باشد که در این صورت نیروهای امنیتی عراقی نیز به طور مشترک با نیروهای آمریکایی عمل خواهند کرد.

ماده بیست و نهم: تدابیر اجرایی

طرفین می‌توانند در صورت لزوم برای اجرای مفاد این توافقنامه سازوکارهای مناسبی را برای اجرای این ماده تدوین کنند زیرا در این ماده سازوکارهای مشخصی برای اجرا تعیین نشده است.

ماده سی ام:

مدت اجرای توافقنامه

۱- این توافقنامه برای مدت سه سال قابل اجرا خواهد بود و این تا زمانی است که یکی از طرفین بر اساس عمل به بند سوم این ماده، خواستار پایان اجرای این توافقنامه نباشد.

۲- امکان تغییر یا تعدیل در این توافقنامه با موافقت کتبی دو طرف و براساس تدابیر قانونی دو کشور وجود دارد.

۳- اجرای این توافقنامه یک سال پس از اخطار کتبی یکی از طرفین به طرف دیگر پایان می‌یابد.

۴- این توافقنامه از تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۰۹ میلادی و پس از مبادلات و یادداشت‌های دیپلماتیک مورد تأیید دو طرف به منظور تکمیل تدابیر لازم برای اجرای توافقنامه براساس تدابیر قانونی موجود در دو کشور، قابل اجراست.

۴- دو نسخه از این توافقنامه به زبان‌های انگلیسی و عربی در سال ۲۰۰۸ میلادی امضا شد و به لحاظ ارزش قانونی با یکدیگر برابر است.

اما این توافقنامه هرگز مطامع آمریکایی‌ها را برآورده نمی‌کرد زیرا آنها برای لشکرکشی به عراق اهداف و برنامه ریزی کرده بودند و از اشغال عراق به دنبال به دست آوردن منافع اقتصادی و سیاسی بودند.

یکی از اهدافی که آمریکایی‌ها برای آن به عراق آمده بودند به دست آوردن نفت بود. آمریکایی‌ها به رقم اینکه نفت زیادی دارند اما نیازمند نفت خارجی هستند و عراق با منابع نفتی عظیم در رفیع این نیاز آمریکایی‌ها نقش به سزایی ایفا می‌کرد.

عامل دیگری که آمریکایی‌ها را روانه عراق کرده بود موقعیت ویژه آن است زیرا از سویی عراق نزدیک به ایران یعنی دشمن آمریکاست و از سوی دیگر با توجه به سابقه نفوذ روس‌ها در عراق به ویژه پس از سرنگونی رژیم پادشاهی و روی کار آمدن نظام جمهوری و تا پایان دوره بعثی آمریکا در واقع قصد داشت که عراق در کنترل خود بگیرد و مانع از نفوذ و رخنه روس‌ها در آن شود.

عامل دیگری که آمریکایی‌ها را به جنگ و اشغال عراق ترغیب کرد رونق شرکت‌های تسلیحاتی آمریکا و حمایت از آنها در رقابت با هم‌تایان روس بود.

آمریکایی‌ها قصد نداشتند که از عراق خارج شوند اما با کوشش مرجعیت دینی عراق و عده‌ای از رجال عراقی آنها بدون تحقق اهداف خود عراق را در سال ۲۰۱۱

ترک کردند اما آیا آنها حاضر به چشم پوشی از عراق بودند؟

آنها از زمان خروج به دنبال بازگشت به عراق بودند و این بهانه را در سال ۲۰۱۴ داعش که گروهکی افراطی و تکفیری است به دست آنها داد. آنها که از درب رانده شده بودند این بار از پنجره وارد شده اند.

آمریکایی‌ها که مطابق توافقنامه امنیتی موظف به انجام تعهدات خود به عراقی‌ها بودند در حالی که داعش در عراق جولان می‌داد هیچ اقدامی به عمل نیاوردند. آنها در ابتدای یورش داعش فقط نقش تماشاگر داشتند و حتی اوپاما زمانی که درخواست های عراقی مبنی بر کمک جدی و موثر زیاد شد اعلام کرد که نیروی هوایی آمریکا نیروی هوایی شیعیان نیست.

داعش و تروریسم با سلاح های جدید پیشتازی می‌کرد اما آمریکایی‌ها نه کمک تسلیحاتی می‌کردند و نه جنگنده های اف شانزده ای که عراق به آنها نیاز مبرم داشت را به عراق می‌دادند و هر بار بهانه ای را مطرح می‌کردند. این در حالی است که رسانه ها عراق اخباری درباره کمک های پنهان آمریکا به داعش از طریق انداختن محموله برای آنها، هدف قرار دادن نیروهای مردمی و امنیتی برای کاستن از حجم فشار علیه آنها و انواع کارشکنی ها را مطرح می‌کنند.

اهداف پنهان آمریکا در عراق:

طرح های تجزیه طلبانه: از همان سال ۲۰۱۱ هنگامی که آمریکایی‌ها در برابر مقاومت مردمی و مقاومت و مرجعیت و دیگر مهین پرستان عراقی کاری از پیش نبردند تفکرات خطرناکی را شروع کردند.

یکی از این طرح های خطرناک طرح تجزیه بود که هر از گاهی آنها را مطرح کردند تا نبض عراقی‌ها را بسنجند. آنها به دنبال تکه تکه کردن عراق هستند اما منتظر شرایط مناسب هستند.

آنها اخیر تعاملات مشکوکی با سنی‌ها و کردها برقرار کرده اند و طرح های کنگره درباره تعامل با سنی‌ها و کردها به عنوان اقلیم های جداگانه در راستای تضعیف دولت مرکزی عراق است و گر نه چه مناسبتی دارد که در شرایطی که عراق درگیر جنگ با تروریسمی که خود آمریکایی‌ها مدعی مبارزه با آن هستند چنین طرح هایی مطرح شود.

دامن زدن به مشکلات طایفه ای: آمریکایی‌ها از ابتدای اشغال عراق نه تنها کمکی به برقراری امنیت در این کشور نکردند بلکه به بی ثباتی آن دامن زدند. آمریکایی‌ها که با شعارهای دموکراسی و دیگر شعارهای پر زرق و برق وارد عراق شده بودند مرتکب اشتباهات زیادی شدند که از جمله آنها می‌توان به متلاشی کردن ارتش و دستگاه های امنیتی رژیم بعث اشاره کرد.

ما در این مقاله به دنبال حمایت از رژیم بعث یا دستگاه های مخوف آن نیستیم بلکه هدف ما نا امنی به وجود آمده پس از اشغال در نتیجه نبود نیروی امنیتی قوی که بتواند امنیت را برقرار کند، است. در واقع واشنگتن سود خود را بهره گیری

از مشکلات طایفه ای موجود در عراق می‌دانند.

دامن زدن به دودستگی میان گروه های سیاسی: اخیرا یکی از رسانه های عراق از تلاش آمریکایی‌ها برای بازگرداندن طارق الهاشمی از سیاستمدار تحت تعقیب خبر دادند. این رفتار آمریکایی‌ها به خوبی نشان می‌دهند که آنها به دنبال دو بهم زنی میان گروه ها و احزاب عراقی با هدف ممانعت از شکل گیری دیدگاه واحد به نام عراق و کشور عراق در قبال متغیر خارجی هستند. آمریکایی‌ها می‌دانند که اگر گروه های سیاسی عراق موضع واحدی داشته باشند نمی‌توانند سناریوهای خطرناک خود را پیاده کنند و در واقع هیزم این طرح ها از دودستگی میان گروه های سیاسی است. امنیت اسرائیل: شکی نیست که در سالهای اخیر یکی از دلایل رفتارهای آمریکا در عرصه بین الملل حمایت از امنیت تل آویو بوده است و بی ثباتی و ویران کردن سوریه، غرق کردن عراق در بی ثباتی امنیتی و سیاسی و به طور کلی سیاست های خاورمیانه ای واشنگتن در راستای حمایت از امنیت اسرائیل ارزیابی می‌شود. زیرا یکی از طرفهایی که از تجزیه عراق سود می‌برد رژیم اسرائیل است.

حذف گروههای مقاومت از صحنه و روی کار آوردن گروه های وفادار به سیاست های آمریکا:

حضور شخصیت‌های سنی و واشنگتن و پذیرایی گرم آمریکایی‌ها از آن و بی توجهی باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در حاشیه نشست گروه هفت در برلین آلمان و نیز تلاش برای تسلیح عشایر سنی و ممانعت از حضور نیروهای مردمی برای مقابله با داعش به خوبی نشان دهنده تغییر رفتار آمریکایی‌ها حتی در قبال حیدر العبادی نخست وزیری که پس از مالکی وعده های فراوان به آن داده بودند است. آنها نمی‌خواهند که گروه های مقاومت همانند بدر و عصاب اهل الحق، گردان های صلح و دیگر گروه های ضد آمریکایی در عراق جایی داشته باشند. تبلیغاتی که رسانه های وابسته به آمریکا و همپیمانان آنها علیه نیروهای مردمی به راه انداختند در همین راستا تعریف می‌شود زیرا آنها نمی‌خواهند که موفقیتی به نام نیروهای مردمی عراق و گروههای مقاومت آن ثبت شود.

استفاده ابزاری از داعش و تروریسم:

آمریکایی‌ها از زمانی که داعش در عراق حضور قوی پیدا کرد اعلام کردند که مبارزه با آن سالها به طول می‌انجامد شاید منظور آنها از زمانبندی، بیشتر مربوط به زمان تحقق سناریوهای آن باشد. سوالی که مدتهاست ذهن تحلیلگران را به خود مشغول کرده این است که چرا آمریکا با توان اطلاعاتی و نظامی قوی نمی‌تواند داعش را نابود کند؟ در پاسخ به این سؤال ناظران امور بر این باورند که آمریکا اصولا در برخورد با داعش جدی نیست. داعش در حال حاضر اهدافی که آمریکایی‌ها در عراق به دنبال آن هستند را تأمین می‌کند. وجود این گروهک سبب شده است که آمریکایی‌ها بر تعداد نظامیان

خود در این کشور بیفزایند و اخیرا نیز اوپاما دستور اعزام شماری دیگر را به عراق داد تا تعداد آنها آرام آرام زیاد شود. ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا با وجود حملاتی که به داعش انجام داده اما عملا ناکارآمد بوده است و ناکارآمدی آن نیز به عدم تمایل آمریکا برای حذف ریشه ای داعش مربوط می‌شود.

روای بازگشت به عراق:

به دنبال حضور ۴۵۰ نظامی جدید آمریکا در عراق، ژنرال «مارتین دمپسی» رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا گفت که مجموعه پایگاه هایی در اطراف عراق می‌تواند ایجاد شود تا نیروهای آمریکایی بتوانند به قبایل سنی دسترسی پیدا کنند، به رهبران نظامی عراقی مشورت و همفکری ارائه کنند و در حملات هوایی و آموزش واحدهای کوچک از سربازان و پلیس عراقی مشارکت داشته باشند. این استراتژی جدید نیلوفر آبی - نام دارد. یکی از این پایگاه ها در مسیر بغداد به تکریت و کرکوک به موصل قرار خواهد داشت.

سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، استیو وارن نیز تأیید کرد که در حال حاضر به دنبال مکان یابی برای دیگر (پایگاه های) نیلوفر آبی هستند. وی افزود: برای محل استقرار این پایگاه ها صدها گزینه وجود دارد و اصولا هر مکانی که قبلا پایگاه عملیاتی بوده نیز گزینه خوبی محسوب می‌شود. یکی از مقامات وزارت دفاع در این باره گفته است که پایگاههای جدید بر اساس نیازهای نیروهای عراقی در منطقه طراحی و احداث می‌شود. بنابراین ممکن است یک پایگاه برای تعلیم نیروهای سنی، یکی دیگر برای مانورهای مشترک با نیروهای عراقی استفاده شود و یا پایگاه دیگری برای جمع اوری اطلاعات برای حملات هوایی استفاده شود.

تعداد مستشاران در عراق نزدیک به ۴۴۵۰ نفر رسیده است. در ژوئن سال ۲۰۱۴ حدود ۱۸۰ مستشار آمریکایی در عراق حضور داشتند در ماه جولای این تعداد به ۳۰۰ و یکماه بعد به ۱۶۰۰ و در ماه نوامبر این تعداد به ۳۲۰۰ رسید که با احتساب ۳۰۰ مستشار در اقلیم کردستان این آمار به حدود ۴۰۰۰ نفر رسید.

در میان مستشاران آمریکایی فرماندهان رزمی، مربیان تخصص های نظامی و امنیتی مختلف، متخصصان ارتباطات و مراقب پرواز، کارشناسان دستگاه اطلاعاتی و اطلاعات نظامی، کارشناسان اشتهای ملی، کارشناسان امور عشایر و شوراهای بیداری وجود دارند. همچنین مستشاران آمریکایی در اقلیم کردستان و پایگاه های عین الاسد، الحبییه، اردوگاه التاجی و المزرحه حضور دارند.

نکته ای که در پایان می‌تواند گفت این است که دولت عراق باید برای مبارزه با تروریسم به فکر منابع تسلیحاتی دیگر باشد و بیش از اندازه به آمریکایی‌ها تکیه نکند. بغداد باید منابع تأمین تسلیحات خود را متنوع کند به ویژه در شرایطی که آمریکایی‌ها علاقه ای به پایان دادن به فعالیت داعش ندارند و سلاح مدرن و مورد نیاز را به عراق نمی‌دهند.

تلاش آمریکا برای مصادره پیروزی‌های نیروهای کرد سوری

موفقیت‌های اخیر نیروهای کرد سوری در مبارزه با گروه تروریستی داعش موجب شده تا آمریکا تلاش برای مصادره این پیروزی‌ها را به نفع خود را آغاز کند. ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا به رغم انجام تبلیغات گسترده نتوانسته توفیق چندانی در شکست دادن این گروه تروریستی داشته باشد و موفقیت‌های کسب شده در عراق و سوریه در مبارزه با این گروه به لطف اتکا بر نیروهای بومی بدست آمده است.

در همین رابطه مدتی است که گروه‌های کرد سوری پیروزی‌هایی در نبرد با داعش بدست آورده‌اند و در این میان آمریکا تلاش دارد این پیروزی‌ها را به نوعی به نام خود تمام کند.

در همین رابطه شب گذشته کاخ سفید پیشری‌های اخیر نیروهای عمدتاً کرد سوریه علیه گروه داعش را به عنوان نمونه‌ای از نحوه نبردهای حمایت‌شده از سوی ایالات متحده علیه افراطیون توصیف کرد. جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید، در واکنش به خبرهای منتشر شده از پیشری‌های نیروهای کرد ضد

«داعش» در سوریه، گفت «فکر می‌کنم این نشان می‌دهد، داشتن یک شریک قادر، موثر و دارای اراده، به چه اندازه برای آمریکا اهمیت». پیشری اخیر را سازمان دیدبان حقوق بشر سوریه، که مقر آن در لندن است، به نوعی «فروپاشی» افراطیون در مرکز اصلی حضور خود توصیف کرده است. مقامات آمریکایی ضمن تلاش برای زدن این پیروزی‌ها به نام خود به روند این پیشری‌ها و ادامه عقب‌نشینی داعش، نگاهی محتاطانه دارند. خبرگزاری رویترز از قول یک مقام ایالات

متحده که نامش را فاش نکرده، نقل کرده است، داعش پیشتر این قابلیت را از خود نشان داده است که قادر به تجدید قوا است. نیروهای کرد نیز به زمان بیشتری برای ثبات بخشیدن به آنچه تصرف کرده است، نیاز دارند. به گزارش رویترز، سرهنگ استیو وارن، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، گفته است این که نیروهای کرد بخشی از راه شمال به جنوب، متصل‌کننده رقه به مرز ترکیه، را در دست گرفته‌اند، کار افراطیون را برای گرفتن نیرو و تجهیزات مشکل می‌کند.

در عین حال مشخص نیست که نیروهای داعش از راه‌های دیگری برای تجدید نیرو و تجهیزات برخوردار نباشند. گفته‌های تازه کاخ سفید در توصیف روش نبرد با داعش در حالی است که پیشتر مقامات دولت آمریکا در مواردی از نحوه برخورد ارتش عراق در مبارزه زمینی با نیروهای این گروه انتقاد کرده بودند. یک ماه پیش از این اشتون کارتر، وزیر دفاع ایالات متحده، گفته بود، نیروهای عراقی با وجود آنکه شمارشان در رمادی بیشتر از افراد داعش بوده، اما اراده خود را به نبرد و دفاع از دست دادند.

راهبرد نظامی جدید آمریکا:

برخی برتری‌های نظامی آمریکا رو به زوال است

این گزارش به عنوان تهدیدات جامعه بین‌الملل نام برده شده‌اند. در بخش دیگری از این گزارش آمده است: اعتقاد ما بر این است که هیچ از این قدرت‌ها به دنبال نبرد نظامی مستقیم با آمریکا نیستند، اما هر یک قادرند نگرانی‌های امنیتی جدی را برای آمریکا با خود به همراه داشته باشند. در پایان این سند نیز تصریح شده است: تهدید جنگ با یک قدرت بزرگ مانند روسیه، ایران یا کره شمالی اندک اما رو به رشد است. آخرین بار در سال ۲۰۱۱ بود که آمریکا راهبرد نظامی خود را به روزرسانی کرده بود. در گزارش تازه وزارت دفاع آمریکا، نسبت به افزایش تهدیدات جدید هشدار داده شده است.

«مارتین دمپسی» رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در مقدمه این گزارش می‌نویسد: از زمان انتشار آخرین راهبرد نظامی ملی در سال ۲۰۱۱، از سویی ناآرامی‌ها در جهانی به میزان زیادی افزایش یافته و از سوی دیگر برخی برتری‌های نظامی ما هم رو به زوال نهاده است. در سند وزارت دفاع آمریکا ادعا شده است: ایران یک چالش راهبردی در جهان محسوب می‌شود. این کشور فن‌آوری هسته‌ای و ساخت موشک‌ها را کاملاً دنبال می‌کند. در سند مذکور تصریح شده است که واشنگتن باید علیرغم تهدیدات دیگری چون گروه‌هایی نظیر داعش، رویارویی همزمان با رقبای قدرتمندی چون روسیه و چین را نیز مورد توجه قرار دهد. ایران، روسیه، کره شمالی و چین در

The National Military Strategy of the United States of America 2015



دمپسی» رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا راهبرد نظامی جدید این کشور را با عنوان «راهبرد نظامی ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۵» منتشر کردند. در این سند ۱۵ صفحه‌ای که پایگاه خبری پنتاگون آن را منتشر کرد، آمریکا با تکرار ادعاهای واهی گذشته، ایران را به حمایت از تروریسم و بی‌ثبات‌سازی منطقه متهم کرده است.

«اشتون کارتر» وزیر دفاع و «مارتین دمپسی» رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا راهبرد نظامی جدید این کشور را منتشر کردند. «اشتون کارتر» وزیر دفاع و «مارتین